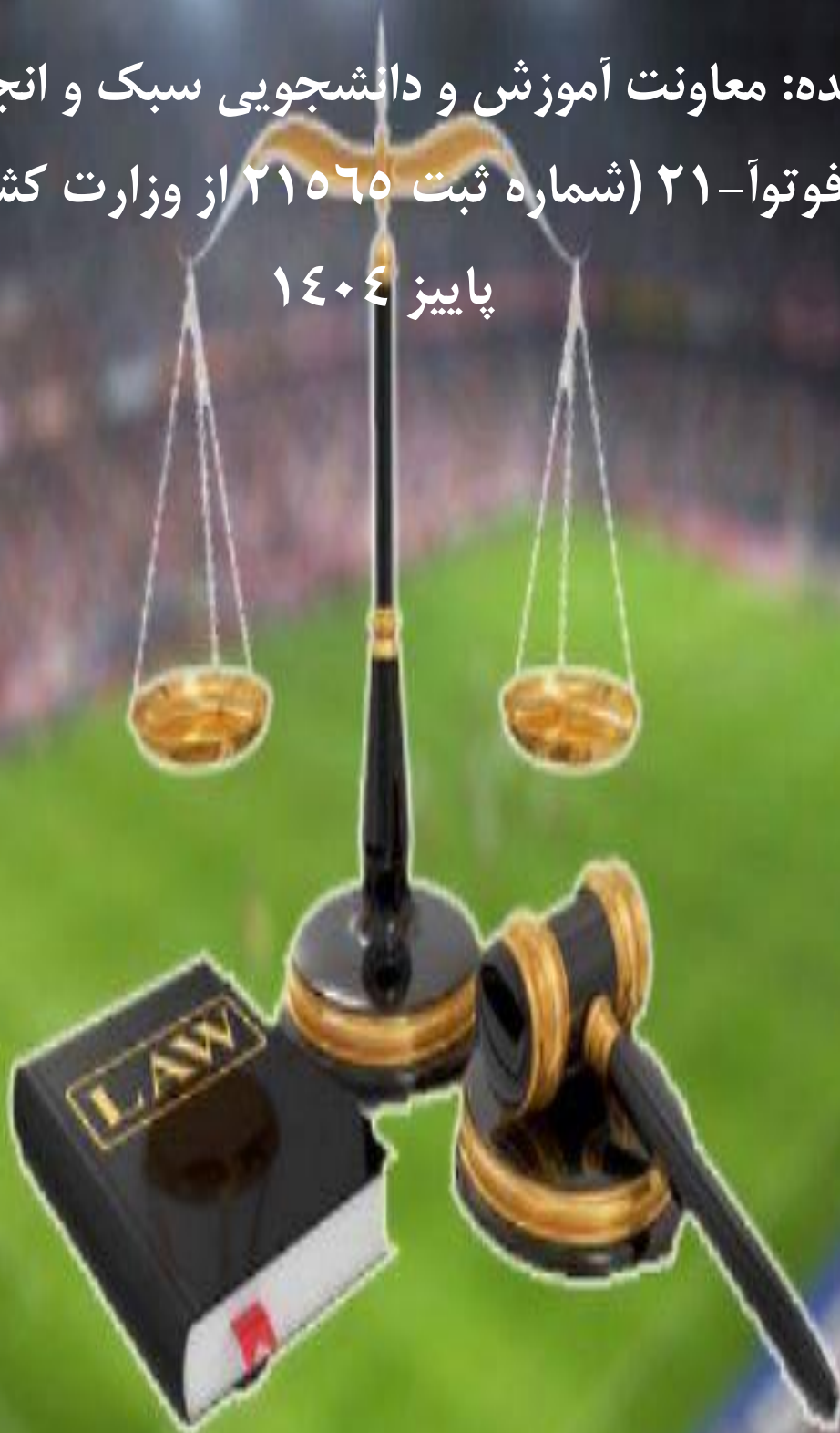


حقوق ورزشی

گراورنده: معاونت آموزش و دانشجویی سبک و انجمن کانگ
فوتوا- ۲۱ (شماره ثبت ۲۱۵۶۵ از وزارت کشور)

پاییز ۱۴۰۴



۱ شناخت حقوق

تعریف حقوق ورزشی
موضوع حقوق ورزشی
اهداف حقوق ورزشی

۲ قواعد عمومی

حقوق و کاربرد آن در
ورزش

فلسفه حقوق و مکاتب
حقوقی
اوصاف و قواعد حقوقی

۳ جایگاه ورزش در قانون
اساسی

فصل اول

شناخت حقوق ورزشی و
کاربرد قواعد عمومی

۴-۱ مسئولیت

۴ مسئولیت قانونی و انواع

تعریف مسئولیت کیفری
جرم ارکان جرم
انواع جرم
مجازات اهداف مجازات
انواع مجازات

ارکان مسئولیت

۴-۲ مسئولیت

فصل اول

شناخت حقوق ورزشی و کاربرد قواعد عمومی حقوق

۱- شناخت حقوق ورزشی

۱-۱- تعریف ورزشی (فلسفه حقوق ورزشی)

حقوق ورزشی / حقوق ورزشی یکی از گرایش‌ها/ مشتقات علم حقوق است.

تعریف حقوق:

حقوق دارای معانی مختلف و متفاوتی است که بعضی از آنها عبارتند از:

۱- حقوق جمع کلمه حق است. حق داره معانی مختلفی است:

حق به معنای پایدار، راست، واجب، عدل، بهره، سهم معین هر کس خدا

در اصطلاح حقوقی

حق آن رابطه حقوقی است که به سبب آن، قانون به یکی از اشخاص این توانایی را می دهد تا به گونه ای ویژه و منفرد بر چیز معین تسلط و چیرگی یابد «آن را تصرف کند» و یا از شخص دیگر انجام یا عدم انجام چیزی یا کار معینی را بخواهد.

برخی دیگر: برای تنظیم روابط مردم و حفظ تنظیم عمومی و نظم عمومی در اجتماع، حقوق برای هر شخص امتیازهایی در برابر دیگران می شناسد و توان خاصی به او می بخشد. این امتیاز و توانایی راه حق می نامند که جمع آن حقوق است. این تعریف به طور معمول به مجموعه قوانین و مقرراتی گفته می شود که بایددها و نبایدهای الزامی یک جامعه را معین و مشخص می سازد.

۲- حقوق مجموعه مقرراتی است که بر اشخاص، از آن جهت که در اجتماع هستند حکومت می کند.

۳- گاه مقصود از واژه ی «حقوق» علم حقوق است.

یعنی دانشی که به تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول و زندگی آن می پردازد. مانند: حقوق ورزشی، حقوق تجارت، حقوق کیفری

۴- حقوق امروزه رشته ای از علوم انسانی است که دانش و آگاهی های مربوط به شناخت، تحلیل و تفسیر قوانین حقوقی را در بر داشته و در بسیاری از دانشگاه های ایران و جهان تدریس می شود و فارغ التحصیلان آن در حوزه قضایی و حقوقی اشتغال می یابند.

در نتیجه:

حقوق ورزشی یکی از گرایشهای علم حقوق است که به بررسی حوادث و تخلفات ورزشی از دیدگاه حقوقی می پردازد.

۱-۲ موضوع حقوق ورزشی: ((مجموعه قواعد و مقررات ناظر بر تمامی تخلفاتی است که در عرصه ورزش رخ داده و به نحوی به حقوق دیگران لطمه وارد می سازد و تمامی افراد و شخصیت های فعال در امر ورزشی را شامل می گردد و به تجزیه و تحلیل قواعد و مقررات ورزشی می پردازد)).

حقوق ورزشی یکی از گرایشهای علم حقوق است که به بررسی حقوقی حوادث در ورزش می پردازد.

به طور کلی منظور از حوادث ورزشی تمام جرایم و شبه جرایمی است که توسط ورزشکاران، معلمین، مربیان، مدیران، تماشاگران، سازندگان و تولیدکنندگان لوازم و تجهیزات و امثال آنها به طور مستقیم یا غیر مستقیم در رابطه با ورزش انجام می گیرد.

این حوادث و تخلفات احتمال دارد در زمینه های جانی، مالی، حیثیتی، اداری و فنی باشد که به نحوی در عرصه ورزش به وقوع می پیوندد.

۱-۳ اهداف حقوق ورزشی: به طور معمول طرح مسائل حقوقی در هر زمینه ای اتخاذ سیاستها و پیش بینی تدابیر بازدارنده و ارباب آمیز می باشد و هدف آنها بیشتر مجازات و تنبیه متخلفین و ما جرمین است.

اما حقوق ورزشی یا اهداف دیگری که عمدتاً با نیت ایجاد نظم و به وجود آوردن بستری مناسب و امن برای رقابت های جوانمردانه است؛ به وجود آمده اند.

برخی از این اهداف عبارتند از:

۱- آشنایی با وظایف و اختیارات قانونی در ورزش

۲- آشنایی با محدوده های قانونی فعالیت در ورزش

۳- آشنایی با جرایم و تخلفات ورزشی

۴- آشنایی با پیامدهای حقوقی جرایم و تخلفات ورزشی

۵- آشنایی با تدابیر ضروری و لازم در رویدادهای ورزشی

۶- ایجاد محیطی سالم، امن و بدون حادثه برای افراد فعال در ورزش

۱-۴ تاریخچه حقوق ورزشی:

۱-۴-۱ تاریخچه حقوق ورزشی در جهان

با توجه به اینکه رویدادها و تقابل اراده ها در ورزش نیز جدایی ناپذیر به نظر می رسد تاریخ تولد حقوق ورزشی را می توان مقطعی دانست که انسان ورزش را به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای زندگی اجتماعی خود پذیرفته است. و کم و کیف آن در هر جامعه بستگی به سطح تمدن و فرهنگ آن جامعه داشته است.

با رشد و توسعه روزافزون ورزش در جهان بروز حوادث و اتفاقات گوناگون در آن یا پیچیدگی و گسترش سازمانها و نهادها و فعالیت‌های ورزشی در جهان، لزوم تدوین و تنظیم تدابیر و ضوابط ویژه‌ای برای اعمال نظارت و حمایت و کنترل وقایع محیط‌های ورزشی هر روز در طول تاریخ بیشتر احساس می‌شود لذا دست‌درکاران مسائل حقوقی و قضایی را بر آن داشته است تا با جدیت و پشتکار بیشتری نسبت به پیش‌بینی و وضع قوانین و مقررات مخصوص رویدادها و جوامع ورزشی اقدام و نسبت به تدوین مجموعه قوانین حاکم و ناظر و روابط حقوقی جوامع ورزش عمل کنند. از مراجع ذی صلاح که در اواخر قرن ۱۹ و به منظور رسیدگی به مناقشات و معضلات حقوقی در ورزش به وجود آمده دادگاه بین‌المللی حکمیت ورزشی (CAS) است که به عنوان یک نهاد مستقل از سال ۱۹۸۴ در لوزان سوئیس فعالیت خود را آغاز کرد.

از وظایف این دادگاه:

حل و فصل منازعات و اختلافات ورزشی است که در عرصه‌ها و رویدادهای مختلف به وقوع می‌پیوندد. که تمام مسائل اقتصادی، اخلاقی و انضباطی که در ورزش پیش می‌آید در حیطه صلاحیت و رسیدگی این دادگاه است.

ایجاد اهمیت خاص و پیچیدگی ویژه‌ای که به مرور زمان در مسائل حقوقی ورزشی پدیدار شد شاخه‌ای از مباحث حقوقی به این امر اختصاص یافت و حقوق ورزشی به تدریج در محاکم قضایی و ورزشی ارزش، اعتبار و رسمیت بیشتری پیدا کرد.

در سال ۱۹۸۴ به عنوان یکی از مباحث دانشگاهی در دانشگاه‌های یونان گنجانده و تدریس شد و پس از آن در دیگر دانشگاه‌های کشور های جهان به ویژه جزو برنامه‌های درسی دانشجویان تربیت بدنی قرار گرفت در سال ۱۹۹۰ اولین کنگره ملی حقوق ورزشی در کشور یونان و با حضور نمایندگان حقوقی و قضایی بسیاری از کشورهای صاحب ورزش برگزار شد. در خصوص مطالب و موضوعات متعدد حقوق ورزشی و بحث و تبادل نظر گردید.

۱-۴-۲ حقوق ورزشی در ایران از آغاز دوره قانون گذاری در ایران معاصر یعنی ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۲ قانون مشخصی که در باب موضوعات و حوادث ورزشی که به صراحت تعیین تکلیف کرده باشد وجود نداشت و حقوق دانان در راستای توجیه حوادث ناشی از عملیات ورزشی به مبانی و اصول حقوقی متوسل شده‌اند.

استاد عبدالحسین علی‌آبادی ضمن طرح بعضی نظرها که رضایت مجنی علیه را علت موجهه حوادث ورزشی می‌داند معتقد است ((بهترین توجیه عدم مجازات مشتزن و کلیه اشخاص که در اثنای عملیات ورزشی مرتکب جرح می‌شوند اجازه قانونی است)) حقوق دانان دیگر نیز بعد از ایشان برای موجه قلمداد کردن حوادث موصوف، به قانون آداب و رسوم اجتماعی متوسل شده‌اند و گاه نیز با توجه به قانون ایران که در خصوص حوادث ورزشی جرم انگاری نکرده است، بیان موجه دانستن حوادث ورزشی توسط عرف را نپذیرفته و موردی برای نقض قانون توسط عرف نمی‌داند و به نظر می‌رسد در صورت شکایت شاکی در مورد جرح و به هر حال در موضوع وقوع قتل قضیه قابل تعقیب می‌باشد.

در سال ۱۳۵۲ به این اختلاف نظر در ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی پایان داد.

((ماده ۴۲ مصوب ۱۳۵۲ در سال ۱۳۶۱ با اضافه کردن جمله (... و این مقررات با موازین شرعی مغایرت نداشته باشد)) در ماده ۳۲ قانون مجازات اسلامی مورد تایید قرار داد.

در سال ۱۳۷۵ با وجود تغییراتی در قانون در ماده ۵۹ را به طور کامل مورد نظر قرار داد و در حال حاضر با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ بند ۱۵۸ قانون مذکور با متود: ((.....

حوادث ورزشی از علل رافع مسئولیت کیفری دانسته است اما در مورد مسئولیت مدنی ورزشی تاکنون قانون خاصی که به صراحت به ورزش اشاره داشته باشد وجود ندارد و جبران خسارت ناشی از حوادث ورزشی با استناد به قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ قانون مدنی و سایر قوانین اصول تناوبی و عرف و عادت حل و فصل می‌شود.

۲ قواعد عمومی حقوق و کاربرد آن در ورزش

۱-۲ فلسفه حقوق و مکاتب حقوقی

فلسفه: بررسی اقلیمی ماهیت و چرایی وجود موضوعی تفکر و اندیشیدن درباره امری و کوشش عقلانی جهت دستیابی به حقیقت و تلاش برای پی بردن به مبانی آن

واژه فلسفه:

از زبان یونانی گرفته شده و شامل دو بخش *philos* به معنی عشق و *sofha* به معنی فرد و فرزاندگی است. اشاره و مفهوم دو کلمه عشق به فرزاندگی و تبعیت از خردورزی است.

فلسفه حقوق:

به گفتگو درباره مبانی و معانی حقوق، الزامی و ضروری بودن قوانین حقوقی و در نهایت به تمایز قوانین حقوقی، اخلاقی و مذهبی می‌پردازد.

فلسفه حقوق در مکاتب مختلف:

در طول تاریخ حکیمان و فیلسوفان متعددی مثل «جان لاک، کانت، روسو، هگل، اسپنسر» در کنار مطالعات و تحقیقات خود در زمینه شناخت آفرینش، عدل، اخلاق و آزادی، به امور حقوقی و تعبیر و تفسیر قوانین نیز پرداخته و سعی در تبیین فلسفه ای خاص برای آنها داشتند.

همگی آنان بر تاکید حقوق در تحقیق عدالت و تضمین مساوات و برابری صحنه گذاشته و در شکل‌گیری آن مساعی فراوانی به کار برده اند که حاصل آن تلاشها پیدایش مکاتب مختلف فلسفی بوده است.

که به دیدگاه سه نمونه از مکاتب فلسفی ایجاد شده در حقوق می‌پردازیم ۱- **مکتب تاریخی:** به رهبری افرادی مثل «ساوینی» و «مین» حقوق را به عنوان بازمانده تاریخی رسوم و عادات اجتماعی معرفی کرده و حقوق ملل جهان را فرآیند تاریخی همان ملل می‌داند و معتقد است که حقوق هر ملتی که نشئت گرفته از تاریخ آن ملت است.

۲- مکتب تحلیلی: فیلسوفانی همچون «اوستین» و «کلسن» بر این اعتقاد و هستند که: «فلسفه حقوق به بررسی روابط منطقی بین قوانین و قواعد موجود پرداخته و بدون دخالت در عملکرد عوامل اجتماعی و اجرای قوانین، به حقوق متداول و رایج، اعتقادی نداشته و آن را تنها در چارچوب منطق حقوقی می‌شناسد.»

۳- مکتب اجتماعی: «حقوق را پدیده اجتماعی معرفی می‌کند و معتقد است که در سایه احتیاجات و نیازهای جوامع بشری به وجود می‌آید و هرگونه تغییر و تحول و دگرگونی در آن نیز در گرو نیازهای گروه‌های انسانی است.»

۲-۲ اوصاف قواعد حقوقی

قواعد حقوقی دارای اوصاف / خصوصیت‌های زیر است:

(۱) الزام آور بودن :

برای اینکه حقوق بتواند به حرف نهایی خود یعنی استقرار نظم و عدالت برسد، باید رعایت قوانین آن اجباری باشد.

(۲) ضمانت اجرا داشتن:

جهت برقراری نظم عمومی و عدالت، مستلزم آن است که در برابر متخلف، از قواعد حقوقی، از طرف دولت واکنشی متناسبی اعمال گردد تا وصف اجباری بودن قواعد حقوقی عینیت پیدا کند.

ضمانت اجرایی قواعد حقوقی به اشکال مختلف تنظیم گردیده است: در صورتی که تخلف از قواعد حقوقی عنوان جرم داشته باشد ضمانت اجرایی آن مجازات است که به صورت های مختلف و بر حسب شدت و ضعف جرم ارتكابی اعمال می‌شود؛ و از آن جمله: «محرومیت از حقوق اجتماعی، جزای نقدی، حبس، قطع عضو، شلاق و بالاخره قتل»

در صورتی که تخلف فاقد عنوان وصف عنوان مجرمانه باشد واکنش ممکن است به صورت جبران خسارت یا اعاده وضع به شکل قبلی متجلی شود. گاهی یک عمل مجرمانه متضمن هر دو واکنش فوق است.

(۳) کلی و عام بودن:

منظور از کلی بودن آن است که: قواعد حقوقی باید هنگام وضع مقید به فرد یا اشخاص معین نباشد و مفاد آن با یک بار انجام شدن از بین نرود.

به استناد ماده یک قانون مدنی از آن جهت که اجرای قوانین عمومیت دارد اجرای قوانین را موکول به انتشار در روزنامه رسمی می‌کند و برابر اصل ۲۹ قانون اساسی که تساوی مردم در برابر قوانین لازم می‌دانند. لذا عام و شمول بودن قواعد حقوقی از اوصاف اساسی آن است.

۲-۳ منابع حقوق

قواعد حقوقی فرایند نیروها و قدرت های مختلف است که در هر جامعه وجود دارد که در اصطلاح به این نیروها منابع حقوق گفته می‌شود.

منابع حقوق عبارتند از: «قانون، شرع، عرف رویه قضائی و قواعد علما»

قانون

قانون از نظر سلسله مراتب به قانون اساسی، قانون عادی، بخشنامه، تصویب نامه ها و آیین نامه ها تقسیم می شود.

قانون اساسی :

توسط مجلس خبرگان و با تشریفات ویژه‌ای وصل شده و یا تغییر پیدا می کند و از نظر اعتبار در بالاترین سطح قوانین و مقررات مملکتی قرار دارد قانون اساسی مهمترین سند حقوقی کشور است و هیچ قانون، مقررات و پانهادی در کشور مشروعیت نخواهد داشت مگر اینکه به طور مستقیم یا غیرمستقیم مشروعیت خود را از قانون اساسی گرفته باشد.

قانون اساسی متشکل از مجموعه قواعد و مقررات کلی است که شکل حکومت و سازمان عالی قوای سه گانه و ارتباط آنها با یکدیگر و حقوق و آزادی های افراد را در مقابل دولت مشخص می نماید. به عبارت دیگر قانون اساسی از یک سو، حدود آزادی فرد را در برابر عملکرد قدرت و از سوی دیگر حد و مرز اعمال تشکلات حاکم را در برخورد با حوزه حقوق فردی رسم می نماید.

قانون عادی:

مرجع صالح برای تصویب قانون عادی مجلس شورای اسلامی است تاثیر مجلس شورای اسلامی در مصوبات مجلس از نظر انطباق قوانین با موازین اسلامی و قانون اساسی شورای نگهبان می باشد. در صورت موافقت شورای نگهبان مصوبات مجلس شورای اسلامی جهت اجرا باید به امضای رئیس جمهور برسد و برای اجرا و اطلاع عموم جامعه در روزنامه رسمی کشور منتشر گردد. که اصولاً پس از گذشت ۱۵ روز از تاریخ انتشار لازم اجرا خواهد بود مگر اینکه در خود قانون انتشار یافته ترتیباتی جهت اجرای آن در نظر گرفته شده باشد.

نکته مهم این است که اثر قانون نسبت به آتیه است و قوانین نسبت به ماقبل خود اثری ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.

بخشنامه، تصویب نامه و آیین نامه:

گاهی اوقات قوه مجریه به موجب قوانین مکلف به تنظیم آیین نامه اجرایی است و گاهی برای حسن اجرای وظایف محوله مقرراتی را تحت عنوان آیین نامه، بخشنامه یا تصویب نامه وضع و به اجرا می گذارد که این حق به موجب اصل ۱۳۸ قانون اساسی به دولت داده شده است و ناظر بر این حق در تطبیق تصویب نامه ها، آئین نامه ها و مصوبات کمیسیونهای متشکل از وزرا و با قوانین؛ رئیس مجلس شورای اسلامی می باشد و مرجع تجدیدنظر از ایرادات رئیس مجلس شورای اسلامی و هیئت وزیران می باشد و در هر حال مفاد این مقررات نباید با متن و روح قانون مغایرت داشته باشد.

تفاوت قانون یا مصوبات قوه مجریه:

۱- قانون بر کلیه مردم و دستگاههای حکومتی حاکمیت دارد.

۲- مرجع صالح برای وضع قانون، قوه مقننه است.

۳- قضات دادگاه مکلف از اجرای تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کند و هر کس می تواند ابطال این مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند (اصل ۱۷۰) در حالی که قضاوت دادگستری چنین تکلیف یا حقی را نسبت به قوانین ندارد.

۳ جایگاه ورزشی در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر اساس دین مبین اسلام با عنایت و توجه خاص به کتاب آسمانی و ضوابط اسلامی و فقیه امامیه تهیه و تدوین شده دارای جایگاه خاص و منزلت والایی می باشد و سایر قوانین موضوعه و قوانین عادی و عمومی بایستی از اصول و مبانی قانون اساسی پیروی کنند و نبایستی تعارض یا مغایرتی در برخورد قوانین عادی و موضوعی با قانون اساسی وجود داشته باشد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی صرف نظر از آن که در دیگر اصول آن توجه به آموزش و پرورش و ورزش دیده می شود. در اصل سوم به صورت خاص به ورزش توجه نموده و تاثیر گذاری ورزش بر افراد جامعه و همچون آموزش و پرورش را از وسایل رسیدن به اهداف اصل دوم قانون اساسی را دانسته و این دو را در بند ۳ اصل سوم به صورت توأمان و در کنار هم آورده است.

اصل سوم: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای امور زیر بکار ببرد:

۱-.....

۲-.....

۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمامی سطوح و تسهیل و تعلیم آموزش عالی .

از اصل دوم و سوم قانون اساسی می توان این گونه نتیجه گرفت که :

۱- دولت موظف شده و اختیاری در رد یا قبول ندارد.

۲- همه امکانات خود و نه بخشی از آن را به کار گیرد.

۳- برای پول به اهداف مذکور در اصل دوم فقط از طریق موارد مذکور در اصل سوم اقدام کند.

به عبارت دیگر وسایلی که دولت می تواند برای نیل به اهداف خود به آنها متوسل شود حصری بوده و منحصر به بندهای ۱۶ گانه اصلی سوم است.

بات دقیق در بند ۳ اصل سوم نتایج زیر قابل اصول است.

۱- از تربیت بدنی یا ورزش به صراحت یاد شده است و این نشان جایگاه مهم ورزش در میان اساسی ترین نهادهای کشور است.

۲- ورزش در عرض آموزش و پرورش قرار دارد و نه در بطن و یا طول آن و این بدان معناست که ورزش از نظر اهمیت در تبدیل به اهداف نظام نقشی مستقل و حیاتی دارد و بخشی از آموزش و پرورش نیست.

۳- قرار دادن ورزش در ردیف آموزش و پرورش و آموزش عالی نشان می دهد که از دیدگاه قانون اساسی ورزش یک نهاد فرهنگی برای نیل به هدف تربیت انسان مورد نظر است و نه یک نهاد مادی و مجموعه ای از حرکات بدنی

۴- ورزش وسیله نیل به اهداف است و خود هدف به حساب نمی آید.

۵- الزام به رایگانی بودن آن برای همه در تمام سطوح تاکید دیگری بر آن است که این وسیله حیاتی باید سهل ترین روش و بدون محدودیت برای بهره مندی نسل به کار گرفته شود همان گونه که آموزش و پرورش هیچ محدودیتی نباید داشته باشد. بر همین اساس تشکیل تربیت بدنی از قبل تشکیل وزارت ورزشی ایران ابتدا به عنوان معاونتهای آموزش و پرورش و رئیس آن به عنوان معاون وزیر آموزش و پرورش انجام وظیفه می کرده است.

بعد از گسترش ورزش در سطح کشور و در ابعاد مختلف و توسعه و تعمیم آن رئیس سازمان ورزشی کشور به عنوان معاون نخست وزیر و رئیس تربیت بدنی انجام وظیفه می کرد

پس از حذف پست نخست وزیری در نظام جمهوری اسلامی ایران رئیس سازمان تربیت بدنی به عنوان معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان تربیت بدنی کشور انجام وظیفه می کرد

اکنون با ادغام دو سازمان امور جوانان و سازمان تربیت بدنی به وزارت ورزش و جوانان تغییر یافته و رئیس وزارتخانه یکی از وزرای ریاست جمهور قرار گرفته و انجام وظیفه می کند.

و این بدان علت می باشد که به سبب اهمیت خاص ورزش و ابعاد گوناگون آن از نظر اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی، علمی پژوهشی و حتی سیاسی دارای آنچنان اهمیتی می باشد که از سازمان به وزارتخانه تغییر و رئیس آن از وزرای ریاست جمهور قرار گرفته است. تا بتواند با استفاده از قدرت اجرایی خویش نسبت به پیشبرد اهداف و آرمان های ورزشی و استفاده از سایر امکانات وزارتخانه، موسسات، ارگانهای دولتی و غیردولتی و امکانات مادی و معنوی و علمی دولت نسبت به ورزش کشور به اهداف اصلی دوم قانون اساسی استفاده کند.

۴ مسئولیت قانونی و انواع آن

هرگاه شخصی با رفتار خود موجب لطمه به حقوق قانونی اشخاص دیگر شود اصطلاحاً می گوئیم مسئولیت قانونی دارد.

پس هرگاه رفتار خلاف قانون متخلف عنوان جرم داشته باشد نوع مسئولیت او کیفری است. و هرگاه شخصی ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می گوئیم شخص مسئولیت مدنی دارد. بنابراین هرگاه ورزشکار در اجرای خطا توسط حریف فوت کند عمل او جرم محسوب و مرتکب، مسئولیت کیفری دارد. ولی اگر بر اثر اصابت غیرعمدی توبه به پنجره منزل مجاور ورزشگاه خسارتی وارد شود، ورزشکار متخلف ضامن خسارت وارده محسوب و ملزم به جبران آن است که می گوئیم مسئولیت مدنی دارد. در بعضی موارد عمل شخص ممکن

است متضمن هردو مسئولیت باشد به عنوان مثال : اگر بر اثر اجرای یک عمل ورزشی خطا حریف دچار شکستگی شود، ورزشکار متخلف دارای مسئولیت کیفری و مدنی توأمان خواهد بود.

۴-۱-۱ مسئولیت کیفری جرم/ارکان جرم/انواع جرم

تعریف مجازات/اهداف مجازات ها در قوانین حقوق/انواع مجازات / مجازاتهای ناشی از فعالیت های ورزشی

۴-۱-۱-۱ تعریف مسئولیت کیفری

الزام مجرم است به تحمل مجازات جرم ارتكابی بنابراین برای تعیین میزان مسئولیت کیفری ابتدا باید جرم ارکان و انواع جرم را شناخت و سپس شرایط لازم برای مسئولیت جرم و بلاخره مجازاتها را مورد بررسی قرار داد.

۴-۱-۲ جرم

تعریف جرم از دیدگاه حقوق دان :

« هر فعل یا ترک فعلی که به نظم و آرامش لطمه وارد کند و به همین علت قانون برای آن مجازات یا ضمانت اجرایی در نظر گرفته باشد.»

تعریف جرم از دیدگاه فقها:

« مخالفت با اوامرو نواهی دین (کتاب و سنت) یا ارتکاب به عملی که به تباهی فرد یا جامعه بیانجامد.»

تعریف جرم از دیدگاه قانون:

« هر رفتار اعم از فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود.»

تعریف جرم از دیدگاه اجتماعی:

« عملی که نظم اجتماعی را نقض کرده باشد که این نظم در هر عصری متناسب و درخور تمدن و سطح افکار و عقاید متعارف همان عصر است.» در نتیجه جرم از نظر اجتماعی نقض نظام جامعه است و نظام جامعه تغییر پذیر است ؛ به همین جهت نمی توان مفهوم جرم طبیعی را پذیرفت.

در جمع بندی این تعاریف:

اعمالی که بر خلاف موازین، قوانین و مقررات، معیارها و ارزش های فرهنگی هر جامعه باشد و به نفس و مال و حیثیت افراد و نظم جامعه خلل (آسیب) وارد آورد، در آن جامعه بزه یا جرم تلقی می گردد. و مرتکبین آن مجرم شناخته می شوند.

۴-۱-۳ ارکان جرم

در متده ۲ قانون مجازات اسلامی در خصوص جرم سه رکن قابل استخراج است (رکن قانونی/رکن مادی/رکن معنوی) که وقوع جرم موکول به تحقق هر سه آنهاست .

الف (رکن قانونی :

منظور آن است که : اولاً - تنها قانون است که می تواند عملی را جرم بشناسد و هیچ منبعی دیگر یا شخصیتی نمی تواند به عملی که قانون آن را جرم ندانسته و صف مجرمانه بدهد.

دوماً- تاریخ وضع همچون قوانینی باید قبل از ارتکاب عمل باشد به عبارت دیگر اثر قانون نسبت به آتیه است. (ماده ۴ قانون مدنی) و قانون عطف به ماسبق نمی شود و نمی توان به موجب قانون لاحق عملی مباح سابق را جرم به حساب آورد؛ مگر آنکه قانون لاحق خفیفتر باشد. (ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی) نتیجه اینکه اصل بر جرم نبودن اعمال است مگر آن که به موجب قانون عملی جرم شناخته شده باشد. اصل قانونی بودن جرم و مجازات تضمین کننده ی حقوق و آزادی افراد است .

ب) رکن مادی:

فعل:

باید از سوی اشخاص به طور مستقیم یا غیرمستقیم فعلی صورت پذیرد تا بتوان آن را جرم به حساب آورد منظور از فعل عملی است که تجلی اراده اشخاص بوده و در عالم خارج متضمن آثاری است و به نحوی قابل حس است .

بنابراین می توان گفت که رکن مادی عبارت است از انجام عملی که مقنن انجام آن را نهی کرده است.

نکته: مجرد قصد ارتکاب جرم ، جرم نیست و اگر سیاست جنایی کشور به صرف قصد ارتکاب جرم ، اشخاص را مجرم بداند موجب این خواهد شد که در اعماق وجدان اشخاص تجسس غیر قابل اغماض به عمل آورند و غایباً اشخاص بدون اینکه برای جامعه خطرناک باشند مجازات شوند و این همان تفتیش عقاید است که به موجب اصل ۲۳ قانون اساسی ممنوع اعلام شده است. «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرارداد».

ترک فعل:

ترک فعل عبارت است از خودداری از انجام کاری که مقنن انجام آن را امر کرده است.

در ورزش نیز تحقق جرم در مصداق ترک فعل قابل تصور است به عنوان مثال ناجی غریق موظف به نجات شناگری است که در حال غرق شدن است. و یا مربی ژیمناستیک موظف به مراقبت از ورزشکاری است که روی اسباب در حال انجام حرکت است. در هر دو مورد اگر ناجی غریق یا مربی از نجات یا جلوگیری از سقوط ورزشکار خود خودداری نماید عمل آنها به عنوان ترک فعل قابل تعقیب است.

ج) رکن معنوی

برای تحقق جرم از نظر قانونی صرف انجام عمل خلاف قانون کافی نیست بلکه لازم است که مرتکب اراده به انجام داشته باشد. بنابراین اعمال غیر ارادی هرچند نتیجه خلاف قانون در پی داشته باشد جرم به حساب نخواهد آمد.

اما صرف داشتن اراده در انجام یک عمل هم کافی برای جرم بودن نیست بلکه این اراده یا باید به صورت قصد ارتکاب جرم متجلی شود که در این صورت جرم ارتکابی را عمدی می‌گویند .

در ورزش هم همین قاعده قابل اجراست . کشتیگیری که با علم به خطا بودن فنی مبادرت به اجرای آن می‌کند و حریق بر اثر اجرای این فرد حریف بر اثر اجرای این فن مصدوم یا مقتول می‌شود مرتکب جنایت عمدی شده است.

گاهی ممکن است عمل مرتکب ارادی باشد ولی قصد ارتکاب جرم نداشته باشد ولی بر اثر تقصیر وی جرمی واقع گردد که در این صورت عنوان جرم غیر عمد خواهد بود.

تقصیر دارای مقدار مصادیقی است که عبارتند از: بی احتیاطی و بی مبالاتی عدم مهارت عدم رعایت نظامات دولتی .

به طور خلاصه می‌توان گفت که تقصیر یا خطای عبارت است از انجام دادن کاری که شخص به حکم قرارداد یا عرف می‌بایست از آن پرهیز کند یا خودداری از کاری که باید انجام دهد.

۴-۱-۴ انواع جرم

در متون و تعابیر حقوقی جرم و جرایم را به گونه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرده اند هرکدام از آنها با توجه به شرایط وقوع تعریف شده‌اند که عبارتند از:

جرم تام

فردی عمل خلافی را از مرحله شروع تا پایان اجرا کند و تمام مسئولیت‌های ناشی از جرم به تنهایی به عهده او باشد. مانند: پرتاب عمدی توپ بسکتبال به صورت داور.

جرم فوری

جرمی که در یک زمان شروع و تمام می‌شود. مانند: زدن ضربه مشت به صورت حریف .

جرم مستمر

فعل یا ترک فعلی که در طول زمان ادامه داشته باشد. مانند : دوپینگ و اثرات آن .

جرم به عادت

جرایمی که به دفعات انجام می‌شود . مانند: برخی از ورزشکاران که به طور مکرر از داوران اخطار گرفته و مجازات می‌شوند .

جرم مقید

جرمی که تحقق آن مقید به انجام نتیجه باشد. مانند: اتهام تباری داور در مورد جانب داری از تیم «الف»، در حالی که نتیجه مسابقه به سود تیم «ب» تمام شده باشد.

جرم مطلق

جرمی که خود عمل بدون توجه به نتیجه آن از نظر قانونی جرم باشد. (در این نوع جرم نفس عمل جرم محسوب شده و حصول نتیجه مهم نیست.) مانند: دخالت غیرمسئولانه در انجام یک رویداد ورزشی.

جرم ساده

آن دسته از اعمال خلاف قانون که برای اجرای آن نیازی به اعمال مقدماتی دیگر نباشد. مانند: سرقت یک وسیله ورزشی از رختکن ورزشکاران

جرم مرکب

اعمال غیرقانونی است که نیازمند عملیات گوناگون و پیچیده است. مانند: کلاهبرداری در ورزش با طرح و نقشه قبلی.

جرم عقیم

جرم به واسطه عدم مهارت، بی فکری و یا یک عامل خارجی و غیر قابل پیش بینی به نتیجه مورد نظر در قبال عمل مجرمانه نمی انجامد. مانند: اجرای فنی خطا به منظور آسیب رساندن به حریف که با مداخله داور فن ناقص اجرا می شود.

جرم محال

عملی که طی آن مجرم تمام عمل مجرمانه را انجام می دهد ولی عمل جرم محسوب نمی شود. مانند: استعمال شبه دارو با قصد دوپینگ کردن.

جرم شبه عمد

عملی که بدون قصد و اراده قبلی انجام می شود اما منجر به مصدومیت فرد دیگری می شود.

مباشرت در جرم

هرگاه مجرم به تنهایی و بدون یاری دیگران عمل مجرمانه را مرتکب شود.

مشارکت در جرم

هرگاه چند نفر در انجام یک عمل مجرمانه باهم سهیم هستند و هرکس بخشی از جرم را انجام داده باشد. به طور معمول در پیشگاه قانون یک یا دو نفر از آنها به عنوان مجرم اصلی و بقیه شرکای جرم شناخته می شوند.

معاونت در جرم

اشخاصی که بدون حضور در انجام یک عمل مجرمانه به واسطه تشویق یا تهدید فرد دیگری را تحریک و انجام جرم می کند. مانند: تحریک یک تماشاگر برای مضروب ساختن داور.

۴-۱-۵ مجازات

مجازات در لغت به جزا و پاداش اعمال نیک و بد گفته می شود.

مجازات از لحاظ حقوقی عقوبتی است که در ازای عمل خطا و خلاف قانون برای فرد مجرم در نظر گرفته می شود .

به تعبیری مجازات واکنش جامعه (قوانین حاکم) در مقابل خاطی یا متعرض است. مجازات ها؛ نقش تنبیهی، نکوهشی و محدود کنندگی متخلف ایفا می کنند.

از ویژگی های مجازات:

الف) بازدارندگی؛ که تا حد زیادی از بروز بزه و خطا جلوگیری می کند.

ب) اصلاحی؛ که به واسطه دستگیری و حبس و جریمه به اصلاح افراد خطاکار می پردازد .

ج) حذف از عرصه جامعه؛ که در صورت عدم اصلاح، به حذف آنها از عرصه جامعه و مصون نگه داشتن اجتماع از ناپاکی و پلیدی های آنها می انجامد. که گاهی به صورت تبعید (نفی بلد)نماد می یابد.

د) تسلی مجنی علیه؛ با اعاده شدن حقوق مجنی علیه از جریه شدن وی در انتقام (اعمال تلافی جویانه) می کاهد. به طور کلی وجود مجازات های قانونی باعث مراعات مقررات از سوی عام و پیشگیری از ایجاد بی نظمی و اعمال غیرقانونی در جامعه می گردد .

دیدگاه دین اسلام به اجرای انواع مجازات ، در واقع گسترش عدالت و اقامه حدود الهی است تا در سایه آن حقوق مردم تحقق یابد؛ ارزش های انسانی حفظ شود و در یک کلام ، انسانها در جوامع بشری به کمال مطلوب و مراعات فرامین الهی دست یابند.

۴-۱-۵ اهداف مجازات ها در قوانین جزایی

الف) مراعات عدل در جامعه

اجرای مجازات در جوامع مختلف سبب رعایت عدالت گردیده و همگان را ملزم به رعایت حقوق دیگران و گسترش قسط و عدل در جامعه می کند.

به عقیده کانت: « اگر اعمال مجازات در اجتماع دارای هیچگونه مزیتی هم نباشد حداقل اجرای آن باعث رعایت عدالت در اجتماع می گردد.»

ب) حفظ نظم و ایمنی جامعه

افراد جوامع، همواره سلیقه ها، خلق و خوی ، و رویه های متفاوتی دارند که همین موجب بروز و ظهور انواع اخلافت و تعارض بین افراد می گردد. و نتیجه آن در موارد زیادی موجب وقوع قتل وغارت ، جرم و جنایت می شود.

پیش بینی و اجرای مجازات ها برای ایجاد نظم و حفظ امنیت جوامع بشری، نقشی اساسی و مهم را ایفا و از ورود بسیاری از اعمال خلاف قانون جلوگیری می کند، و نظم و امنیت را برای افراد جامعه به ارمغان می آورد.

(ج) جمع آوری افراد بزهکار

اجرای مجازات هایی مانند حبسی تبعید و بازداشت کوتاه مدت و بلندمدت افراد بزهکار، عاملی است که فرصت مجدد انجام بزه و شرارت را از آنها گرفته و شر آنها را از سر جامعه کم می کند. این عمل سبب می شود تا از حضور مجرمان خطرناک در بین مردم کاسته شده و از استمرار اعمال مجرمانه پیشگیری می کند.

(د) تربیت و اصلاح مجرمان

در زندان ها و مراکز نگهداری افراد بزهکار، از روش های تعلیم و تربیت جسمی و فکری و روانی استفاده می شود تا ضمن محبوس ساختن آنها در شرایط سخت و دشوار، زمینه پشیمانی، توبه و اصلاح آنها فراهم آورند و به این طریق بستر تربیت و مراجعت مجدد آنها به جامعه هموار شود.

(ه) اعاده حقوق زیاد دیدگان

بزهکار به نحوی متحمل خسارت مالی، جانی و یا حیثیتی مطابق آنچه به مجنی علیه ایجاد کرده می شود. با تحقیق این هدف ضمن مجازات فرد خاطی از دیدگاه قانونی، ضرر و زیان وارده به دیگر افراد اعاده شده و رضایت آنها به دست می آید. و در عین حال امکان اقدام از سود زیان دیدگان جهت انتقام گیری و اقدام متقابل و رخ دادن یک خلاف دیگر از بین می رود.

(و) عبرتی برای دیگران

با مجازات مجرمان و بزهکاران و انعکاس اخبار و اطلاعات مربوطه، بعضی دیگر از افرادی که زمینه بروز تخلفات مشابه را دارند به وحشت افتاده و نیت ناپاک خود را کنار بگذارند. و تنبیه مجرمان درس عبرتی برای آنها میگردد و فکر ارتکاب جرم را از سر بیرون می کند.

۴-۱-۵-۲ انواع مجازات

در کلیه قوانین حقوقی در جهان از جمله دین اسلام، در ازای تخلفات و خطاهایی که اتفاق می افتد؛ جرایمی با عناوین مختلف پیش بینی شده است تا مجرمان و بزهکاران بر مبنای اصول و ضوابط معین، محاکمه و مجازات شوند.

مجازات هایی که در قانون پیش بینی شده اند عبارتند از: حدود، قصاص، دیات و تعزیرات

الف (حدود

جمع کلمه حد است و به جرایمی گفته می شود که مجازات آنها از نظر مقدار و نوع در فقه اسلامی مشخص و معین شده باشد.

امام صادق (ع) در تعریف حد می فرماید: « حد عبارت است از عقوبتی که شارع، مقدار آن را معین کرده و مقرر کند که مجرمین به وسیله آنها مجازات شوند و هدف آن جلوگیری و منع جرم از محرمات است.»

در تعریف حدود بیان شده است که : « حد عبارت است از محارم الهی و کیفر هایی که برای گناه در نظر گرفته شده است» و در واقع منع و جدایی بین دو چیز است و آن حد بین حلال و حرام قرار دارد و شامل دو قسم است . حدودی که تعیین می کند نباید به آن نزدیک شد، و حدودی که نباید از آن تجاوز و تخطی کرد.

همانطور که گفته شد قانون گذار فقه اسلامی، به طور دقیق و منظم، کیفیت و کمیت حدود را تعیین کرده است و بر مبنای آن مصالح عمومی بر مصالح شخصی ترجیح داد. مجازات حد شامل جرایمی مانند: قتل، سرقت و زنا، شرب خمر می گردد که عبارتند از اعدام حبس و شلاق.

ب (قصاص

نوعی از مجازات کیفری است که در لغت به معنای پیگیری به کار می رود. در این مجازات مجرمان را مقابله به مثل می کنند و در جرایم عمدی کار برد دارد . حکم قصاص به فرمان الهی مقرر شده و قصد آن جلوگیری از خونریزی ها و دشمنی های وحشیانه است.

تعریف دیگری از قصاص: مراد از قصاص انجام دادن عمل مشابه جنایت است در مورد کسی که جنایتی علیه دیگری بر نفس، اعضا و منافع او اجرا کرده باشد . مجازات قصاص به جرایمی مانند: قتل ، قطع عضو و ضرب و جرح های عمدی تعلق می گیرد و اجرای آن شرایط خاص دارد که در متن قانون پیش بینی شده است و هنگام قصاص باید مراعات گردد .

ج (دیات

جمع دیه است و برای جرایم عمدی که به دلایلی قصاص در آنها جایز نیست و نیز جرایم غیر عمدی و شبه عمد و یا خطای محض اعمال می گردد.

دیه مالی است که به سبب جنایت علیه نفسی یا عضو فردی ، باید طبق مقررات شرعی تعیین و به فرد مصدوم یا اولیای او داده شود. همانطور که گفته شد مجازات قتل عمد، قصاص است؛ اما وقتی اولیای دم، فرد جانی را عفو می کنند، در این صورت ادای دیه بر او واجب و اعمال می گردد.

د) تعزیرات

در لغت به معنای یاری و مساعدت است و در تأدیبات افراد بزهکار به کار می رود تا جامعه را از آلودگی ها پاک سازند . مجازات های تعزیراتی برخلاف اقسام سه گانه قبلی جرایم (حد، قصاص، دیات) ضوابط و قوانین معینی ندارد و تشخیص میزان جرم و تعیین نوع و مقدار مجازات آن بر عهده قاضی است .

تعزیرات به جرائمی مانند : سوء قصد، توهین، خیانت و کلاهبرداری تعلق می یابد؛ و شامل مجازات های از قبیل: شلاق، جزای نقدی، حبس و تبعید است . بدهی است کلیه مجازات های هم که به اعمال خلاف مقررات حکومتی تعلق و در حکومت اسلامی در زمره تعزیرات حکومتی قرار می گیرند و تمامی ضوابط وضع شده در تعزیرات فرقه ای در مورد آنها نیز باید مراعات گردد.

مجازات های بازدارنده نیز طبق ماده..... قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به تادیب یا عقوبتی گفته می شود که به منظور حفظ نظم و مصلحت اجتماعی در نظر گرفته می شود و شامل جرایمی از قبیل حبس، جریمه نقدی، اقامت در منطقه ای معین، لغو پروانه فعالیت و محرومیت از برخی حقوق اجتماعی است.

۴-۲ مسئولیت مدنی

هر فرد که در یک جامعه زندگی می کند ملزم به رعایت آنها بوده و در صورت تخلف، ناگزیر از تحمل خسارات و جریمه های مربوطه می شود مانند: ادای بدهی، پرداخت جرایم رانندگی.

انسان آگاه و عاقل از پیامد کاهای خویشاگاه و مسئول است. بر مبنای این مسئولیت رابطه دینی ویژه ای بین زیان دیده و مسئول به وجود می آید؛ زیان دیده طلبکار و مسئول بدهکار می شود و موضوع بدهی خسارت است، که به طور معمول با دادن پول انجام می پذیرد.

ماده یک قانون مسئولیت مدنی می گوید که: «در هر شخص بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان، سلامتی، مال، آزادی، حیثیت، شهرت تجاری و یا هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد تعیین گردیده، لطمه وارد کند که موجب خسارت مادی یا معنوی شود مسئول جبران ضرر ناشی از عمل خود خواهد بود».

ارکان مسئولیت مدنی

الف) ارتکاب عمل

لطمه به حقوق دیگران معمولاً از طریق فعل یعنی انجام کاری که تجلی خارجی آن به سهولت مشهود و محسوس است ولی عمل منفی (یا ترک فعل) نیز می توان همین نتیجه را داشته باشد. اما ترک فعل وقتی میتواند عنصر مادی مسئولیت مدنی واقع شود که خودداری کننده به موجب قانون یا قرارداد موظف به انجام کاری باشد، و اعلام مطلق خود داری از انجام یک کار حتی اگر منجر به ضرر شود موجبی برای مسئولیت مدنی نیست.

فعل، که همان انجام دادن عمل خلاف است؛ در عرصه ورزشی می تواند شامل اعمال متعددی مانند: توهین کردند، تکل رفتن، هل دادن و غیره باشد.

و ترک فعل، که به کوتاهی و سرباز زدن از اقداماتی که خودداری کننده به موجب قانون یا قرارداد موظف به انجام کاری باشد. مانند: خودداری از کمک به ورزشکار مصدوم، عدم بازرسی وسایل و تجهیزات مسابقه ژیمناستیک توسط داور که از وظایف قانونی داور است.

ب) تحقق نتیجه زیان بار

لازمه مسئولیت مدنی، مورد ضرر به غیر است. همانگونه که تحمل مسئولیت کیفری لازمه اش ارتکاب جرم است. به عبارت دیگر تا ضرری محقق نشده باشند نمی توان کسی را مسئول شناخت.

مفهوم ضرر یا خسارت: هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامتی و حیثیت و عواطف شخص لطمه ای وارد آید می گویند ضرری به بار آمده است.

زیاد هایی را که برای جبران آن مسئولیت مدنی ایجاد می شود به دو گروه تقسیم می شوند: ۱- مادی ۲- معنوی

ضرر مادی : هر گاه آنچه از دست رفته قابل ارزیابی به پول باشد و صدمه به حقوق مالی برسد، ضرر مالی است.

ضرر معنوی : صدمه به منافع عاطفی و غیرمالی است . مانند احساس درد جسمی و رنج های روحی، از بین رفتن آبرو و حیثیت آزادی؛ که به طور کامل قابل جبران نیست بر خلاف ضررهای مادی که قابل جبران است.

در مورد جبران ضرر های معنوی یعنی تقویم آنها به پول با دشواری متعددی روبه رو هستیم ، مگر اینکه ضرر معنوی جنبه مجرمانه نیز داشته باشد که مرتکب مجازات خواهد شد .

موضوع ضرر با توجه به ماده یک قانون مسئولیت مدنی عبارتند از:

جان که صدمه آن موجب مرگ است . / سلامتی که زوال آن ممکن است موجب تحقق نتایج مختلف مانند: ضرب ، جرح ، شکستگی، نقص عضو، زوال منافع و غیره گردد/ مال که زیان وارده بر آن ممکن است کلی یا جزئی باشد/ آزادی که سلب آن از طریق بازداشت غیرقانونی محقق می گردد/ حیثیت که صدمه به آن به صورت توهین قذف و یا هر یک از جرایم علیه عرضی یا ناموس واقع شود/ شهرت تجاری که می تواند به طرق مختلف و با وسایل متفاوت به آن لطمه وارد نمود/ و بالاخره به هر حقی که به موجب قانون برای افراد در قانون اساسی مشخص گردیده اگر صدمه ای وارد شود از مصادیق ضرر است .

ج (نامشروع بودن عمل

صرف انجام کاری که منجر به ضرر غیر شود موجب مسئولیت مدنی نیست بلکه عمل ارتكابی باید نامشروع و یا همان گونه که در ماده یک قانون مسئولیت مدنی مقرر گردیده بدون مجوز قانونی باشد مفهوم مخالف آن، این است که ضرر زیان ناشی از اعمال قانون موجب مسئولیت مدنی نیست.

به طور مثال: اگر ورزشکاری با رعایت تمام مقررات ورزشی موجب مصدوم شدن حریف شود ، چون عمل او منطبق با قانون و به عبارت دیگر از نظر قانونی مجاز است، مسئولیتی نخواهد داشت .

در مسئولیت مدنی عمد یا تقصیر مرتکب، تاثیری در میزان مسئولیت مرتکب ندارد. تقصیر عمدی متضمن ادراک احتمال زیان و قبول گستاخانه آن بدون دلیلی معقول است.

تقصیر ناشی از بی احتیاطی یا تسامح، آن است که عامل خسارت قصد اضرار نداشته بلکه تسامحی کرده است که اگر این تسامح نبوده خسارتی به دیگری نمی رسید.

د (رابطه سببیت

اثبات ورود ضرر به زیان دیده و همچنین ارتكاب تقصیر یا وقوع فعلی از طرف خواننده یا کسانی که مسئولیت اعمال آنان با اوست، به تنهایی دعوی خسارت را توجیه نمی کند ، بلکه باید احراز شود که بین دو عامل ضرر و فعل زیانبار رابطه سببیت وجود دارد . یعنی ضرر از فعل زیانبار ناشی شده باشد.

یعنی اینکه بین عمل انجام شده و خسارت به وجود آمده رابطه علت و معلولی برقرار است و در صورت تحقق می بایست که ضرر و زیان به وجود آمده به سبب فعل انجام شده یا ترک فعل باشد.

احراز رابطه سببیت آنگاه مشکل تر می شود که موضوع مسئولیت ناشی از فعل دیگری مطرح باشد. فرض کنید معلم ورزش در دبستان مشغول آموزش دانش آموزان در ساعت ورزش است در همین اثناء احدی از آنها به دیگری یا مال دیگری صدمه ای وارد می نماید.

اکنون این پرسش مطرح است که : آیا برای الزام معلم ورزش به جبران خسارتی که دانش آموز وارد کرده باید میان خسارت و عمل معلم ورزش رابطه سببیت برقرار شود؟ در این مورد ابتدا باید رابطه سببیت میان عمل دانش آموز و ضرر احراز شود و سپس با توجه به ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، تقصیر معلم ورزش در مراقبت از دانش آموز به اثبات برسد که کافی برای الزام او به پرداخت خسارت است.

ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی « کسی که نگهداری و مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده اومی باشد در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد . . . »

جدول تفاوت‌های بین مسئولیت مدنی و کیفری

تفاوتها	مسئولیت مدنی	مسئولیت کیفری
از نظر هدف	هدف مسئولیتهای مدنی ، جبران خسارات به وجود آمده است .	هدف مسئولیتهای کیفری دفاع از نظم عمومی و اجتماع جامعه است .
از نظر اساس	اساس مسئولیتهای مدنی ، وقوع خسارت و ظرر و زیان است .	اساس مسئولیتهای کیفری وقوع جرم است .
از نظر شرایط تحقق	در تحقق مسئولیت مدنی ، عنصر معنوی و روانی (قصد و اراده) شرط نیست .	در مسئولیت کیفری داشتن عمد و سوء نیت شرط تحقق است .
از نظر آثار	مسئولیت مدنی به دنبال رفع آثار زیان بار و اعاده به وضع عادی است	مسئولیت کیفری به دنبال مجازات و تنبیه خاطی است .

تبعیت از دیدگاه قانون اساسی

رضایت ورزشکار مصدوم به شرکت
در فعالیت ورزشی

۱- علت جرم نبودن حوادث ناشی

شخصیت مرتکب

عمل مرتکب

نتیجه حاصله

رعایت مقررات به عنوان شرط اصلی

معنا و مفهوم مقررات ورزشی

مقررات مربوط به خطاهای فنی

ورزشی

۲- تحلیل حقوقی حوادث ناشی از

فصل دوم

مسئولیت های حقوقی

فصل دوم

مسئولیت های حقوقی ناشی از عملیات ورزشی

مسئولیت های حقوقی ناشی از عملیات ورزشی

حوادثی که در پهنه ورزش به وقوع می پیوندد از جهت : نتیجه ، شخصیت مرتکب ، زمان و مکان با یک دیگر متفاوتند و نوع مسئولیت قانونی بسنگی به این ویژگی ها دارد . حوادث ناشی از : عملیات ورزشی ، تخلفات مدیریت ها ، معایب اسباب و وسائل ، اماکن معیوب ، اوباشگری های تماشاگران ، درگیری های ورزشکاران با یکدیگر یا با داوران و غیره ، موضوعاتی است که باید بطور جدا گانه ای به آنها پرداخت . محور مباحث این فصل حوادثی است که مرتکب آن ، ورزشکار و محل آن ، اماکن ورزشی و زمان آن ، دراثنای فعالیت های ورزشی می باشد .

این فصل در جهت پاسخ دادن به این پرسش است که : آیا می توان عمل ورزشکاری را که در جریان فعالیت های ورزشی منجر به حادثه ای می شود ، جرم شناخت و مرتکب را مجازات کرد ؟

برای پاسخ به این سوال باید به دو موضوع پرداخت :

۱- علت جرم نبودن حوادث ناشی از عملیات ورزشی و توجه به نقش ورزش در جامعه .

۲- تحلیل بند (ث) ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی که چنین بیان می دارد : « علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل ، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می شود ، در موارد زیر قابل مجازات نیست :

الف- ...

ب- ...

پ- ...

ت- ...

ث- عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن ، مشروط بر اینکه سبب حوادث ، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد . «

۱- علت جرم نبودن حوادث ناشی از عملیات ورزشی

در فصل قبل گفته شد که تا قبل از تعیین تکلیف قانونی برای توجیه حوادث ورزشی ، استدلالهای متفاوتی از سوی حقوق دانان ارائه می شد . (مصلحت اجتماعی ، عرف و عادت ، و امثال آن از جمله اینها بود) که با وضع ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۵۲ و قبول آن پس از انقلاب از سوی مجلس شورای اسلامی به همه این نظریات خاتمه داده شد .

در واقع در حال حاضر مستند موجه بودن حوادث ناشی از عملیات ورزشی ، قانون است . اعطای چنین امتیاز بزرگی به ورزش به طور استثنایی در میان هزاران فعالیت دیگر ما را به جستجوی علت آن و یا به عبارت بهتر ، چرایی آن وا می دارد .

تصریح قانونگذار به این که حوادث ناشی از عملیات ورزشی به هر گونه ای که باشد جرم محسوب نمی شود به معنای آن است که ورزش از علل موجهه محسوب و مرتکب هیچ گونه مسئولیت اعم از کیفری و یا مدنی ندارد و با دقت بیشتر می توان دلایل ذیل را در ایت رابطه مطرح نمود :

۱- تبعیت از دیدگاه قانون اساسی

قانون اساسی ورزش را یکی از اساسی ترین ابزارها برای تربیت انسانی کریم ، با ارزشهای والای انسانی ، آزاد و مسئول در برابر خدا می داند . و با توجه به این که قانون عادی باید از اصول و سیاست های کلی ترسیمی در قانون اساسی تبعیت نماید ، قانون عادی حوادث ناشی از عملیات ورزشی را جرم محسوب نمی کند و در واقع به این دیدگاه که ورزش برای برومندی نسل است عینیت می بخشد .

۱-۲ رضایت ورزشکار مصدوم به شرکت در فعالیت ورزشی

از نظر اصول حقوقی ، رضایت مجنی علیه اصولاً تأثیری در مجرمیت مرتکب ندارد ولی در موارد استثنائی رضایت مجنی علیه ممکن است موجب زوال وصف مجرمانه و عدم تحقق جرم ، تخفیف مجازات یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات شود و بدین ترتیب رضایت ورزشکار به مشارکت در فعالیت ورزش به معنای قبول خطرات و نتایج زیان بار متعارف در ورزش است .

قبول رضایت به عنوان یکی از مبانی موجه دانستن حوادث ناشی از عملیات ورزشی به منظور ایجاد انگیزه در میلیونها جوان برای روی آوردن به ورزش برای این بوده که نسلی شجاع، سلامت و بانشاط داشته باشیم زیرا مقنن به خوبی می دانسته که تعالی جامعه جز در پرتو چنین انسانهایی مقدور نیست. مقنن با علم به این که حادثه با ورزش قابل تفکیک نیست و حتی به رغم رعایت همه موازین و مقررات باز ممکن است صدمه ای محقق شود با شجاعت و بینشی بسیار متعالی حساب ورزش را از همه امور جدا ساخته و حوادث آن را جرم محسوب نمی کند. در عین حال می خواهد بگوید که ورزش یک فعالیت مبتنی بر تمایل است و هیچ اکراه و اجباری در آن نیست.

کاردوزو یکی از بزرگترین حقوقدانان آمریکا در یک ضرب المثل همین دیدگاه را به بیانی دیگر گفته است که «ترسو می تواند در خانه بماند» و مفهوم مخالف آن این است که در صورت مشارکت در فعالیت ورزشی علی الأصول نخواهد توانست به نتایج زیانباری که در چارچوب مقررات حاصل شده باشد اعتراض کند. این پدیده غالب و متعلق به زمانهای گذشته به نحو مطلوبی در سال ۱۹۶۲ توسط دیوان عالی ایالت ارگان موضوع حکم قرار گرفت:

فوتبال ورزشی همراه با درگیری بدنی است. اقتضای آن درگیر شدن مستمر و مکرر بازیکنان با قدرت هر چه بیشتر است... درگیری بدنی، کوفتگی و شکستگی از وقایع اجتناب ناپذیر بازی فوتبال است... بازیکنان باید خطر، ضربات، شکستگی ها و صدمات آن را با رضایت پذیرا شوند.»

استناد به قاعده اقدام که یکی از قواعد فقهی است در این مورد نیز مقبول است. معنای این قاعده چنانکه از نامش پیدا است این است که کسی که با علم و قصد و رضا ضرر یا ضمانی را بپذیرد هیچکس ضامن او نخواهد بود. بنابراین زیان دیده از عملیات ورزشی اعم از حریف یا تماشاگر با غیر آنها با شرکت در بازی با ورود به جایگاه تماشاگران، صدمات و خسارات ناشی از عملیات ورزشی در چارچوب مقررات را پذیرفته است و نمی تواند برای جبران خسارات وارده به دیگری رجوع نماید. بدون تردید یکی از اصول مورد نظر مقنن در وضع ماده ۱۵۸ ق.م.ا. رضایت زیان دیده از فعالیت های ورزشی بوده است.

بنابراین قبول خطر و اقدام و رضای زیان دیده و شرکت او در فعل زیانبار حتی در آنچه مربوط به جان و سلامت او می شود داوری عموم و به دنبال آن حربه قانون را کند می سازد. مگر نه این است که ضرب و جرح به عمد جرم نابخشودنی است؛ پس چرا آن که به پای خود به میدان می رود و با دنده ای شکسته و دستی وبال برگردن بیرون می آید تنها به مردانگی خود می نازد؟ گوئی جبران به ارضای غرور می کند شگفت آنکه دادگاه نیز به شکایت او به دیده تحقیر می نگرد و روی از آن باز می گرداند تا عهدشکنی را پاداش ندهد.

۳-۱ توجه به نقش ورزش در جامعه

از مهمترین انگیزه های مقنن در اعطای چنین امتیازی به ورزش یعنی جرم ندانستن حوادث ناشی از عملیات ورزشی را باید در نقش و عملکرد ورزش در جامعه دانست که عبارتند از:

۱- کاهش هیجانانگیز، ورزش راهی است برای اظهار و کاهش هیجانانگیز و رهایی از تنشها، ورزش به عنوان دریچه اطمینانی است که تمایلات مهاجمانه را تلطیف می کند. ۲. اثبات هویت، ورزش امکان شناخته شدن و اظهار ارزشهای وجودی را فراهم می آورد. ۳. کنترل اجتماعی. ورزش وسایلی را برای کنترل مردم در جامعه ای که انحرافات رواج دارند به وجود می آورد. ۴. اجتماعی شدن. ورزش وسیله ای است برای اجتماعی شدن. ۵. عامل تغییر. ورزش موجب تغییر جامعه، ایجاد الگوهای رفتاری جدید و عاملی است که جریان تاریخ را تغییر می دهد مثلا ورزش برخورد و رقابت گونه های مختلف مردم و برتری براساس قابلیت را مجاز می سازد. ۶. بیداری و آگاهی جمعی. ورزش موجب روح جمعی است که مردم را به شیوه متحد به دنبال اهداف مشترک متشکل می سازد. ۷. موفقیت، ورزش موجب احساس موفقیت در تماشاگران و ورزشکاران است. هنگامی که توسط بازیکنی یا تیمی موفقیت به دست می آید پیروزی در ورزش مانند پیروزی در زندگی است. در جامعه بین المللی نیز چهره ورزش با هیچ یک از امور از نظر الزام دولت ها به رعایت مقررات قابل مقایسه نیست. شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه های متعدد در محکومیت کشورهای متجاوز صادر می کند ولی در بسیاری موارد و حتی به آن نمی گذارند. قطعنامه های ۲۴۲ مبنی بر محکومیت اسرائیل به ترک اراضی اشغالی و ۵۹۸

به الزام عراق به جبران خسارات وارده به ایران به رغم گذشت سالها به مورد اجراء درنیا آمده است در حالی که تصمیمات فدراسیون های بین المللی و کمیته بین المللی المپیک در زمینه مقررات ورزشی را همه کشورها به رغبت اجراء می کنند و کوچکترین تأخیری را در آن جایز نمی دانند.

۲- تحلیل حقوقی حوادث ناشی از عملیات ورزشی

به موجب ماده ی ۱۵۸ ق.م.ا: علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست:

بند (ث) ماده فوق: عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مقایر موازین شرعی نباشد.

تحلیل حقوقی این ماده مستلزم روشن ساختن عناوین ذیل است: شخصیت مرتکب، عمل مرتکب، نتیجه حاصله، عنصر معنوی، رعایت مقررات، انطباق با موازین شرعی.

۱-۲ شخصیت مرتکب

در بند (ث) در ماده ۱۵۸ قانون فوق، اشاره صریحی به مرتکب و به عبارت دیگر به کسی که حادثه را ایجاد کرده نکرده و فقط با ذکر «عملیات ورزشی» به طور ضمنی نظر خود را رسانده است. بی گمان مرتکب این حادثه کسی جز ورزشکار نیست و در واقع، فاعل عملیات ورزشی همان کسی است که اصطلاحاً ورزشکار گفته می شود. ورزشکار در مفهوم خاص کسی است که دارای توانایی های بدنی یا مهارت های ورزشی در سطح بالائی است ولی به نظر می رسد منظور مقنن مفهوم خاص ورزشکار به شرح فوق نباشد و به همین دلیل هم از به کار بردن واژه ورزشکار خودداری کرده است. بلکه نظر بر مفهوم عام ورزشکار داشته است و لذا هر کس که به انجام فعالیت های ورزشی بپردازد با رعایت سایر شرایط می تواند از امتیاز این ماده قانونی استفاده کند. بنابراین از نظر قانون، سن، قد، وزن میزان مهارت و هیچ شرط دیگری جز انجام فعالیت های ورزشی مؤثر در شمول ماده ۱۵۸ نخواهد بود.

۲-۲ عمل مرتکب

منظور از عملیات ورزشی آن گروه از اقداماتی است که در چارچوب یک ورزش انجام می گیرد. ورزش در این ماده در مفهوم عام مورد نظر است به عبارت دیگر نه فقط مجموعه حرکاتی که به موجب مقررات مدون بین المللی یا داخلی، ورزش به حساب می آید مشمول ماده خواهد بود بلکه آن دسته از فعالیت های بدنی که به موجب عرف در گوشه و کنار کشور ورزش تلقی شوند ورزش در مفهوم مورد نظر مقنن است. بنابراین فوتبال، کشتی، هندبال، جودو، کاراته از یک سو و کشتی گیله مرد، کشتی با جوخه، چوگان در عشایر کشتی باشال، لافن بازی، جوب بازی و امثال آنها که فاقد تشکیلات اجرائی و مقررات مدون است ورزش مورد نظر ماده ۱۵۸ ق.م.ا محسوب می شوند. بنابراین چنانچه حادثه ناشی از هر یک از فعالیت های ورزشی باشد و مرتکب از امتیاز

علت موجه ماده مذکور استفاده خواهد کرد. از نظر قانون تفاوتی میان تمرین و مسابقه وجود ندارد و حتی فعالیت های ورزش در زمان گرم کردن می تواند عملیات ورزشی مشمول ماده مذکور باشد.

۲-۳ نتیجه حاصله

مقنن با استعمال واژه حوادث، کلیه نتایج مجرمانه ناشی از عملیات ورزشی که به طور معمول جرم به حساب می آید را در شمول ماده ۱۵۸ قرار داده است. حادثه می تواند از ضرب و جرح ساده شروع و به شکستگی، نقض عضو، از کار افتادن عضو، زوال منافع، مرض دایم، فقدان یا نقص یکی از حواس یا زوال عقل و بالاخره به مرگ منتهی گردد. بنابراین شدت و ضعف نتیجه حاصله از عملیات ورزشی علی الاصول تأثیری بر جرم بودن یا نبودن آن ندارد. استفاده از واژه «حوادث» و خودداری از ذکر مصادیق به نوعی نمایانگر نظر مقنن بر حمایت از ورزشکار در صورت وقوع حادثه است و به هر حال بار دیگر دیدگاه مقنن را از درجه اهمیتی که برای ورزش و نقش حیاتی و اساسی آن در تعالی جامعه قائل است نشان می دهد.

۲-۴ رعایت مقررات به عنوان شرط اصلی

اولین و مهمترین شرطی را که مقنن برای موجه جلوه دادن حوادث ورزشی مقرر می دارد رعایت مقررات است و لذا تصریح می کند که حادثه نباید ناشی از نقض مقررات باشد و به دیگر سخن اگر عملیات ورزشی برخلاف مقررات انجام و منجر به حادثه شود مرتکب همانند حوادث خارج از زمین ورزش تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا صدور چنین مجوزی، موجب نخواهد شد که بعضی از ورزشکاران با سوء استفاده از مقررات، ورزش را وسیله ای برای اجرای اغراض سوء و ضد ورزشی قرار دهند. هرچند در همین فصل به طور تفصیلی به پاسخ این پرسش خواهیم پرداخت ولی بطور کلی می توان گفت که مقررات اصولاً به نحوی تنظیم شده اند که رعایت آنها مانع بروز حادثه شود و در عین حال نمی توان ادعا کرد که زمینه چنین ورزش حتی در صورت رعایت کامل مقررات و از آنجا که عرصه ورزش، مکانی برای پرورش انسانهایی شجاع و توانمند است نمی توان اهداف و منافع اساسی ورزشی را به پای موارد استثنائی قربانی کرد. مقنن به خوبی می دانسته است که قرار نیست در ورزش کسی مصدوم، مجروح یا کشته نشود و در عین حال آگاهی ورزشکاران به قابل پیش بینی بودن حوادث و شرکت داوطلبانه در آن نیز، تأییدی بر موجه قلمداد کردن حوادث ناشی از عملیات ورزشی در صورت رعایت مقررات از سوی ورزشکار بوده است.

در سایر فعالیتهای اجتماعی، فرض این است که رعایت مقررات، مانع تحقق حادثه خواهد شد و بروز نتیجه زیان بار ناشی از عدم رعایت مقررات مربوطه بوده است. در حالی که چنین دیدگاهی در ورزش صادق نیست. به عنوان مثال به مشتزن اجازه داده می شود که با تمامی توان خود به حریف ضربه وارد نماید و یا به همین ترتیب است در بعضی از ورزش های رزمی و یا به بازیکن فوتبال برابر مقررات این مجوز داده شده است که می تواند تمامی توان خود را در زدن ضربه به توپ بکار گیرد. حال اگر در چنین مواردی، حادثه ای روی دهد، نمی توان ورزشکاران مذکور را به صرف وقوع نتیجه زیانبار مجرم به حساب آورد.

بنابراین بدیهی است که مقنن چنین امتیاز بزرگی را به فعالیتی اعطاء کند که نقشی بی بدیل در برومندی و توانمندی انسانها داشته باشد.

۵-۲ معنا و مفهوم مقررات ورزشی

منظور از مقررات بند (ث) ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مجموعه شرایطی است که توسط فدراسیونها، هیأتها، انجمن ها و امثال آنها به صورت مدرن در رابطه با عملیات ورزشی تنظیم گردیده و یا مقرراتی است غیر مدون که حاکم بر ورزشهای بومی است بدون این که مورد تأیید سازمان های دولتی قرار گرفته باشد ولی عرفاً مورد قبول مردم می باشد. در واقع اگر مجموع حرکاتی به عنوان ورزش مورد قبول باشد لزوماً مقرراتی نیز بر آن حاکم است و با توجه به نص صریح ماده مذکور شرط اصلی برای موجه شناخته شدن حادثه ناشی از آن ورزش رعایت مقررات مربوطه خواهد بود مشروط بر این که با اهداف عالی ورزش منطبق باشد.

مقررات در این بحث هر چند محدود به موضوع کلی عملیات ورزشی است وی ناظر بر مصادیق مختلفی است که عبارتند از مقررات مربوط به خطاهای ورزشی، زمان، لوازم شخصی، تجهیزات، اماکن و وسایل عمومی و غیر آنها.

۶-۲ مقررات مربوط به خطاهای فنی ورزشی

بارزترین مصداق مقررات، مقررات ناظر بر خطاهای ناشی از عملیات ورزشی است. هر ورزش اصولاً دارای یک مجموعه مدونی است که تحت عنوان قوانین یا مقررات تهیه و در اختیار فدراسیون یا هیأت ها قرار دارد. در این مجموعه ها معمولاً کلیه مقررات مربوط به زمین، بازیکنان، داوران، تخلفات و جرایم و امثال آنها با دقت ذکر شده است. به عنوان مثال در قوانین بین المللی بسکتبال به تشریح انواع خطاها و از جمله خطاهای ورزشکاران پرداخته است مانند اذیت و آزار بازیکن و ایجاد مانع در دید حریف با

حرکت دادن دست در جلو چشمان بازیکن، تخطی های عمدی و ناشی از اعمال رفتار غیرورزشی، پریدن از پشت سر روی حریف برای گرفتن توپ، برخورد با حریف خواه توپ زنده یا مرده باشد، ممانعت از پیشروی بازیکن با باز کردن دست خود، هل دادن، گرفتن یا با استفاده از تاکتیک خشن. یا در مقررات بین المللی واترپلو این اعمال خطا محسوب شده است: هل دادن حریف یا از بدن حریف به عنوان وسیله ای برای حرکت استفاده کردن، پرتاب کردن پنالتی با روش غیر معمول، گرفتن، زیر آب کردن یا به عقب کشیدن حریف زمانی که توپ در اختیارش نیست، لگد زدن یا ضربه زدن به حریف از روی عمد یا انجام حرکات نامناسب. زنان در

هرگاه حادثه بر اثر حرکات خطای ورزشکار باشد مسئولیت قانونی کامل بر عهده او خواهد بود و همانند یک مجرم عادی که در خارج از زمین ورزشی مرتکب جرمی می شود مجازات خواهد شد. بدیهی است اقدامات غیرورزشی که در حین فعالیت ورزشی انجام می گیرد مانند فحاشی یا کتکاری ورزشکاران قابل طرح در

حقوق ورزشی نیست. مرتکب تحت عنوان مجرم عادی قابل مجازات است. نه ورزش و نه اماکن ورزشی اصولاً وسیله ای برای مصونیت ورزشکار متخلف نیست.

ضرب و جرح از سوی ورزشکار در جریان فعالیت های ورزشی آنگاه که بر خلاف مقررات ورزش مربوطه باشد جرم محسوب و مرتکب مجازات خواهد شد .

۷-۲ خطاهای پیش بینی نشده

هر چند سعی شده است که کلیه مصادیق خطاهای ورزشکاران در مقررات مربوطه ذکر گردد و داوران موظفند برابر آن اعلام نظر نمایند ولی بسیاری از حرکات که ظاهرهً لازمه همان ورزش نیز به حساب می آیند ممکن است سبب حادثه شود. مثال، در بسکتبال با دست یا در فوتبال زدن توپ با پا مجاز است ولی این بدان معنا نیست که می توان در هر زمان و در هر مکانی از زمین ورزش توپ را با دست یا با هر شدتی به سوی هر کس پرتاب یا شلیک کرد. به عبارت دیگر عدم پیش بینی بعضی از حرکات ورزشی در مصادیق خطاها به معنای مجاز بودن انجام آنها به طور مطلق نیست زیرا در چنین صورتی به ورزشکار اجازه داده ایم که در پوشش حرکات ظاهراً ورزشی به هر اقدامی برای دست یابی به اهداف مجرمانه دست بزند. به عنوان مثال آیا اگر پرتاب توپ با دست در بسکتبال لازمه آن بازی است می توان اجازه داد که بازیکن توپ را محکم به صورت حریف بزند و یا می توان به پرتاب کننده نیزه اجازه داد که با اجازه داور مجاز به پرتاب باشد حتی اگر شخص یا اشخاصی بدون توجه در محدوده پرتاب در حال تردد باشند؟ و یا آیا بازیکن فوتبال مجاز است در میانه میدان توپ را با پا به بازیکنی که در نزدیکی او قرار دارد بکوبد و در همه این موارد مرتکب مدعی شود که این گونه حرکات لازمه آن ورزش بوده و از جمله خطاهای مذکور در مقررات نیست؟

بی گمان پاسخ منفی است. در جامعه ما ورزش وسیله ای است برای سلامتی، توانمندی و نشاط و نهایتاً تربیت نسلی برومند و هرگز نمی توان از آن به عنوان وسیله ای برای ارضاء تمایلات ضدانسانی استفاده نمود. در همین رابطه در مقررات هر ورزش پس از شمارش انواع خطاها با ذکر یک ماده، هر گونه سوء استفاده از ورزش را ممنوع اعلام کرده اند. این جملات هر چند کلی است ولی داوران مرجع صالح برای تمیز مصداق بوده. و در هر حال مانع هر گونه سوء استفاده است. از جمله این موارد است ماده ۸-۲۲ مقررات بین المللی واترپلو: مرتکب بدرفتاری شدن که شامل بکار بردن الفاظ رکیک و پافشاری در بازی ناجوانمردانه و غیره است. پافشاری در بازی ناجوانمردانه عبارت است از اعمالی که با روح مقررات مغایرت دارد. مانند پرتاب توپ به صورت حریف یا در ماده ۶۳ مقررات کشتی انجام هر گونه فنی که منجر به کشش ستون فقرات حریف گردد. ۲ یا قانون دوازدهم فوتبال تحت عنوان خطاها و رفتار ناشایسته، بازی کردن به نحوی که به عقیده داور خطرناک تشخیص داده شود خطا محسوب می گردد مانند این که اگر توپ در اختیار دروازه بان باشد و بازیکن آن را با پا بزند. مثال های فوق نشان می دهد که خطاهای ورزشی منحصر به موارد خاص مندرج در آئین نامه ها نیست بلکه هر حرکت ورزشی که خطرناک، مخالف شئون ورزشی یا خلاف اخلاق ورزشی بوده نیز خطا محسوب و مرتکب

در مقابل حوادث ناشی از آن مسئول است و برعکس فعالیت ورزشی در چارچوب مقررات مجاز بوده و ورزشکار در مقابل نتایج سوء آن پاسخگو نخواهد بود.

حوادث ناشی از عملیات ورزشی در صورتی که در راستای اجرای مقررات باشد هر نتیجه ای که منجر شود جرم بحساب نمی آید .

۸-۲ مقررات و لوازم شخصی ورزشکاران

حادثه همیشه ناشی از یک عمل ورزشی نیست بلکه گاهی وسایل مورد استفاده ورزشکار غیرمجاز بوده و حادثه نتیجه بکارگیری چنین وسیله ای است. در بسیاری از ورزشها مانند فوتبال، بوکس یا ورزش های رزمی، ورزشکار باید از کفش، دستکش مجاز و امثال آنها استفاده کند و مقررات آن ورزش به طور دقیق خصوصیات اینگونه وسایل را مشخص کرده است. به عنوان مثال در قانون چهارم مقررات فوتبال تحت عنوان وسایل بازیکنان مقرر گردیده که پل های کفش بایستی از چرم یا پلاستیک، لاستیک، آلومینیوم یا اجناس مشابه ساخته شده و نباید کمتر از ۱۲ / ۷ میلیمتر پهنا داشته و به طور کلی باید ارتفاع و پل ها بیش از ۱۹ میلیمتر نباشد.

حال چنانچه نفس حرکت ورزشی در فوتبال مجاز باشد ولی بر اثر برخورد استوک های فلزی که دارای ارتفاع بیشتر و قطر کمتری است صدمه حاصل شود ورزشکار به علت نقض مقررات مربوط به وسایل بازیکنان مسئول خواهد بود یا در ورزش بوکس اگر مشتزن در داخل دستکش قطعات فلزی تعبیه کند و یا از دستکش هایی استفاده نماید که غیر مجاز باشد هر چند ضربه وارده از طرف او به حریف از نظر نحوه زدن و محل اصابت صحیح باشد ولی مسئولیت او ناشی از بکار بردن وسیله خلاف مقررات خواهد بود. ضمن استفاده از هر نوع اشیائی که ممکن است سبب مصدوم شدن حریف گردد مانند انگشتر، دستبند، ساعت و غیره ممنوع و خلاف مقررات است.

۹-۲ مقررات و زمان فعالیت های ورزشی

رعایت زمان در انجام عملیات ورزشی بخشی از مقررات مربوط به آن ورزش است. حوادث ورزشی در صورتی جرم به حساب نمی آید که عمل ارتكابی در محدوده زمان مقرر برای آن ورزش نیز باشد و در غیر این صورت و حتی به رغم این که عمل ورزشی از نظر موازین فنی خطا محسوب نشود ورزشکار در مقابل حادثه مسئول است. ورزش ها از نظر زمان تابع مقررات مختلفی هستند. گاهی زمان ورزشها مشخص و ابتدا و انتهای آن بموجب مقررات تعیین شده است مانند کشتی، فوتبال، هندبال، جودو، کاراته، بسکتبال و غیره. در این گروه اگر عمل ورزشی که منجر به حادثه شده قبل یا بعد و یا در حین بازی ولی در مقطعی که به عللی بازی برای مدت کوتاه قطع شده واقع شود جرم محسوب و مرتکب مسئول است. گروه دیگری از ورزشها به صورت گیمی و یا امتیازی یا دفعی است و زمان آن تابع نتیجه گیم، امتیاز و یا دفعات انجام یک حرکت ورزشی است مانند والیبال، تنیس، پرتاب وزنه، دیسک، و امثال آنها. در این گروه نیز عمل ورزشی اگر منجر به حادثه شود در صورتی از علل موجهه محسوب خواهد شد که در زمان مورد نظر خود صورت گرفته باشد.

البته از دیدگاه حقوق ورزشی آنچه مهم است ادامه جریان فعالیت ورزشی در طول زمان است و نه مقید بودن به زمانهای مقرر در آئین نامه ها. به عنوان مثال در بسکتبال چهار زمان ده دقیقه، در فوتبال دو زمان چهل و پنج دقیقه و در کشتی در زمان سه دقیقه زمان های قانونی است ولی اگر در تمرین ها با توافق طرفین، زمان بازی بیشتر یا کمتر شود تأثیر در موجه بودن حادثه ناشی از عملیات ورزشی نخواهد داشت.

۱۰-۲ مقررات و وسایل ، امکانات و تجهیزات ورزشی

در هر ورزش بنابر مقتضای خود از وسایل عمومی مانند توپ، زمین، تشک، اسباب و امثال آنها استفاده می شود. این وسایل با توجه به حفظ سلامت و ایمنی ورزشکاران پیش بینی شده است. اگر ورزشکار رعایت مقررات مربوطه را ننماید و صدمه ناشی از معیوب، غیراستاندارد و یا اشکال موجود در این وسایل و امکانات باشد از نظر قانونی مسئول است. به عنوان مثال استفاده از تشک های مورد تأیید FILA که دارای ۹ متر قطر بوده و در اطراف آن حاشیه ایمنی به عرض ۱

/ ۲۰ تا / ۱ / ۵۰ متر (با همان ضخامت) در نظر گرفته شده در کلیه بازیهای المپیک، مسابقات قهرمانی و جام های جهانی و کلیه مسابقات بین المللی گروه A اجباری می باشد. استفاده از چنین تشکهایی به دلیل افت و خیزهای کشتی است بنابراین کشتی گرفتن روش فرش هر چند با رضایت طرفین باشد خلاف مقررات کشتی و موجب مسئولیت مرتکب خواهد بود. نظر اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به سوالی از سوی یکی از دادگاهها چنین است:

. سوال: دو نفر جوان در مراسم عروسی مشغول کشتی گرفتن شده اند و در اثر عملیات بازی کشتی یکی از دو نفر بازیکن به زمین افتاده و دستش شکسته می شود و مصدوم از بازیکن دیگر شکایت کرده است. آیا اصولاً مصدوم شدن مشارالیه بزه تلقی می گردد یا نه، در صورت مثبت نوع بزه عمدی است یا غیرعمدی و شبه عمد یا خطای محض و غیره می باشد.

نظریه اداره حقوقی: کشتی در مراسم عروسی مورد استعلام از شمول بند ۳ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی موضوع عملیات ورزشی که خود دارای مقررات خاص می باشد خارج است. در خصوص قسمت اول سوال در صورتی که شکستن دست مصدوم مستند به طرف دیگر باشد مشمول موارد ضمان مندرج در قانون دیات می باشد، هر چند کشتی که منتهی به شکستن دست شده است جرم موجب تعزیر محسوب نشود و در قسمت دوم تشخیص عمدی و غیرعمدی بودن ایراد صدمه با مرجع رسیدگی کننده است.

۲-۱۱ تطابق مقررات با موازین شرعی

مقنن در بند (ث) ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی علاوه بر ضرورت رعایت مقررات برای موجه بودن حوادث ناشی از عملیات ورزشی شرط دیگری را نیز اضافه کرده است: و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد. داران اداران است

اضافه شدن این قید به ضرورت رعایت مقررات ممکن است این پرسش را مطرح نماید که اگر ورزشی در سطح کشور دارای تشکیلات اداری قانونی از قبیل فدراسیون، هیأت و غیره باشد چگونه ممکن است مقررات آن را با موازین شرعی مخالف بدانیم؟ به

این پرسش از چند جهت می توان پاسخ داد: ۱. تأسیس فدراسیون و اجازه انجام یک فعالیت ورزشی از سوی کمیته ملی المپیک به

عنوان بخشی از قوه مجریه، تکلیفی برای قوه قضائیه به تبعیت از تصمیمات آن ایجاد نمی کند. کما این که مصوبات هیأت وزیران در صورت مغایرت با قانون قابل ابطال است.

۲. توجه قانون اساسی به ورزش به عنوان یکی از اساسی ترین وسایل برای تربیت انسانی کریم، با ارزش های والای انسانی، آزاد و مسئول در برابر خدا که ملهم از مبانی اسلامی است تصریح مقنن به ضرورت انطباق مقررات هر ورزش با موازین شرعی را

موجه قلمداد می کند و لذا ورزش های مخالف با این دیدگاه غیر مجاز است. ۳. ورزش از نظر اسلام یک وسیله ای است برای بهتر زیستن و بهتر کار کردن و بهتر انجام وظیفه کردن و بهتر جنگیدن در راه تقرب به خدا. روی این حساب هر ورزشی که جهت دار باشد و انسان را نسبت به جنبه ای فوق آمادگی ببخشد اسلامی است. خلاصه، آنگونه ورزش ها و مسابقاتی که مستلزم ایذاء نفس یا ایذاء غیر است اشکال شرعی دارد. "مستند این نظر آیا شریفه لاتلقوا بایدیکم الی التهلکه خود را با دست خود به هلاکت نیاندازید). بعضی از ورزشها به خودی خود اشکال شرعی دارد مانند بوکس... و کارهایی از این قبیل. آیت الله مکارم شیرازی نیز در پاسخ به این استفتاء که چه نوع ورزش هایی دارای اشکال شرعی است چنین پاسخ داده اند. ورزشهایی مانند بوکس خالی از اشکال شرعی نیست. بنابراین حوادث ناشی از اجرای اینگونه ورزشها به رغم رعایت مقررات به علت مخالفت با موازین شرعی می تواند متضمن مسئولیت برای مرتکب باشد. ورزشهای دیگری نیز ممکن است مشمول همین حکم شود مانند کشتی کج و یا بعضی از ورزشهای رزمی که متضمن ایذاء به غیر باشد. (مراجعه کنید به ضمیمه شماره ۲)

هر چند مراتب فوق از نظر حقوقی قابل قبول است ولی مشکلی را از جوانان | ورزشکاری که اجازه مقامات و سازمانهای حکومتی به انجام یک رشته ورزشی را کافی می دانند حل نمی کند. انصاف این است که نظام قضائی نباید اشتباه سازمان تربیت بدنی و در مجموع قوه مجریه را در مجاز دانستن ورزشهای خلاف شرع به حساب ورزشکاران بگذارد. از سوی دیگر سکوت سایر مراجع شرعی و حکومتی از قبیل شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت و غیره در اعلام خلاف شرع بودن یک رشته ورزشی که طی سالها و به طور آشکار در کشور جریان دارد تقصیری را در خصوص مورد متوجه ورزشکاران نمی کند و به عبارت دیگر چنین سکوتی به نظر می رسد به معنای تنفیذ ضمنی باشد. تا

به منظور جلوگیری از بروز چنین تعارضی، پیشنهاد می شود که سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک، قبل از صدور اجازه به شروع به فعالیت هایی که به نوعی متضمن ایذاء به نفس یا غیر است با استعلام و یا استفتاء از مراجع ذیصلاح به حل مشکل همت گمارند و خود را به طور یک جانبه صالح به تشخیص موضوع هایی که از حدود صلاحیت آنها خارج ندانند.

مشروعیت ورزشهایی که ماهیت آن ایذاء به غیر است مورد تردید قرار گرفته است .

واکنش قانونی علیه مدیران فنی

۱-وظایف حقوقی
مدیران فنی در ورزش

۱-۲ احراز سلامتی اولین وظیفه مراقبتی

۲-۲ آموزش متناسب

۳-۲ بازدید و بررسی

۴-۲ بازدید وسایل شخصی ورزشکار

۵-۲ بازدید از وسایل عمومی ورزشکار

۶-۲ نحوه بازدید

۷-۲ سازماندهی و تجانس در فعالیت های ورزشی

۸-۲ شناخت توانایی ها و اجازه رقابت های متعادل

۹-۲ نظارت بر فعالیت های ورزشی

۱۰-۲ حضور مستمر در صحنه

۱-۱۱-۲ سن

۱۱-۲ کیفیت نظارت ۲-۱۱-۲ وضعیت جسمی و روانی ورزشکار

۲-۱۱-۳ نوع فعالیت ورزشی

۲-مصادیق وظایف
حقوقی مدیران فنی

فصل سوم

مسئولیت های قانونی

۱-۳ ورزشکاران مصدومی که در معرض خطر جانی هستند

۲-۳ تشدید مجازات معلم و مربی ورزش

۳-۳ نکات مهم در مورد کمک به مصدومین

۴-۳ ورزشکارانی که صدمه آنها خطر جانی ندارد

۵-۳ تجاوز از کمک های اولیه

۳- کمک به

ورزشکار مصدوم

۱ سمت مرتکب

۲ اقدامات مرتکب

شرایط لازم ۳ کمیت و کیفیت اقدامات تنبیهی

برای توجیه ۴ ضرورت وجود انگیزه تأدیب یا حفاظت

تنبیه ۵ شخصیت بزه دیده

۶ نتیجه اقدامات

۷ تعارض اختیار تنبیه با ممنوعیت آن در آموزش و

۴- اختیارات مدیران

در تنبیه ورزشکاران

۱-۵ بازدید اماکن و تجهیزات

۲-۵ بازدید از وسایل شخصی ورزشکار

۳-۵ جلوگیری از اجرای حرکات یا فنون خطا

۴-۵ اقدامات نسبت به ورزشکاران مصدوم

۵- مسئولیت های

حقوقی داوران

فصل سوم

مسئولیت های قانونی مدیران در ورزش

منظور از «مدیران» در ورزش همه کسانی هستند که در رابطه با فعالیت های ورزشی بطور مستقیم یا غیرمستقیم وظایفی را بر عهده داشته و در صورت بروز حادثه بر حسب مورد ممکن است مسئول شناخته شوند. گروه اول از مدیران شامل سرمربی، مربی، کمک مربی، مربی بدنسازی، معلم ورزش، دبیر ورزش، ناجی غریق، سرناجی، داور، پزشک تیم و امثال آنها هستند که بر فعالیت های ورزشی بطور مستقیم نظارت و اعمال مدیریت می کنند که به آنها مدیران فنی گفته می شود.

گروه دوم عبارتند از کسانی که بر فعالیت های ورزشی نظارت فنی نداشته ولی بلافاصله پس از گروه اول با ورزشکاران و یا با وسایل، تجهیزات و اماکن ورزشی و یا با مدیران گروه اول مرتبط هستند مانند سرپرستان ورزشگاهها و اردوهای ورزشی، کارشناسان، کارشناسان مسئول، مدیران کل تربیت بدنی، روسای فدراسیونها، هیات ها و انجمن های ورزشی که موسوم به مدیران اداری در ورزش هستند. از دیدگاه حقوقی و به رغم تفاوت وظایف آنها، هر دو گروه بر حسب جایگاه خود در قبال حوادث ورزشی مسئولیت قانونی دارند.

۱- وظایف حقوقی مدیران فنی در ورزش

مهمترین وظایف حقوقی مدیران فنی در ورزش مراقبت از تمامیت جسمانی، روانی و حیثیتی ورزشکاران است که تحت نظر آنها به فعالیت های ورزشی می پردازند و لذا بررسی مسائل فنی و یا علل پیروزی یا شکست ها به هیچوجه مورد توجه حقوق ورزشی نیست. ورود حقوق به صحنه با وقوع حادثه آغاز می شود و با توجه به ضوابط و معیارهای حقوقی مشخص می سازد که حادثه معلول چه عواملی بوده و مقصر یا مقصرین چه کسانی هستند و مستحق کدامین واکنش قانونی خواهند بود. اما با توجه به وظیفه اهم حقوق ورزشی که جلوگیری از وقوع حوادث از طریق اطلاع رسانی حقوقی است در این اصل ابتدا به شرح وظایف متعدد مدیران فنی می پردازیم این وظایف عبارتند از احراز سلامتی، آموزش متناسب، بازدید و بررسی، سازماندهی و تجانس در فعالیت های ورزشی، شناخت توانائی ها و اجازه رقابت های متعادل، نظارت بر فعالیت های ورزشی، توجه به شرایط جوی، کمک به ورزشکار مصدوم

واکنش قانونی علیه مدیران فنی

و جوانان ایران هرگاه قصور مدیران فنی منجر به حادثه ای گردد واکنش قانونی نسبت به آنها بستگی به عوامل زیر دارد: ۱- نتیجه حادثه که ممکن است صدمه بدنی، جانی و یا مالی باشد ۲. رابطه حقوقی مدیران فنی با زیان دیده از جرم ۳- نحوه مداخله مدیر فنی در تحقق حادثه ۴. عمد یا تقصیر آنها در وقوع حادثه. با توجه به این

که اکثر قریب به اتفاق حوادث ورزشی صدمات جانی یا مالی است که به ورزشکاران، تماشاگران و غیره وارد می‌گردد کی مناسبت نخواهد بود که به مواد قانونی مربوط اشاره ای شود.

ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی: در صورتی که قتل غیرعمدی به واسطه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته باشد یا به سمه عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیاء دم محکوم خواهد شد.

۲- مصادیق وظایف حقوقی مدیران فنی

۲-۱ احراز سلامتی اولین وظیفه مراقبتی

تربیت بدنی فرایندی است آموزشی - تربیتی که هدف آن بهبود بخشیدن به اجراء و رشد انسان از طریق فعالیت های جسمانی است و حرکت زیربنای تربیت بدنی است. بنابراین لازمه نخستین برای دست یابی به این هدف سلامتی کسی است که می خواهد از طریق ورزش اقدام نماید و آنگاه که ورزشکار تحت نظر معلم با مربی به فعالیت می پردازد این تکلیف یعنی احراز سلامت بر عهده اوست و موظف است قبل از ارجاع هر حرکتی به ورزشکار از سلامت او اطمینان حاصل کند. نحوه اطلاع مربی از سلامت ورزشکار محدود نیست ولی در مورد هر گروهی از آنها اقدامات ویژه ای ضروری است. معلمین ورزش در مدارس باید برای هر دانش آموز پرونده ای در این مورد تشکیل دهند و

برگ اول آن فرمی است که پزشک، سلامت عمومی او را برای پرداختن به فعالیت های ورزشی تأیید کرده است. از نظر حقوق ورزشی تشخیص بیماری دانش آموزان از وظایف معلمین ورزش نیست ولی چون اولین اثر فعالیت ورزشی افزایش ضربان قلب از حدود ۷۰ به چیزی نزدیک به دو برابر در مدت بسیار کوتاهی است احتیاط اقتضا دارد که معلم ورزش از توانایی دانش آموز برای تحمل بار چنین فعالیتی مطمئن باشد. از یک طرف تشخیص بیماریهای قلبی، تنفسی، عصبی و روانی و غیره دانش آموز بدون معاینه طبی میسر نیست و از سوی دیگر چون معلم ورزش، صالح و مجاز به ضمن معایناتی نیست، لذا وظیفه مراقبتی او ایجاب می کند که بدون تأییدیه پزشکی اجازه فعالیت ورزشی ندهد. معلمین ورزش باید به خاطر داشته باشند که اظهارات دانش آموزان مبتنی بر سلامت کامل و آمادگی برای انجام فعالیت ورزشی رافع تکلیف و مسئولیت آنها نیست و چنانچه به دانش آموزی که دچار ناراحتی است اجازه فعالیت ورزشی داده شود و یا او را ملزم نمایند و در اثر همین ناتوانی دچار ضایعه ای شود استناد به اظهارات یک طفل رافع مسئولیت نخواهد بود. در عین حال تأییدیه پزشک مبنی بر سلامت دانش آموز هرگز به معنای این نیست که می توان به وی بدون توجه به آمادگی های قبلی، فعالیت ورزشی سنگینی را ارجاع نمود و لذا مفهوم حقوقی سلامتی دانش آموز صرفاً متضمن این معنا است که وی آمادگی شروع به فعالیت های ورزشی را دارد. به همین دلیل معلمین ورزش باید در جریان فعالیت های ورزشی به طور مستمر به واکنش غیرعادی دانش آموزان در مقابل حرکت های مختلف، حساس بوده و با اتخاذ تدابیر مقتضی به وظیفه مراقبتی خود عمل و از بروز حادثه جلوگیری نمایند. خلاصه این که هرگونه بی توجهی معلمین ورزش به اطمینان از سلامتی دانش آموز قبل از پرداختن به فعالیت ورزشی بی

احتیاطی محسوب و زمینه ساز مسئولیت های قانونی آنها خواهد بود. توصیه می شود که در صورت بروز حادثه برای دانش آموزان در فعالیت های ورزشی یا غیر آنها مانند شکستگی، ضربه مغزی، اغماء و امثال آنها بدون ارائه مجوز پزشکی از فعالیت مجدد آنها قویاً جلوگیری شود.

احراز سلامتی در مورد ورزشکاران بالغ مانند بازیکنان باشگاهی با کسانی که برای آمادگی جسمانی در مجتمع های ورزشی حضور پیدا میکند هر چند ضروری است ولی نحوه آن متفاوت است. در مورد این گروه صرف حضور برای فعالیت از نظر حقوقی رافع مسئولیت مربی است. زیرا اشخاص بالغ و عاقل شخصا مسئول پیآمدهای اعمال خود خواهند بود. ولی این به آن معنا نیست که مربی به رغم اطلاع از بیماری یا ناراحتی ورزشکار بالغ مسئولیت قانونی در صورت بروز حادثه نخواهد داشت گاهی اوقات وضعیت ظاهری ورزشکار نشان دهنده بیماری اوست و از آن جمله اند لاغری مفرط، رنگ پریدگی، چاقی بیش از حد که در مواردی مربی موظف به اتخاذ تدابیر احتیاطی است.

معهدا در مورد آمادگی های جسمانی که معمولاً میانسالان و کهنسالان در آن مشارکت دارند اولاً الزام آنها به ارائه تأییدیه پزشکی و دوم، نصب تابلوهای هشداردهنده در این مورد یک اقدام احتیاطی و عاقلانه به حساب می آید. موضوع توجه به سلامتی ورزشکار در مقررات بین المللی ورزشها نیز لحاظ گردیده است. در قوانین بین المللی شنا آمده است: اگرچه در مقایسه با دیگر ورزشها، ورزشهای آبی خطر کمتری دراند اما با این وجود، پیشگیری از این خطرها برای تندرستی ورزشکاران اهمیت بسیاری دارد. به این منظور، کمیته پزشکی فیفا توصیه کرده است که هر ورزشکار برای شرکت در مسابقاتی که با نظرات فیفا برگزار می شود یک آزمون جسمانی سالانه داشته باشد. آزمون جسمانی باید مربی را در مورد صدمات، بیماریها و شرایطی که در نتیجه فشار بیش از حد تمرین بوجود می آیند آگاه کند. در مواردی که ورزشکار به علت داشتن بیماری یا انجام عمل جراحی آمادگی لازم را ندارد باید او را از شرکت در تمرین و مسابقه منع کرد. این موارد شامل ناراحتی و بیماری در زمینه های زیر است: ارتوپدی، مغز و اعصاب، پوست، گوش، و گلو و بینی، چشم، روانپزشکی و سایر مسائل پزشکی و جراحی.

۲-۲ آموزش مناسب

ورزش مجموعه ای از فعالیت های بدنی است که بالقوه متضمن خطرات کوچک و بزرگ برای ورزشکاران است این خطرات گاهی ضرب و جرح و ساده، گاهی ورزشکار را برای تمامی عمر همچون جسم بی حرکتی در بستر نگه می دارد و حتی ممکن است به مرگ منتهی شود. با توجه به وفور این حوادث، وظیفه مراقبتی معلمین ورزش و مربیان از اهمیت بیشتری برخوردار می شود. یکی از راههای جلوگیری از وقوع چنین حوادث آگاهی معلمین و مربیان از ورزش به مفهوم علمی آن و بکارگیری این آگاهی در امر آموزش است. تعلیم و تربیت در ورزش مستلزم داشتن صلاحیت فنی است. ورزش در حال حاضر نه یک علم ساده بلکه یک علم مرکب است به این معنا که علوم متعدد و متفاوتی باید در کنار هم جمع شوند تا عنوان تربیت بدنی و علوم ورزشی قابل تحقق باشد. نگرش به موضوعهایی که در مراکز علمی تربیت بدنی تدریس می شود مانند فیزیولوژی، روانشناسی، جامعه شناسی، بیومکانیک، بهداشت، رشد و تکامل حرکتی، مدیریت، حرکات اصلاحی، تغذیه،

آسیب شناسی، حقوق ورزشی و غیره که علاوه بر دروس عملی است نمایانگر اهمیت امر و ضرورت آگاهی‌هایی عمیق علمی است.

مربی موظف است به منظور جلوگیری از وقوع حوادث ناگوار و با اتکاء به آگاهی‌های لازم در امر آموزش، اصول ایمنی را معمول دارد. به عبارت دیگر مربی باید صلاحیت فنی برای آماده سازی ورزشکار، آموزش حرکات و مهارتها، الزام ورزشکار به انجام فعالیت‌های ورزشی و غیره را داشته باشد. عدم توجه به اصول مذکور، آموزش غلط حرکات و مهارتها، الزام ورزشکار به انجام حرکتی که نه از نظر مهارتی و نه از نظر توانایی جسمی قادر به اجرای آنها نیست، خودداری از آموزش مهارت‌هایی که ورزشکار باید برای فرار از حادثه به آنها آگاه باشد و دهها نکته دیگر زمینه ساز مسئولیت قانونی معلم ورزش و مربیان است. به عنوان مثال در ژیمناستیک، ورزشکار مبتدی تا آمادگی کافی در حرکات زمینی را پیدا نکند مجاز به استفاده از اسباب مانند دار حلقه یا ترامپولین نخواهد بود و لذا اگر مربی بدون صلاحیت فنی ورزشکار را امر به حرکت روی اسباب مذکور نماید و حادثه‌ای رخ دهد از نظر حقوقی باید پاسخگو باشد. همچنین اگر مربی فوتبال بدون آگاهی از تمرینات وزنه برداری ورزشکاران را ملزم به وزنه برداری کند و در نتیجه استفاده غلط حادثه‌ای روی دهد مربی مسئول خواهد بود. یا اگر مربی وزنه برداری بدون توجه به توانایی وزنه بردار به نحو نامتعارفی وزنه را افزایش دهد که در نتیجه بلند کردن آن حادثه‌ای برای ورزشکار یا دیگران بر اثر رها شدن وزنه) روی دهد مسبب و ضامن است. یا اگر مربی سنتی شنا برای ریختن ترس نوجوانی که برای آموزش شنا معرفی شده او را به قسمت عمیق استخر پرتاب کند و یا با فریب و نیرنگ او را به سکوی مرتفع شیرجه برده و از آنجا به داخل استخر بیندازد و حادثه‌ای اعم از جسمی یا روانی برای نوجوان پیش آید قطعاً مسئول است. نتیجه این که مربی و معلم نه فقط باید صلاحیت علمی و فنی لازم برای آموزش در ورزش را داشته باشند بلکه موظفند که توانایی جسمی و روحی ورزشکاران را در مقابل حرکات، فنون و مهارت‌های مورد نظر لحاظ نمایند. فقدان صلاحیت کافی و پذیرش مسئولیت مربیگری، تقصیر محسوب و بر حسب نتیجه حاصله، مقصر مجازات خواهد شد.

۲-۳ بازدید و بررسی

در اکثر قریب به اتفاق ورزشها، ورزشکار ملزم به استفاده از وسایلی است که به موجب مقررات مربوطه تعیین گردیده است. این وسایل گاهی شخصی و گاهی عمومی است. نواقص، نامرغوب بودن یا غیر مجاز بودن این وسایل ممکن است موجب صدمه برای ورزشکار استفاده کننده یا حریف و یا سایر اشخاص شود. طراحی و ساخت این وسایل علاوه بر جنبه فنی آن از نظر ایمنی نیز کاملاً مورد توجه بوده است. بنابراین وظیفه مراقبتی معلم و مربی ورزش ضرورت اطمینان از سلامت این وسایل را ایجاب می نماید. | چنین اطمینانی جز با بازدید دقیق وسایل امکان پذیر نیست و لذا تصور در انجام این وظیفه یعنی بازدید وسایل سنگ بنای مسئولیت قانونی مربیان است و بسته به نتیجه ناگواری که به وجود می آید معلم یا مربی مسئولیت کیفری یا مدنی خواهد داشت. در بازدید وسایل ورزشی یکی از مهمترین نکات، زمان بازدید است که باید در آخرین لحظه قبل از شروع انجام شود زیرا اگر این فاصله زمانی زیاد باشد نباید امکان سوء استفاده یا مشکلات دیگری را منتفی دانست.

وسایل ورزشی را به طور کلی به دو گروه می توان تقسیم کرد: ۱. وسایل شخصی ورزشکار. ۲. وسایل عمومی ورزش

۲-۴ بازدید وسایل شخصی ورزشکار

منظور از وسایل شخصی وسایلی است که شخص ورزشکار بطور خصوصی از آنها استفاده می کند و جنبه همگانی ندارد. استفاده از این وسایل گاهی الزامی است و در مواردی اختیاری و ممکن است مجاز یا غیر مجاز باشد. از جمله این وسایل می توان به کفش، کلاه ایمنی، دستکش، موتورسیکلت، دوچرخه، مایو، راکت، و غیر آنها اشاره کرد.

از دیدگاه حقوق ورزشی، مربی یا معلم ورزش که وظیفه مراقبت بر عهده اوست موظف است با بازدید این وسایل هم از مصدوم شدن ورزشکار استفاده کننده جلوگیری و هم از صدمه رسیدن به دیگران ممانعت نماید. به عنوان مثال :

۱. پوشیدن کفش های پاشنه دار یا دارای زیره میخ دار یا دارای نعل و همچنین کفش هایی که دارای قسمت فلزی باشد ممنوع است یا بانداژ کردن روی میخ ها، بازوها، پاها، به جز در هنگام جراحی یا تجویز پزشکی، چرب کردن بدن با مواد لغزنده یا چسبنده یا حمل هر نوع اشیائی که ممکن است سبب زخمی شدن حریر گردد از جمله انگشتر، دستبند و غیره قانوناً ممنوع می باشد. با توجه به نص صریح مقررات به شرح فوق و تصریح مقررات مبنی بر این که داور کنار تشک مسئول اجرای صحیح کشتی براساس مقررات می باشد و این که قاضی می باید کلیه وظایف پیش بینی شده در مقررات جاری را به طور اعم به اجرا درآورد جای تردید در تکلیف داور یا مربی در بازدید دقیق و جلوگیری از تخلف باقی نمی ماند و قصور در انجام این وظایف در صورت بروز حادثه ممکن است ورزشکار خاطی و یا مربی و یا هر دو متخلف، مسئول شناخته شوند.

۲. در فوتبال بازیکن نباید چیزی بپوشد که باعث خطر برای سایر بازیکنان شود. اگر داور متوجه شد که یک بازیکن شیئی را که در قانون اجازه داده نشده است و ممکن است خطری برای بازیکنان دیگر ایجاد نماید با خود همراه دارد باید دستور دهد که بازیکن شیئی را از خود دور نماید اگر نامبرده آن شیئی را از خود درو نداشت و دستور را اجراء ننمود حق ادامه دادن مسابقه را نخواهد داشت. این وظیفه عیناً متوجه مربی نیز هست و او مکلف است قبل از شروع بازی بازدید نموده و برابر مقررات انجام وظیفه نماید. یا در همین ورزش پل های کفش باید از چرم یا لاستیک ساخته شده و نباید کمتر از ۱۲/۷ میلیمتر پهنا داشته باشد و به طور کلی ارتفاع استوک ها و پل ها بیش از ۱۹ میلیمتر نباشد. وضع چنین مقرراتی که در جهت ایمنی سایر ورزشکاران است مربی، معلم ورزش و یا داور را ملزم به بازدید و ممانعت استفاده از آن وسایل در صورت خلاف بودن می نماید. مجاز نبودن ورزشکاران از استفاده از وسایل ورزشی غیرمجاز منحصر به این دو ورزش نیست بلکه در هیچ ورزشی اعم از آنکه در مقررات مربوطه چنین موارد تصریح شده باشد یا نه ورزشکاران ملزم به رعایت اصول ایمنی خواهند بود و در صورت استفاده از وسایل غیرمجاز اعم از این که از وصف آن مطلع بوده و در استفاده از آن عامد باشند و یا بی اطلاع از چگونگی آثار حاصله باشد ضامن است ضمن این که در صورتی که آن ورزش تحت نظر مربی یاد اور اداره می شود او نیز بر حسب مورد پاسخگوست. بی توجهی به بازدید وسایل، تقصیر محسوب می شود.

۲-۵ بازدید از وسایل عمومی ورزشکار

وسایل عمومی ورزش شامل کلیه وسایل، اسباب، اماکن و تجهیزاتی است که به طور مستقیم در رابطه با عملیات ورزشی مورد استفاده قرار می گیرند مانند توپ، پیست، زمین، استخر، اسباب ژیمناستیک، تشک،

وزنه، چکش، نیزه، تور اطراف محوطه پرتاب و امثال آنها. هر یک از این وسایل دارای مشخصاتی است که در مقررات مربوطه به هر ورزش به طور دقیق به آنها اشاره شده است. در مورد سلامت و ایمنی این وسایل نه فقط مربی یا معلم ورزش مسئول است بلکه سایر اشخاص از قبیل مدیران ورزشگاهها و یا مدیران سازمانهایی که ورزشگاه تحت نظر آنها اداره می شود مانند مدیر کل تربیت بدنی، | کارشناس مسئول اداره آموزش و پرورش و یا مدیر مدرسه نیز بر حسب مورد ممکن است مسئول شناخته شوند. اما در این بخش روی سخن با مربی یا معلمین ورزش است. مربی یا معلم ورزش مکلف است قبل از شروع فعالیت ورزشی هر یک از این وسایل را بلور دقیق بازرسی و بازدید کند و زمانی اجازه استفاده را صادر نماید که از سلامت و ایمنی آنها اطمینان کامل حاصل کرده باشد. دقت در مفاد مقررات راجع به مشخصات این وسایل علاوه بر جنبه فنی آن، حکایت از توجه به ایمنی و سلامت بودن آنها برای جلوگیری از ایجاد ضرر و زیان به ورزشکار و دیگران دارد و بی مناسبت نخواهد بود که بگوییم جنبه اخیر از اولویت بیشتری برخوردار بوده است. به مثال های زیر توجه کنید:

.. قانون دوم: توپ. توپ بایستی گرد و قسمت خارجی آن از چرم و یا از جنس دیگری باشد ولی نباید جنسی بکار رود که خطر برای بازیکنان ایجاد نمایند. ۲ بازدید و بررسی این ویژگی ها وظیفه مربی است. ۲. پایه های دستگاه بسکتبال و لبه های پایین تخته ها باید به خوبی جهت جلوگیری از برخورد بازیکنان و مجروح شدن آنها دارای سفاظ و ایمنی کامل باشند... و دارای رنگ روشن و متمایز از رنگ کف که کاملاً قابل دید برای بازیکنان باشد. مربی یا معلم ورزش قبل از شروع تمرین باید با بازدید از امکانات احرار نماید که وسایل مذکور از شرایط ایمنی مناسب برخوردار است یانه و سپس تصمیم لازم را اتخاذ نماید. ۳

۳. ماده ۳۰۵. به منظور ایمنی تماشاچیان، داوران و مسابقه دهندگان کلیه پرتاب های چکش و دیسک باید در محوطه مخصوص صورت بگیرد. شکل این محوطه به صورت C می باشد که قطر آن ۷ متر است با قسمت بازی که عرض آن ۶ متر می گردد و ارتفاع نبایستی از ۳/۳۵ متر کمتر باشد ولی معمولاً چهار متر می گیرند. تور این محوطه ۱۹/۲ متر طول و ۰/۳ متر عریض تر از ارتفاع تیرک ها می باشد که از طناب مخصوص ساخته می شود که ۱۲ / ۵ میلیمتر ضخامت دارد و به صورت مشبک است که محیط هر شبکه ۵۰ میلیمتر است. قسمت پایین این تور محلی که به زمین متصل می شود به طرف مرکز منحرف است و بوسیله کیسه شن روی زمین قرار می گیرد که وزن آن تقریباً ۱۳/۵ کیلوگرم است.

تدوین چنین مقررات دقیقی برای جلوگیری از پرتاب شدن چکش به میان تماشاگران و سایر اشخاص است که در چنین صورتی نتیجه آن مشخص است. اگر شکل محل، قطر شبکه توری، جنس و ضخامت طنابی که توری با آن ساخته شده، پاره بودن بعضی از شبکه ها، وزن کیسه های شنی که باید روی لبه اضافی توری قرار میگیرد رعایت نشود عبور چکش از آن منجر به حوادث دلخراشی خواهد شد. مربی موظف است قبل از صدور اجازه برای پرتاب، کلیه این نکات را از نزدیک بازدید نماید. قصور در انجام این وظیفه مراقبتی برای ورزشکار، تماشاگران، داوران، و شخص مربی مشکلات مختلفی ایجاد خواهد کرد.

۴. در ورزشهایی مانند ژیمناستیک که استفاده از اسباب در آن نقش اساسی دارد و هرگونه عیب و نقص فنی در آنها می تواند به صدمات غیر قابل جبرانی منتهی شود وظیفه مراقبتی معلم ورزش یا مربی اقتضا دارد که در بازدید از آنها حساسیت بیشتری نشان داده شود تا از وقوع حادثه در اثر نقص اسباب جلوگیری شود.

۲-۶ نحوه بازدید

انجام وظیفه مراقبتی مربی در بازدید از وسایل و اسباب شخصی و عمومی آنگاه رافع مسئولیت او در صورت بروز حادثه خواهد بود که برابر مقررات و به نحو متعارف صورت گیرد. بازدید یک واژه کلی است و در مورد هر وسیله یا اسبابی متفاوت است و لذا صرف رویت آنها از سوی مربی هرگز به معنای این نیست که از نظر حقوقی به تکلیف خود عمل کرده و در صورت وقوع حادثه برای ورزشکار مبری از مسئولیت قانونی خواهد بود. بلکه آنچه در باب بازدید به عنوان یک وظیفه می تواند هم مانع وقوع حادثه وهم مصون داشتن مربی حتی در صورت مصدوم شدن ورزشکار و غیره باشد کم و کیف بازدید است. یک مربی متعارف موظف است بر حسب نوع وسیله و اسباب، بازدیدی متناسب به عمل آورد و چنانچه بازدید انجام ولی فاقد وصف متناسب و متعارف باشد هیچ نقشی در جلوگیری از مسئولیت او نخواهد داشت. بازدید از کلیه وسایل و اسباب به سه طریق متصور است:

الف) **بازدید عینی**: گاهی بازدید فقط با مشاهده میسر است مانند بازدید از پیست دو و میدانی یا اسکی که مربی موظف است تمام طول پیست را قبل از شروع با دقت مشاهده تا چنانچه اشیاء خطرناک مانند بطری های شکسته، قطعات فلزی برنده و یا موانع دیگری وجود دارد نسبت به رفع آنها اقدام کند. در همین سالهای اخیر وجود مانع خطرناک در پیست اسکی موجب برخورد اسکی باز با آن و نهایتاً منجر به قطعه پای او گردید. وسایل دیگری مانند تورهای محافظ در پرتاب ها، رنگ آب استخر، به صورت عینی مورد بازدید قرار می گیرند.

ب) **بازدید حرکتی**: در بعضی موارد با مشاهده وسیله یا اسباب نمی توان از سلامت یا معیوب بودن آنها اطمینان حاصل نمود و لذا انجام بازدید عینی از این گروه رافع مسئولیت مربی نیست. از جمله این موارد، اسباب ژیمناستیک است که با نگاه کردن به آنها حتی با دقت کامل عیب و نقص آنها مشخص نمی گردد. در این گروه مربی باید با حرکت روی اسباب از سلامت آنها اطمینان حاصل کند، به عنوان مثال با آویزان شدن به دار حلقه و تحمیل وزن خود بر آن یا با اجرای حرکت روی پارالل یا بارفیکس می توان مطمئن شد که اسباب آماده استفاده برای ورزشکار است.

ج) **بازدید حسی**: در برخی وسایل نه مشاهده موثر است و نه امکان بازدید حرکتی وجود دارد. در این موارد مربی باید با حس لامسه یا چشائی از سلامت آنها مطمئن گردد مانند بازدید دستکش بوکس که برای حصول اطمینان از این که در درون آن اجسام سخت جاسازی نشده است تنها از طریق دست زدن به آنها میسر است. همچنین برای اطلاع از درجه حرارت آب استخر و یا طعم و بوی آن فقط با حس لامسه، بویائی و چشائی امکان پذیر است.

نشت گاز کلر در استخرها از مواردی که منجر به مسمومیت شناگران می شود و اگر شامه تیز ناجی یا سرناجی به فوریت عمل نکند می تواند منجر به حوادث غیر قابل جبرانی شود. تصور کنیم که در یک استخر بزرگ بیش از سیصد نفر در حال شنا باشند و به علت اشکال فنی، گاز کلر نشت کند و آب و فضای استخر را آلوده سازد. آیا کسی جز مسئولین استخر باید پاسخگوی فاجعه باشند؟ در این مورد بازدید به معنای استفاده از حس بویائی است و بازدید عینی یا حرکتی کاربرد نخواهد داشت .

ورزش فعالیتی بسیار خطرناک است. بازدید وسایل ورزشی از سوی مربی یا داور قبل از شروع به فعالیت ها یک الزام است .

۲-۷ سازماندهی و تجانس در فعالیت های ورزشی

وظیفه مراقبت که بر عهده مربی و یا معلم ورزش قرار دارد گاهی در چهره ضرورت سازماندهی متجلی می شود. منظور از سازماندهی فعالیت ورزشی، اعمال مدیریتی است که بتوان با تفکیک ورزشکاران از نظر سنی، مهارت و نوع فعالیت به گونه ای اقدام کرد که از وقوع حادثه جلوگیری شود. این وظیفه در مدارس ما از ضرورت بیشتری برخوردار است. با توجه به کمبود معلمین ورزش در آموزش و پرورش گاهی تعداد انبوهی از دانش آموزان در ساعت ورزش تنها به یک معلم ورزش سپرده می شوند. در چنین مواردی معلم ورزش باید اولاً با توجه به مجموعه شرایط موجود از قبیل سن، مهارت، قد، وزن، نوع ورزش، امکانات و غیره برنامه ریزی نماید. واگذاری امور به اختیار دانش آموزان و عدم مداخله در سازمان دهی اگر منجر به حادثه شود معلم ورزش ضامن است. دوم، باید از وجود دانش آموز - معلم برای رفع کمبود معلم ورزش استفاده نماید.

توجه به تجانس فعالیت های ورزشی که در جوار یکدیگر انجام می شود نیز از اشکال دیگر وظیفه مراقبت است. منظور از تجانس فعالیت های ورزشی این است که ورزش های خطرناک باید در فضایی کاملاً جدا از دیگر فعالیت های ورزشی انجام گیرد. به عنوان مثال انجام ورزش هایی مانند والیبال، بسکتبال و هندبال که علی الاصول خطرناک نیستند در کنار یکدیگر در عرف ورزشی بلامانع است زیرا این ورزش ها از این نظر با یکدیگر متجانس هستند ولی اجازه بازی فوتبال به دانش آموزان در یک نیمه زمین در حالی که در نیمه دیگر عده ای به تمرین پرتاب ها مانند وزنه، چکش، غیره و امثال آن مشغول هستند مردود است و از مصادیق بارز تقصیر مربی است زیرا خطر مصدوم شدن آنها در اثر اصابت وزنه، دیسک، چکش و غیره کاملاً قابل پیش بینی است و از یک معلم ورزش یا مربی متعارف انتظار می رود که با توجه به خطر قابل پیش بینی اجازه چنین فعالیتهایی را ندهد. عدم تجانس در ورزش لزوماً مربوط به دو رشته ورزشی مختلف نیست گاهی حتی در یک رشته ورزشی بعضی فعالیت ها با یکدیگر نامتجانس هستند. به عنوان مثال پرتاب دیسک یکی از رشته های ورزش دو و میدانی است. انجام این تمرین در فضائی که تعدادی ورزشکار در پیست مجاور به دویدن مشغول هستند خطرناک و وقوع حادثه از دیدگاه هر مربی متعارفی غیر منتظره نیست. عدم تجانس گاهی میان یک فعالیت ورزشی غیرخطرناک با فضای جنبی است. هندبال از جمله این ورزشهاست ولی اگر به دانش آموزان اجازه بازی در حیاط کوچک مدرسه که کلاسهای درس در فاصله بسیار نزدیک با آن قرار دارد داده شود خطر

اصابت توپ به شیشه کلاسها و پیآمدهای نامطلوب آن قابل انتظار است. تکلیف مربی یا معلم ورزش به مراقبت مستلزم رعایت دقیق ضوابط تجانس ورزشها و سازماندهی در آنهاست. از موارد دیگر عدم تجانس، می‌توان به ورزش شنا و شیرجه در یک زمان و در یک استخر اشاره کرد.

یکی از تکالیف مربیان در آموزش فعالیت‌های ورزشی، توجه به متعادل بودن رقابت‌ها از نظر سن، قد، وزن و میزان مهارت است.

۲-۸ شناخت توانایی‌ها و اجازه رقابت‌های متعادل

معلم ورزش و مربی باید هم از میزان فشار و آثار یک حرکت ورزشی بر بدن ورزشکار آگاه باشد و هم از میزان آمادگی و توانایی او تا با رعایت جوانب امر انجام یک فعالیت ورزشی را مجاز یا ممنوع نماید. قصور در هر یک از این دو تکلیف اگر منجر به حادثه‌ای برای ورزشکار شود بر حسب شرایط ممکن است موجب مسئولیت قانونی آنها گردد. این قصور اعم از این که مربوط به عجز علمی و تجربی معلم یا مربی از قابلیت‌های ورزشکار باشد و یا به رغم شناخت در ارجاع حرکت بی احتیاطی نماید تفاوتی در نتیجه نخواهد داشت. توانایی مورد نظر می‌تواند شامل وزن، مهارت، قدرت بدنی و امثال آن باشد به مثال‌های زیر که مصادیقی از قصور در شناخت توانایی‌های ورزشکار است توجه کنید.

۱. الزام دانش آموز به دویدن (۵۴۰ متر) برای آزمون پایان ترم بدون آگاهی از توان او یک اقدام خلاف احتیاط در ورزش است. مشاهده شده که در بسیاری موارد، دانش آموز

در پایان روانه بیمارستان گردیده است. ۲. الزام و ترغیب وزنه بردار به بلند کردن وزنه‌ای که چندین کیلو بیشتر از آخرین رکورد اوست می‌تواند از موارد بارز بی‌توجهی به توانایی ورزشکار باشد. -

۳. قرار دادن ورزشکار مبتدی روی اسباب ژیمناستیک و تشویق او به حرکت مشکلی که با سوابق او تناسبی ندارد از مصادیق بارز بی‌احتیاطی است.

شناخت توانایی‌ها و قابلیت‌های ورزشکار یکی از مهمترین وظایف مراقبتی معلمین ورزش و مربیان است.

در مورد رقابت‌های ورزشی که در واقع مقابله ورزشکاران با یکدیگر است باید به تعادل و تناسب شرایط آنها توجه شود. این شرایط عبارتند از وزن، مهارت، سن، قد و امثال آنها. معلمین ورزش باید توجه داشته باشند که همکلاس و یا هم مقطع بودن دانش‌آموزان و یا هم وزن بودن و یا داشتن مهارت‌های یکسان هر یک به تنهایی کافی برای صدور اجازه به رقابت نخواهد بود. رضایت دانش‌آموز و یا حتی داوطلب شدن او برای شرکت در رقابتی که فاقد توانائی لازم در انجام آن است علی‌الأصول تأثیری در مسئولیت معلم ورزش نخواهد داشت. در مورد ورزشکاران بالغ هر چند حساسیت کار تا این حد نیست ولی مربی در مورد آنها نیز در بسیاری از موارد پاسخگوست. الزام یک کشتی‌گیر، کاراته‌کا، بوکسور و غیر آنها به تمرین یا رقابت با حریفی که از نظر

وزن با او تفاوت فاحش دارد نوعی تقصیر برای مربی به حساب خواهد آمد و در صورت بروز حادثه با توجه به نقش مربی در آن مسئول خواهد بود .

در پرونده ای معلم ورزش به دو جوان نیرومند اجازه می دهد که در دو روند با یکدیگر مبارزه نمایند و خود در جایگاه تماشاگران به نظاره می نشیند و در نتیجه یکی از این دو مشتزن جوان بی مهارت، از ناحیه شقیقه مجروح و دچار خونریزی مغزی می شود و متعاقباً علیه معلم ورزش شکایت میکند. دادگاه پس از رسیدگی حکم میدهد که انجام مراقبت های معقول به منظور جلوگیری از ایراد صدمه از وظایف معلم و می بایست محصلین را قبل از اینکه به تمرین یک ورزش خطرناک بپردازند از خطرات آن آگاه | می نمود و اگر واقعا دلیل معقولی اجازه چنین تمرینی را توجیه می نمود می بایستی به این جوانان اصول دفاعی آموخته می شد در حالی که شواهد نشان می دهد که این در حقیقت یک مبارزه بوده و دلایل، نشانگر قصور معلم ورزش در انجام وظیفه مراقبتی بوده و مرتکب بی احتیاطی گردیده است بنابراین جوان مصدوم مستحق دریافت خسارت وارده به خود می باشد.

این تصور که با ارجاع فعالیت های غیر عادی به ورزشکار زمینه لازم برای جهش در توانایی های روحی و جسمی او فراهم خواهد آمد یک امر مربوط به روان شناسی ورزشی است و صحت و سقم آن در صلاحیت علم حقوق نیست ولی صرفنظر از آن اگر حادثه ای بروز نماید موضوع مسئولیت قانونی معلم با مربی مطرح خواهد شد. بنابراین اقدام احتیاطی معلم ورزش و مربی برای جلوگیری از وقوع حادثه برای ورزشکار شناخت دقیق قابلیت ها و توانایی ها و ورزشکاران و اجازه فعالیت یا رقابت براساس آنهاست.

گاهی ممکن است همه شرایط برای رقابت منطبق با موازین باشد یعنی هر دو ورزشکار از نظر وزن، مهارت، و غیره واجد شرایط انجام رقابت ورزشی باشند ولی اگر در جریان تمرین یا مسابقه مربی یا داور مشاهده کند که کف ترازو به نحو فاحشی به نفع یکی از آنها تغییر کرده و امکان مصدوم شدن او قابل پیش بینی است مربی یا معلم با داور موظف به قطع آن بازی است. ورزش وسیله ای برای برومندی است و نه وسیله ای برای متلاشی کردن جسم و روان ورزشکار. مربی و معلم ورزش بانظران درگیری های گلابدیتوری در دو قطب مخالف قرار دارند.

۲-۹ نظارت بر فعالیت های ورزشی

فعالیت های ورزشی برای همه ورزشکاران اعم از مبتدی، ماهر، کودک، نوجوان، بالغ، حرفه ای، آماتور بالقوه متضمن خطرات بسیاری است. این خطرات منحصر به خود ورزشکار نیست بلکه سایر اشخاص مانند حریف، تماشاگر و غیر آنها را نیز در بر می گیرد. یک بار دیگر خطرهای ناشی از پرواز ژیمناست روی اسباب، شیرجه شناگر از تخته مرتفع، ضربات ناشی از بوکس، قرار گرفتن در یک ارتفاع یخ زده کوهستان، اسیر فن خطرناک و خطای دابل نلسون در کشتی شدن ، احتمال اصابت ضربه در ورزش های رزمی به صورت حریف و صدها و هزاران مورد دیگر را در ذهن مجسم کنید تا وجود این خطرها را بیشتر احساس نمایید.

یکی از مهمترین عواملی که می تواند مانع از قوه به فعل درآمدن بسیاری از این خطرها شود حضور و نظارت معلم ورزش یا مربی در صحنه فعالیت ورزشی است. نظارت بر فعالیت ورزشی به لحاظ خطرناک بودن آنها از وظایف مهم محسوب می شود و در صورتی که این وظیفه به طور متعارف به انجام رسانند هیچگونه مسئولیتی در قبال حوادث نخواهند داشت به عبارت دیگر آنچه موجبات مسئولیت قانونی مربیان را فراهم می آورد نتایج ناهنجار فعالیت های ورزشی نیست بلکه عمد یا قصور آنها در انجام وظایف مربوطه است.

نظارت مطلوب را می توان در دو بخش مورد بررسی قرار داد. اداران ایرانیان

۲-۱۰ حضور مستمر در صحنه

در این مورد حضور فیزیکی و مستمر معلم یا مربی ضروری است. البته نوع فعالیت و مشخصات ورزشکار در کم و کیف نظارت موثر است ولی آنچه به طور اصولی باید مورد نظر باشد این است که معلم یا مربی در زمان فعالیت ورزشی مجاز به ترک زمین نخواهد بود. این تأکید به آن معنا نیست که در صورت حضور و نظارت معلم با مربی حادثه ای اتفاق نخواهد افتاد زیرا می دانیم که بسیاری از حوادث در حضور مربی واقع می شود ولی سرعت وقوع به حدی است که قادر به جلوگیری از آن نخواهد بود. اما حتی در چنین مواردی اگر معلم یا مربی زمین ورزش را ترک کرده باشد عدم حضور او نوعی تقصیر به

حساب می آید و حداقل این ایراد به او وارد خواهد بود که در صورت حضور می توانست از وخامت بیشتر حادثه جلوگیری کند.

گاهی ترک زمین ورزش در جریان فعالیت ورزشی برای معلم ورزش یا مربی اجتناب ناپذیر است. بدیهی است در چنین مواردی که اضطرار محرز باشد ترک محل فعالیت تقصیر به حساب نخواهد آمد فرض کنید در جریان فعالیت ورزشی دانش آموزان یکی از آنها که از طناب صعود کرده سقوط کند و دچار صدمات شدید گردد. انتقال دانش آموز مصدوم در اسرع وقت به مرکز درمانی از اهم وظایف مربی است و اگر کسی جز مربی در سالن حضور نداشته باشد بدون تردید این وظیفه بر عهده او خواهد بود. اکنون معلم ورزش در مقابل دور تکلیف معارض قرار دارد. نظارت مستمر بر تمامی دانش آموزان حاضر و انتقال دانش آموز مصدوم به فوریت به یک مرکز درمانی که انتخاب هر یک ممکن است مشکلات بزرگی را در نتیجه ترک دیگری ایجاد نماید. در همین فرض اگر از انتقال مصدومی که در معرض خطر جانی است خودداری نماید به استناد قانون مجازات خودداری کنندگان به مصدومین ممکن است حتی به سه سال حبس محکوم شود و اگر مصدوم را به بیمارستان منتقل و در غیاب او صدماتی به دانش آموزان وارد شود باز به علت عدم حضور و نظارت مسئول است.

راه حل حقوقی قضیه در چنین مواردی این است که معلم ورزش با تعیین جانشین واجد شرایط نسبت به انتقال مصدوم اقدام نماید. اما باید توجه داشت که مستخدم سالن و یا دانش آموزان جانشین شایسته محسوب نمی شوند. شغل معلمی ورزش از مهمترین و حساس ترین مشاغل آموزشی است زیرا او در مقابل تمامیت جسمانی، روانی و حیثیتی ورزشکار مسئول است و تصدی چنین مسئولیتی مستلزم صلاحیت های کافی است و بدیهی است که مستخدم مدرسه یا ورزشکار، دانش آموزان و حتی سایر اشخاص در مدرسه فاقد چنین

صلاحیتی هستند و در صورتی که جاشنین واجد شرایط وجود نداشته | باشد باید با تعطیل فعالیت ورزشی نسبت به انتقال مصدوم اقدام نماید. این تدبیر در سایر موارد که موضوع، انتقال مصدوم مطرح نیست ولی معلم یا مربی ناچار به ترک زمین است نیز قابل اعمال خواهد بود. برای روشن تر شدن موضوع مقررات ناجی گری در ورزش شنا به شرح ذیل درج می گردد:

ماده ۶۷ - موارد ذیل وظایف ناجی غریق را معین می کنند :

- در همه جه مراقب رفتارشناگران باشد .
 - مراقب اشخاصی که به داخل آب می پرند یا به زیر آب فرو می روند باشد و از خارج شدن آنها از زیر آب اطمینان پیدا کند.
 - از صحبت کردن غیر ضروری در هنگام انجام وظیفه جداً پرهیز کند .
 - از ترک کردن محل انجام وظیفه در تمام ساعات کار روزانه خود داری کند.
- تذکر : چنانچه ناجی برای رفع حواجی ضروری ناگزیر به ترک موقت محل دیده بانی و انجام وظیفه خود باشد باید قبل از ترک محل ، سرناجی و سایر ناجیان را آگاه سازد که تا هنگام مراجعت از محوطه مربوط به وی مراقبت کنند .

مرغوبیت وسائل ورزشی عامل مهمی در جلوگیری از وقوع حادثه و یا حد اقل مانعی در وخامت بیشتر است و این عامل در مواردی که ورزشکار از مهارت کافی برخوردار نباشد بیشتر محسوس خواهد بود .

۲-۱۱ کیفیت نظارت

حضور فیزیکی و مستمر معلم ورزش و مربی در محدوده جغرافیایی انجام فعالیت های ورزشی شرط اول و لازم در تحقق نظارت مطلوب است ولی کافی به مقصود نیست زیرا منظور از نظارت مطلوب، جلوگیری از وقوع حادثه و یا در صورت شروع، اتخاذ تدابیری است که از وخامت بیشتر اوضاع ناهنجار ممانعت نماید. لازمه این شرط هوشیاری است. به عنوان مثال در بند ۱۹ ماده ۱۰۵ آئین نامه شرایط ناجیگری و امور نجات غریق در شرح وظایف سر ناجی چنین مقرر شده است:

۱۹. در مراقبت و دیده بانی کاملاً هوشیار و در نجات غریق در هر وضعیتی آماده باشد.

برای تحقق این هدف معلمین و مربیان باید بدانند که کم و کیف نظارت مطلوب بستگی به عوامل مختلفی مانند سن، وضعیت جسمی و روانی، میزان مهارت، نوع فعالیت و امکانات و تجهیزات مورد استفاده در هر ورزش دارد.

۲-۱۱-۱ سن

۱. سن نظارت بر فعالیت های ورزشی ورزشکاران نوجوان، جوان و به طور کلی از نظر حقوقی ورزشکاران صغیر مستلزم دقت بیشتری در مقایسه با ورزشکاران بالغ است. وظیفه مراقبتی معلم ورزش در دبستان در حفاظت از این گروه سنی با وظیفه مربی در یک باشگاه در رابطه با ورزشکاران بالغ متفاوت است. معلم ورزش یا مربی نه فقط در مقابل سلامتی جسمی و روحی و حیثیتی ورزشکار نابالغ ضامن است بلکه مسئول جبران زیان وارده از ناحیه آنها نیز می باشد. ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مقرر می دارد: «کسی که نگاهداری یا مواظبت

مجنون یا صغیر قانون یا بر حسب قرارداد به عهده او می باشد در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد. در مورد ورزشکاران بالغ وضع به گونه ای دیگر است... با توجه شرایط عامه تکلیف یعنی عقل، بلوغ و اختیار، وظایف مراقبتی مربی نسبت به آنها کاملاً متفاوت است. به عبارت دیگر انسان عاقل و بالغ مسئول مراقبت از خود می باشد و اگر بدون توجه به ضوابط ایمنی مبادرت به فعالیت های ورزش خطرناک نماید چون شخصاً قبول خطر کرده است مربی علی الأصول مسئولیتی نخواهد داشت. اما این عدم مسئولیت، مطلق نیست و گاهی ممکن است مربی حتی در قبال این گروه نیز مسئول باشد. به عنوان مثال اگر مربی شنا که وظیفه آموزش میانسالان را به عهده گرفته است در جریان آموزش مرتکب تقصیر شود و غرق شدن مبتدی ناشی از تقصیر او باشد ضامن خواهد بود. همچنین در فعالیت های ورزش بالغین در رشته آمادگی جسمانی که در سالهای اخیر شایع شده است وظیفه مربی اقتضا می کند که به همه آنها قبل از شروع فعالیت تذکر دهد که اگر کسی دچار بیماری هایی از قبیل نارسایی قلبی و امثال آن است از فعالیت خودداری نماید. همین تذکر برای رفع مسئولیت قانونی مربی در صورت وقوع حادثه کافی است ولی اگر مربی بدون توجه به سن و آمادگی یک ورزشکار میان سال او را ملزم به انجام عملیاتی نماید که خارج از توان اوست و در نتیجه، آن ورزشکار دچار ضایعه شود مسئولیت مربی قابل طرح خواهد بود. ناگفته نماند که گاهی هم مربی و هم ورزشکار هر دو در وقوع حادثه ای مقصرند که در این صورت مربی به نسبت تقصیر خود مسئولیت خواهد داشت.

۲-۱۱-۲ وضعیت جسمی و روانی ورزشکار

نظارت کیفی مطلوب در مورد ورزشکاران معلول، جانباز و دانش آموزان مدارس استثنائی و سایر اشخاصی که نیاز بیشتری به مربی یا معلم ورزش در فعالیت های ورزشی دارند مستلزم توجه دقیق تری است، وزنه بردار جانباز یا معلول توانایی فرار از سقوط احتمالی وزنه را ندارد، کودکان عقب افتاده قادر به پیش بینی خطرات ناشی از عملیات ورزشی خود نیستند، بالغینی که دچار اختلاف شخصیتی و یا ناهنجاری روانی هستند نمی توانند ایمنی خود را در ورزش در حدود متعارف تأمین کنند و لذا نظارت معلم یا مربی باید با کیفیتی به مراتب بیشتر انجام گیرد تا بتوان از وقوع حادثه جلوگیری کرد به عنوان مثال، مراقبت از کودک ۴ ساله ای که برای آموزش ژیمناستیک روی چوبه موازنه قرار داده می شود. نیاز به دو نفر مراقب دارد که از سقوط احتمالی او از هر دو طرف جلوگیری نمایند.

نظارت بر فعالیت های ورزشی از سوی مربیان بستگی به ویژگی های ورزشکار، نوع ورزش، میزان مهارت و امثال آنها دارد.

در ورزش های خطرناک مانند ژیمناستیک، معیار متعارف نظارت: یک وسیله، یک ورزشکار و یک مربی است.

۲-۱۱-۳ نوع فعالیت ورزشی

ورزشها از نظر خطرناک بودن با یکدیگر متفاوتند. بعضی از آنها علی‌الأصول متضمن خطرهای جدی نیستند و آمار حوادث این گونه ورزشهای مبین این ادعاست. والیبال، هندبال، بسکتبال، تنیس، تنیس روی میز از آن جمله‌اند. در این گروه معلم ورزش و یا مربی مجاز است که بر فعالیت گروههای مختلف به تنهایی نظارت کند. مانند این که دانش‌آموزان متعددی را در زمان واحد در رشته‌های مختلف به تمرین وادارد. اما در عین حال باید توجه کرد که حتی در این گروه هم اولاً همه دانش‌آموزان باید در یک محدوده مکانی مشغول بوده به نحوی که قابل رویت باشند دوم، این تعداد به اندازه‌ای باشد که عرفاً نظارت کیفی متعارف بر آنها امکان داشته باشد.

گروه دوم که ورزش‌های خطرناک نامیده می‌شوند وضعیتی کاملاً متفاوت دارند. این ورزشها شامل ژیمناستیک، کشتی، ورزشهای رزمی، وزنه برداری، مشتزنی و غیره است. در این گروه بر خلاف گروه نخستین، نمی‌توان انبوهی از ورزشکاران و حتی گاهی دو نفر را با یک نفر معلم یا مربی تحت نظارتی قرار داد که متعارف و مقبول باشد. به عنوان مثال در ژیمناستیک نظارت مطلوب اقتضا دارد که بر هر ژیمناست مبتدی در اسباب در جریان تمرین یک مربی نظارت مستقیم و نزدیک داشته باشد و اجازه به تعدادی از آنها که حتی در یک محدوده مکانی و زمانی روی اسباب مختلف مانند دار حلقه، پارالل، بارفیکس تحت نظر یک مربی تمرین نمایند بی احتیاطی محسوب خواهد شد. به عبارت دیگر نظارت کیفی متعارف در ورزش‌های خطرناک مستلزم اتخاذ تدابیر سختگیرانه‌ای است و آن تناسب تعداد معلم یا مربی با ورزشکاران بر حسب ویژگی‌های آن ورزش است.

در عین حال نمی‌توان ضوابط دقیق و مشخصی در مورد هر ورزش از پیش ارائه نمود زیرا شرایط در خصوص هر ورزش در زمینه تعداد ورزشکاران، توانایی‌های مدیریتی مربی یا معلم، میزان مهارت ورزشکاران، نوع حرکات تمرینی و امثال آنها متفاوت است و نهایتاً مجموعه این شرایط است که نظارتی را متعارف و یا نامتعارف تلقی خواهد کرد. با وجود این در بعضی ورزشها مانند شنا معیارهایی برای نظرات کمی و کیفی متعارف ارائه شده است.

ورزش‌های فعالیتی خطرناک است و در بسیاری موارد حوادث آن اجتناب پذیر نیست.

۳- کمک به ورزشکار مصدوم

در بحث‌های گذشته ملاحظه شد که حوادث ورزشی را نمی‌توان در تمامی موارد پیش‌بینی و از وقوع آن جلوگیری نمود و حتی گاهی به رغم پیش‌بینی، قابل جلوگیری نیست. در این بخش بحث از تکلیف مربی یا معلم ورزش در مواجهه با ورزشکاری است که به هر علتی مصدوم شده و کمک به او یکی از تکالیف قانونی آنهاست زیرا سمت مربیگری و معلمی و نیز حضور در صحنه اقتضا دارد که در حدود توانائی، به مصدوم کمک نمایند. نوع کمک و نحوه آن و نیز مسئولیت ناشی از قصور بستگی به شرایط دارد.

۳-۱ ورزشکاران مصدومی که در معرض خطر جانی هستند

صدمات وارده بر ورزشکار گاهی به قدری شدید است که متضمن خطر جانی است و معلم با مربی به موجب قانون موظف به هر اقدامی در جهت جلوگیری از خطر یا تشدید نتیجه آن خواهد بود. قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و دفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴ به تفصیل در مورد کلیه کسانی که از کمک به اشخاص مذکور خودداری نمایند بر حسب مورد مجازات های جداگانه ای تعیین کرده است. این ماده واحده اختصاص به شخص یا گروه خاصی ندارد بلکه مخاطب آن کلیه اشخاصی هستند که در سرزمین ایران سکونت دارند. کار : ماده واحده - ۱. هر کس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود با کمک طلبیدن از دیگران با اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیتدار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند بدون این که با این اقدام خطری متوجه خود او یا دیگران شود و با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک از اقدام به این امر خودداری نماید، به حبس جنجهای تا یکسال و یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد.» ان را دارد و با

نکات مهمی که از این قسمت از ماده واحده می توان استنباط کرد به شرح زیر است:

۱. نظر قانونگذار متوجه ساختن اشخاص به وظایف انسانی آنهاست و با وضع مجازات قصد داشته که با بی تفاوتی مقابله کند کما این که در این مورد مسئولیت را متوجه کسی ساخته که ممکن است کوچکترین نقشی در وقوع حادثه نداشته است.

۲. وجود خطر جانی و بنابراین صدمات جزئی از شمول ماده خارج است. البته منظور خطری است که برای حیاط مصدوم خطرناک بوده و مرگ او محتمل باشد .

۳. اولین تکلیف شخص در اینجا «اقدام فوری خود» است. چنین اقدامی ممکن است نجات غریق، بیرون آوردن دانش آموز از محل آتش سوزی، کمکهای اولیه و یا هر اقدام لازم دیگری باشد که البته لازمه آن فوریت است زیرا مصدوم در معرض خطر جانی است. در صورت عدم امکان، وظیفه بعدی، کمک طلبیدن از دیگران و یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات ذیصلاح از قبیل اورژانس، پلیس، آتش نشانی و امثال آنهاست. مقنن در عین انصاف، انجام این تکالیف را مقید به آن کرده که خطری متوجه خود او یا دیگران نشود.

۴. خطر جانی اعم است از این که حادثه ای واقع شده باشد و شخص به سختی دچار صدمات شدید باشد و یا در آستانه صدمه دیدن باشد. بنابراین ورزشکاری که در اثر سقوط در حین علمیات ورزشی دچار ضربه مغزی است از این نظر همانند وضعیت دانش آموز دبستانی است که به بالای تخته شیرجه ۵ متری رفته و بدون توجه به این که استخر آب ندارد به بازی مشغول است.

۵. در همه این حالات لازمه مسئولیت کیفری فقط با دیدن صحنه محقق می شود و ضرورتی به مقصر بودن در ایجاد چنین وضعیتی ندارد. ۶. این قسمت از ماده ناظر بر تمامی اشخاص جامعه است و منحصر به شغل و یا سمت اشخاص نیست.

۷. مجازات مرتکب یعنی کسی که چنین صحنه ای را مشاهده می کند و به هر علتی انجام وظیفه اخلاقی و قانونی خود امتناع می کند حبس تا یکسال و جزای نقدی است. بنابراین اگر معلم یا مربی ورزشی که پس از خاتمه کار خود، ورزشگاه را ترک و در مسیر با انسانی مواجه می شود که در اثر تصادف رانندگی به شدت مصدوم و راننده متواری شده است و از کمک به او به بهانه این که او در حادثه مقصر نبوده و یا اگر مصدوم را به بیمارستان برساند تحت تعقیب قرار خواهد گرفت خودداری نماید مجرم تشخیص و مجازات خواهد شد.

اما گاهی اوقات وضع به گونه ای است که کسی که شاهد و ناظر صحنه است با توجه به حرفه خود قادر به کمک بوده ولی به دلیل این که در وقوع حادثه نقش نداشته و یا تکلیفی قانونی و یا قراردادی مشخصی به کمک شخص مصدوم ندارد کمک موثری نمی نماید. مانند این که در یک مسابقه بسکتبال، پزشکی در بین تماشاگران باشد و به رغم مشاهده برخورد دو ورزشکار و وخامت حال آن هیچگونه اقدامی ننماید و به همین ترتیب است مضعیت ناجی غریقی که در ساعت تعطیل استخر برای ملاقات دوست خود به آنجا رفته و مشاهده می کند که مستخدم استخر در حال غرق شدن است. در هر دو مورد هر چند نه پزشک و نه ناجی غریق هیچکدام به موجب قرارداد موظف به کمک به مصدومین موصوف نبوده اند ولی به اقتضای حرفه خود ملزم به کمک بوده اند. قسمت ذیل بند یک ماده واحده به طور صریح چنین مقرر می دارد: از داد

در این مورد اگر مرتکب از کسانی باشد که به اقتضای حرفه خود می توانسته کمک مؤثری بنماید به حبس جنحه ای از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال محکوم خواهد شد.

سه نکته مهم در تفسیر این قسمت از ماده واحده قابل ذکر است. اول این که تحمیل چنین تکلیفی بر عهده اشخاص موکول به آن است که اقدام به کمک متضمن خطر برای کمک کننده یا دیگران نباشد دوم، فوریت اقدام کمکی است که در مقررات ورزشی هم به آنها اشاره شده است. (ماده ۹۷ آئین نامه نجات غریق: ناجی غریق موظف است به محض مشاهده غریق بدون فوت وقت نسبت به نجات غریق اقدام کند.) سوم، نتیجه، شرط مسئولیت نیست و به عبارت دیگر اگر مصدوم فوت نکند باز هم کسی که با توجه به شرایط مذکور از کمک خودداری نموده مجرم محسوب و مجازات خواهد شد. نکته ای که مدیران ورزش در چنین شرایطی باید به آن توجه داشته باشند شدت عملی است که قانون نسبت به مسئولان مراکز درمانی اعم از دولتی یا خصوصی که از پذیرفتن شخص آسیب دیده و اقدام به درمان او با کمک های اولیه امتناع نمایند اعمال می کند و آن این که این اشخاص به حداکثر مجازات ذکر شده محکوم می شوند. به موجب این قانون هزینه درمان این قبیل بیماران و سایر مسائل مربوط به موجب آئین نامه ای به تصویب هیأت وزیران رسیده است. بنابراین اگر ورزشکار مصدوم با شرایط مذکور به هر یک از مراکز درمانی منتقل شود و مسئولان آن مرکز به هر علتی از پذیرش خودداری نمایند مجرم محسوب و مجازات خواهند شد. آگاهی مدیران ورزشی از مفاد این قانون دست آنها را برای احقاق حقوق قانونی مصدومین ورزشی باز می گذارد تا بر حسب مورد پیگیری های قانونی را اعمال نمایند.

۳-۲ تشدید مجازات معلم و مربی ورزش

قانونگذار در ادامه این ماده واحده در مورد کسانی که بر حسب وظیفه یا قانون مکلف به کمک بوده اند قائل به تشدید مجازات است.

۲. هرگاه کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلفند به اشخاص آسیب دیده یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند کمک نمایند از اقدام لازم و کمک به آنها خودداری کنند به حبس جنحه ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

معلم ورزش و مربی بر حسب وظیفه و قانون موظف به مراقبت از ورزشکار و کمک به او در صورت مصدومیت هستند و بیش از همه از این قشر انتظار کمک به ورزشکاران مصدومی می رود که تحت نظر آنها قرار دارند و بدیهی است که قصور آنها در انجام این تکلیف اخلاقی و قانونی مستلزم واکنش های شدیدتری نسبت به سایرین خواهد بود.

۳-۳ نکات مهم در مورد کمک به مصدومین

از جمله بهانه های واهی که بعضی از اشخاص برای خودداری از کمک به مصدومین مطرح می کند نپذیرفتن مصدوم در مراکز درمانی و یا متهم شدن آنها به ایراد صدمه بر مصدوم است.

قانونگذار برای تشویق افراد جامعه به کمک به این گونه مصدومین و دوری آنها از بی تفاوتی نسبت به حیات انسانهایی که ممکن است با یک اقدام کوچک ولی انسانی نجات پیدا کنند راه کارهایی اندیشیده و مقرر می دارد که اولاً مسئولان مراکز درمانی اعم از دولتی یا خصوصی که از پذیرفتن شخص آسیب دیده و اقدام به درمان او یا کمکهای اولیه امتناع نماید به حداکثر مجازات ذکر شده محکوم می شوند دوم، مأمورین انتظامی نباید متعرض کسانی شوند که خود متهم نبوده و اشخاص آسیب دیده را به مراجع انتظامی یا مراکز درمانی برسانند بشوند. ان و البته اخلاق و روحیه ورزشی یعنی اخلاق یک انسان با ارزش های والای انسانی،

کریم، آزاد و مسئول در برابر خدا هرگز در چنین شرایطی به خود اجازه بهانه جوئی نمی دهد و جامعه ورزش که به فتوت و جوانمردی اشتهار دارد از پیشگامان کمک به این گونه مصدومین خواهد بود. آنچه که ممکن است هر انسانی را از کمک به کسانی که در معرض خطر جانی قرار دادند منصرف نمایند حس خودخواهی و این تصور باطل است که مصدوم، همیشه دیگری است و او در موضع ناظر و شاهد است و لذا اگر یک بار چنین تصور کنیم که ما نیز ممکن است در اثر سانحه ای مصدوم شویم و نجات ما از مرگ موکول به انتقال فوری به یک مرکز درمانی باشد آیا بهانه جویی های غیرانسانی دیگران برای خودداری از انجام این کار را می پسندیم؟ علم ورزش و مربی به عنوان سرباران مقدم جبهه فتوت و جوانمردی باید بدانند که رفتار آنها در چنین مواردی درس بزرگی برای همه ورزشکارانی است که ناظر، صحنه بوده و یا به نحوی از آن مطلع می شوند.

۳-۴ ورزشکارانی که صدمه آنها خطر جانی ندارد

گاهی صدمه وارده به ورزشکار از آن چنان شدتی برخوردار نیست که اطلاق عنوان خطر جانی میسر باشد مانند در رفتگی ها، شکستگی های غیر خطرناک، صدمات وارده به عضلات، ورود آب به ریه شناگر، اصابت ضربه در ورزش های رزمی به سر و صورت طرف و امثال آنها.

در این موارد نیز هر چند خطر فوری نیست ولی اگر چاره اندیشی های مقتضی انجام نشود نتایج نامطلوب نیز دور از انتظار نخواهد بود. در همه این موارد نیز معلم یا مربی ورزش مکلف به کمک به ورزشکار مصدوم است که معمولاً به صورت کمک های اولیه اعمال می شود. تخلف از انجام این تکلیف اگر منجر به نتیجه سوئی گردد موضوع مسئولیت مربی قابل طرح است. فرض کنید شناگری در حین شیرجه از ناحیه صورت با کف استخر برخورد و بر اثر ضربه و نیز ورود آب به ریه او وضعیت نامطلوبی پیدا کند. آیا ناجی غریق می تواند از اعمال کمک های اولیه به وی که شامل خارج کردن آب و تنفس دهان به دهان و غیره است به این بهانه که مصدوم مقررات استخر را رعایت نکرده و یا تکلیفی بر عهده او نیست خودداری نماید؟ آیا مربی هندبال که با شکستگی ترقوه شاگرد خود مواجه می شود مسئولیتی در قبال کمک به او ندارد؟ آیا مربی کاراته که شاگرد او در حین تمرین بر اثر اصابت ضربه به سر دچار مشکل می شود می تواند به دلیل این که زنده ضربه، ورزشکار خاطی بوده در کمک به او خود را مسئول نداند؟ بیگمان پاسخ به همه این موارد منفی است. معلم ورزش و مربی مکلف به مراقبت از ورزشکار است و این تکلیف در زمان مصدومیت قوی تر خواهد بود. انجام کمک های اولیه از جمله اقدامات مراقبتی است که هر معلم یا مربی ورزش اولاً باید از کمک های اولیه آگاهی کافی داشته باشد دوم، ترتیب تقدم یا تأخر آنها را با توجه به وضعیت ورزشکار مصدوم بداند سوم، در اجرای آنها در صورت تحقق صدمه کوچکترین تردید به خود راه ندهد.

۳-۵ تجاوز از کمک های اولیه

خودداری از کمک های اولیه می تواند موجبات مسئولیت های قانونی را برای معلم یا مربی ورزش فراهم سازد و در عین حال اگر از حدود متعارف آن نیز خارج شود به علت ارتکاب جنایت باید پاسخگو باشد. بنابراین باید مرز میان کمک های اولیه صحیح و اقداماتی را که مداخله در امور پزشکی و جرم علیه ورزشکار محسوب می شود را ترسیم کرد. این خط را می توان در منابع علمی مربوط به کمک های اولیه به سهولت ملاحظه کرد ولی در عمل کار چندان آسان نیست و به همین جهت توصیه می شود که معلم و مربی ورزش از انجام اقدامات ذیل خودداری نمایند.

الف. تجویز و تهیه قرص برای رفع سردرد یا لینت و یا رفع ناراحتیهای ناشی از قاعدگی بانوان.

ب. اقدام به معاینه طبی و تشخیص بیماری به وسیله ابزار طبی ج. تجویز قرص یا کپسول ضد سرماخوردگی.

ه. باندپیچی کردن مفاصل مصدوم به تصور این که عضو دچار دررفتگی شده است بدون نظر متخصص و

احتمال شکستگی

و. اجازه بازگشت به بازی به بازیکنی که از ناحیه سر مجروح گردیده است... ز. به بازی گرفتن بازیکنان مصدومی که از لحاظ پزشکی مجاز به بازی نیستند. ح. اجازه بازگشت به کلاس و یا انجام فعالیت بدون گواهی پزشکی به دانش آموزان. ط. تجویز داروی غرغره و یا استفاده از ابزار طبی برای نمونه برداری.

ی. استفاده از آلات برنده مانند چاقو یا تیغ صورت تراشی به منظور بریدن پوست، میخچه، تاول، ناخن فرورفته در پوست و غیره. دادند. این را ندارد رک. ایجاد بی حسی موضعی در بازیکن مصدوم به منظور ادامه بازی.

ال. استفاده از امکانات فیزیکی مانند حرارت یا جریان برق برای آمادگی عضلانی و دفع خونمردگی و ایجاد بهبودی بدون دستور طبی و یا به وسیله اشخاص فاقد صلاحیت. ۲. اقدام به پاشیدن آب به صورت و یا سیلی زدن و یا استفاده از ترکیبات آمونیاک برای به هوش آوردن بازیکن بیهوشی که احتمالاً موجب ناراحتی های بیشتری خواهد شد. ۱.

در مقابل این «نبایدها» به بایسته های زیر باید توجه داشت. اولاد ای ران

.. حمل ورزشکار مصدوم یک موضوع بسیار مهم است. بی توجهی به نحوه حمل ممکن است موجب وخامت حال مصدوم و یا برای همیشه او را زمین گیر کند و در چنین صورتی مرتکب مسئول است هرچند انگیزه او نیک باشد. آیا می دانیم نتایج حاصل از حمل بازیکنی که از ناحیه ستون فقرات آسیب دیده به صورت انداختن روی دوش چه خواهد بود؟

۲. انجام کمکهای اولیه صرفاً باید از سوی کسانی انجام شود که با این امر آشنایی کافی دارند.

۳. هر معلم ورزش یا مربی باید آدرس دقیق نزدیکترین مرکز درمانی به محل فعالیت ورزشی خود را بداند. و تلفن های ضروری مانند اورژانس، پلیس، آتش نشانی را در معرض دید قرار دهد. از

۴. در هر مرکز ورزشی حتی اگر حیاط کوچک مدرسه باشد باید لوازم و تجهیزات کمکهای اولیه آماده بهره برداری باشد. با

۵. در صورت بروز حادثه معلم ورزش با مربی موظف است همزمان با انجام کمکهای اولیه خانواده مصدوم را از جریان امر مطلع نماید. از قرار داد ۶. در صورتی که هر یک از مراکز درمانی به هر علتی از پذیرش مصدوم خودداری نماید. معلم ورزش یا مربی باید نسبت به گزارش جریان امر و تعقیب قانونی آنها اقدام کند.

۷. در صورت بروز حادثه باید به سرعت تصمیم گرفت و از مداخله اشخاص متفرقه قاطعانه جلوگیری نمود. فوریت از ضروری ترین ارکان کمک های اولیه است.

۸ اتخاذ تدابیر احتیاطی مانع وخامت اوضاع و احوال خواهد بود

فقدان وسایل کمک های اولیه و عدم آگاهی به اعمال آن ، سلامت ورزشکاران را در معرض خطر جدی قرار می دهد .

۴- اختیارات مدیران در تنبیه ورزشکاران

در مباحث پیش، موضوع تکلیف مدیران فنی در ورزش به مراقبت از ورزشکاران توضیح داده شد و به طور ضمنی تفاوت آنان با سایر معلمان و مربیان غیر ورزشی مشخص گردید. بنابراین به اجمال می توان گفت که وظیفه مراقبتی مدیران فنی یک اصل است و مقدم بر تکلیف آموزشی آنهاست.

اکنون این پرسش مطرح می شود که در مقابل این تکلیف، چه اختیاری دارند و به عبارت دیگر با چه ابزارهایی باید به وظیفه مراقبتی خود عمل کنند؟ اگر قوانین و مقررات ورزشی و غیرورزشی، معلم ورزش را مسئول حفاظت از ورزشکار می شناسد، چه اختیارات و چه امکاناتی به او برای اجرای چنین وظیفه بزرگ و پر مسئولیتی اعطا شده است؟

در پاسخ به این پرسش می توان به دو نوع اختیار اشاره کرد: ۱. امکانات مدیریتی در رابطه با فعالیت های ورزشی از قبیل برنامه ریزی، سازماندهی، اعمال تنبیهاتی مانند محرومیت از شرکت در فعالیت ها، استفاده از نمره درسی و امثال آنها. ۲. اختیار اعمال تنبیهاتی که ماهیت جرم است ولی انجام آن از سوی معلم با مربی در راستای وظایف او به موجب قانون موجه و مجاز شناخته شده است. ۱

قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۵۸ مقرر می دارد:

ت - اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرست صغار و مجانین که به منظور تأدیبات یا حفاظت آنها انجام می شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیبات و محافظت باشد.

نخستین پرسش حقوقی این است که آیا این ماده معلم با مربی ورزش را شامل می شود؟ طرح چنین پرسشی به دلیل این است که در متن این بند به طور صریح هیچ اشاره ای به آنها نشده است.

در پاسخ به این سوال لازم است به چند نکته توجه کرد:

۱. اشخاص مورد نظر مقنن شامل والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان هستند و وجه مشترک همه آنها تکلیف به حفاظت و تأدیبات است. به عبارت دیگر مقنن خواسته است که به هر کس وظیفه مهم حفاظت و تأدیبات طفل را محول می کند اختیار تنبیه را نیز اعطا نماید.

۲. معلم ورزش و مربی به شرحی که گذشت موظف به حفاظت، مراقبت و تأدیبات ورزشکاران بر حسب مورد هستند و لذا آنها از مصادیق بارز واژه «سرپرستان» مذکور در ماده خواهند بود.

معلم ورزش نه فقط آموزش ورزشکاران را به عهده دارد بلکه مکلف است که از آنها در جریان فعالیت ورزشی مراقبت نماید. به عنوان مثال معلم شنا نه فقط باید به آموزش داوطلبان بپردازد بلکه مراقبت از آنها وظیفه ای مهم تر خواهد بود و لذا اگر در جریان آموزش یکی از اطفال غرق شود معلم شنا ضامن است و از او پذیرفته نخواهد بود که وظیفه خود را منحصر به آموزش بداند و در سایر رشته های ورزشی نیز وضع به همین منوال

است. بنابراین اگر معلم ورزش و مربی را مکلف به مراقبت از ورزشکار بدانیم لزوماً باید او را صاحب حق تنبیه دانست. با این مقدمه به نظر می‌رسد که معلم ورزش یا مربی از مصادیق بارز «سرپرستان» و حتی در مواردی از اولیاء قانونی محسوب می‌شدند.

شرایط لازم برای توجیه تنبیه

اعمال تنبیه علیه ورزشکار با توجه به ماده مرقوم موقوف به وجود شرایط ذیل است:

۱ سمت مرتکب

این اختیار منحصر به والدین، اولیاء قانونی و سرپرستان است. در خصوص شمول عنوان اولیاء قانونی و سرپرستان بر معلم ورزش و مربی به قدر کافی بحث شد ولی گاهی واژه سرپرست در زمینه ورزش به اشخاص دیگری نیز قابل تسری است مانند سرپرست اردو، سرپرست تیم‌های اعزامی، سرپرست وسیله نقلیه ای که ورزشکاران در آن سوار هستند و غیر آنها. در این موارد نیز اگر وظیفه مراقبت از ورزشکار به آنها سپرده شده باشد به طور قطع در رابطه با چنین تکلیفی دارای اختیار تنبیه خواهند بود. به عنوان مثال اگر سرپرست اتوبوس حامل دانش‌آموزان ورزشکار متوجه شود که یکی از آنها نیمی از بدن خود را از پنجره خارج کرده و به تذکرات سرپرست هم‌وقعی نمی‌نهد آیا برای حفاظت از او مجاز به تنبیه او نخواهد بود؟ پاسخ در صورتی که منفی باشد بدان معناست که در صورت وقوع حادثه نیز مجاز به بازخواست از سرپرست نخواهیم بود. و چنین استنباطی از مفاد این ماده قانونی خلاف نظر مقنن و تکالیفی است که بر عهده مدیران ورزشی قرار دارد.

۲ اقدامات مرتکب

مقنن با بکار بردن واژه «اقدامات» ظاهراً برای اقدام‌کننده محدودیتی از نظر نوع قائل نشده است. با وجود این به نظر می‌رسد این اقدامات شامل هر عملی است که ماهیت جرم بوده ولی ارتکاب آن علیه طفل در این ماده موجبی برای مجازات نخواهد بود. این اقدامات شامل تنبیه بدنی، نگهداری طفل در محل مضبوط و جلوگیری از تردد او، توهین و موارد مشابه است.

۳ کمیت و کیفیت اقدامات تنبیهی

اختیارات معلم ورزش و مربی در تنبیه ورزشکار خاطی نامحدود نیست. قانونگذار در ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی با تصریح به این که اقدامات مذکور در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد اقدامات آنها را از نظر کمی و کیفی مقید نموده است. به عبارت دیگر ملاک موجه بودن اقدامات تنبیهی عرف است که تجاوز از آن جرم محسوب می‌شود. در عین حال این عرف نیز فقط در محدوده تأدیب و محافظت قابل قبول خواهد بود. بنابراین نه تحلیل معلم و مربی از عرف تأدیب و محافظت می‌تواند مبنای قضاوت باشد و نه مفهومی که فرهنگ طفل از این مقولات ارائه می‌نماید بلکه تلفیقی از همه اجزاء تشکیل‌دهنده عرف در همان مکان و زمان مبنای صدور حکم از سوی قاضی قرار خواهد گرفت. با این حال باید توجه داشت که این معیار هم آنچنان دقیق نیست که بتوان فرمولی ارائه نمود که پاسخ تمامی وقایع آینده در آن منعکس باشد و لذا نهایتاً قاضی است که باید اقدام تنبیهی معلم ورزش یا مربی را با مفهوم جمله (.. در حد متعارف تأدیب و محافظت) بسنجد و رأی نهایی را صادر نماید و در این سنجش باید شخصیت ورزشکار از نظر توانائی جسمی و روحی، ماهیت خطائی

که انجام داده نیز لحاظ شود. بنابراین اقدامات معلم یا مربی ورزش به شرح ذیل را می توان با تأدیبات و محافظت معارض و نامتعارف دانست هر چند به انگیزه تأدیبات یا محافظت باشد:

الف. فحاشی و استعمال الفاظ رکیک ب. ایراد ضرب شدیدات الامارات الانت ر

نت مجانا ج. بلند کردن ورزشکار با گرفتن گوشها. د. محبوس کردن ورزشکار در مدت طولانی. ها الزام ورزشکار به انجام فعالیت بدنی طاقت فرسا و نگهداشتن ورزشکار در هوای بسیار سرد.

۴ ضرورت وجود انگیزه تأدیبات یا حفاظت

متعارف بودن اقدام تنبیهی معلم ورزش یا مربی حتی اگر نتیجه ناهنجاری را به بار نیاورد به تنهایی کافی برای جرم نبودن نخواهد بود بلکه با توجه به ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی لازم است که اقدام تنبیهی متعارف فقط به منظور تأدیبات یا حفاظت باشد. تأدیبات یا حفاظت مفاهیمی عرفی هستند که در بحث قبلی توضیح داده شد و لذا اگر اقدام تنبیهی به انگیزه تأدیبات یا حفاظت نباشد جرم محسوب و مرتکب مجازات خواهد شد مانند اینکه معلم ورزش از دانش آموزی بخواهد که ساک ورزشی او را بیاورد یا زمین ورزش را نظافت کند و کارهایی از این قبیل و ورزشکار امتناع نموده و معلم ورزش چنین واکنشی را خلاف ادب تشخیص داده او را تنبیه بدنی کند. بدیهی است که امتناع ورزشکار از انجام چنین اقداماتی خلاف ادب به حساب نمی آید و تشخیص معلم ورزش به علت مغایرت با مفهوم عرفی تأدیبات فاقد اثر حقوقی خواهد بود. اما اگر سرپرست اردو از اجابت درخواست دانش آموزی که به شهرستانی دیگر اعزام شده مبنی بر این که شب را در خانه اقوامش بگذراند امتناع کند و با اصرار وی مواجه گردد و خوف فرار او از اردو برود نگهداری چنین دانش آموزی در محلی امن در حدود متعارف مشمول ماده است هر چند نفس عمل، بازداشت غیرقانونی باشد.

۵ شخصیت بزه دیده

در ماده مرقوم انجام اقدامات تنبیهی فقط در مورد «صغار و مجانین» مجاز است به موجب ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی: سن بلوغ، در دختران و پسران به ترتیب ۹ و ۱۵ سال تمام قمری است. این دیدگاه به علت اشکالات متعددی که در مرحله اجرا ایجاد نموده بود و مورد اختلاف فقها، حقوقدانان و قضات بود خوشبختانه قانونگذار در مواد ۸۸ لغایت ۹۵ قانون مجازات اسلامی با استفاده از واژه های اطفال، نوجوانان و همچنین تقسیم بندی سن ارتکاب بین ۱۲ تا ۱۸ سال و یا کمتر از ۱۲ سال تدابیر مناسبی در سال ۱۳۹۲ اندیشید.

۶ نتیجه اقدامات

با توجه به صدر ماده ۱۵۸ که مقرر می دارد: «علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست»، منظور اقداماتی است که متضمن نتیجه مجرمانه باشد و در چنین صورتی است که مقنن به دلایلی که ذکر شد اراده میکند که در جهت حمایت از مربی یا معلم ورزش و سایر اشخاص مشمول، این جرائم را مباح بداند و مرتکب را از مسئولیت مبری بداند. نکته مهم دیگر، قرار گرفتن معلم ورزش در این ماده در ردیف والدین است و این امر، مؤید اهمیت ورزش از دیدگاه مقنن است.

۷ تعارض اختیار تنبیه با ممنوعیت آن در آموزش و پرورش

وزارت آموزش و پرورش همواره در باب تنبیهات بدنی حساس بوده و بر ممنوعیت آن از طریق صدور بخشنامه ها تأکید داشته است. در تعارض میان اختیار قانونی تنبیه و ممنوعیت بخشنامه ای آن باید گفت که مرجع وضع قانون قوه مقننه و مرجع صدور بخشنامه قوه مجریه است که با توجه به اصول پنجاه و هفتم قانون اساسی که قائل به تفکیک قوا گردیده و نیز اصل یکصد و هفتاد آن: «قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامه ها و آئین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می تواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند. می توان گفت که بخشنامه های موصوف در مورد معلمان ورزش قابلیت اجرائی ندارد و سایر معلمان را شامل می شود. از نظر کم و کیف وظایف معلمان ورزش با سایر معلمان نیز قبول چنین تبعیضی کاملاً منطقی است. کوچکترین تعلل معلم ورزش در مراقبت از دانش آموزان در زنگ ورزش و به خصوص در ورزشهایی مانند شنا، ژیمناستیک و امثال آنها منجر به حادثه ای ناگوار خواهد شد. این در حالی است که سایر دروس نظری مانند ریاضی، فیزیک، شیمی، ادبیات و غیر آنها علی الاصول متضمن خطری برای تمامیت جسمانی و روانی دانش آموز نیست تا موضوع تسری اختیار تنبیه به آنها در خصوص مورد قابل بررسی باشد. با این حال همین گروه از معلمان نیز می توانند در صورتی که اقدام دانش آموز خلاف ادب باشد و یا حتی به موارد استثنایی اگر حفاظت خود یا دیگران را به خطر اندازد بی گمان برابر ماده فوق اجازه تنبیه خواهند داشت.

۵- مسولیت های حقوقی داوران

داوران از ارکان مهم ورزش محسوب می شوند که عملکرد آنها نقش تعیین کننده ای در میادین ورزشی و چه بسا در نظم عمومی جامعه دارد. قضاوت داور در ورزش از نظر فنی موضوع بررسی های حقوقی قرار نمی گیرد و اصولاً دآوری بد یا خوب تا آنجا که منجر به حادثه و یا ضرر و زیان مالی و یا لطمه به حقوق قانونی دیگران نشود از شمول حقوق ورزشی خارج است. بنابراین تعامل حقوق با دآوری در ورزش موکول به آن است که رابطه سببیتی میان قضاوت داور و نتیجه خلاف قانون احراز گردد تا بتوان در باب مسئولیت کیفری یا مدنی او بررسی نمود. در عین حال آنچه مسلم است عدم مصونیت داوران از پیگردهای قانونی است و هر کس که از عملکرد داور در زمین ورزش متحمل صدمه جانی، مالی و غیره شود حق تعقیب قانونی آنها را خواهد داشت.

اداره امور ورزش ها در میادین به استناد مقررات هر ورزش منحصر با داور است و او باید با توجه به اختیارات وسیعی که دارد بر حاکمیت مقررات پای فشارد و در صورتی که در انجام این وظیفه به هر علتی از قبیل بی اطلاعی از مقررات، بی توجهی به عدم اجرای مقررات از سوی ورزشکار و امثال آنها قصور کند و حاصل تقصیر او صدمه به حقوق قانونی دیگران باشد ضامن و پاسخگو خواهد بود. اینک به مقررات بعضی از ورزشها در مورد وظایف داوران اشاره می کنیم.

.. بسکتبال ماده ۱۹: داوران بازی را طبق قوانین مربوطه اداره خواهند کرد.

۲. فوتبال. قانون پنجم: برای قضاوت هر بازی یک داور تعیین می گردد. وظیفه، اختیارات و اقتدار او از زمانی که داخل زمین بازی می شود آغاز می گردد. اختیارات داور در مورد مجازات بازیکنان حتی در مورد خطاهایی که هنگام خارج شدن توپ و یا توقف توپ در زمین انجام میگیرد گسترش می یابد. تصمیمات داور درباره خطاهای انجام شده باید بدون توجه به نتیجه بازی باشد باید قوانین را به مورد اجرا بگذارد. ۲

۳. واترپلو ماده ۱-۹: کنترل مطلق بازی در دست داوران است. اقتدار آنها نسبت به بازیکنان در تمام مدت جریان بازی و تا زمانی که داوران و بازیکنان در محدوده استخر هستند اعمال می شود. ۳.

۴. کشتی - ماده ۱۴ الف: هیأت داوری کلیه وظایف پیش بینی شده در مسابقات کشتی و همچنین مقررات ویژه احتمالی که در هنگام سازماندهی برخی از مسابقات وضع می گردد را به انجام می رساند. ۴.

۵. شنا- ماده ۱-۲: سرداور بر تمام مقامهای برگزار کننده نظارت و تسلط دارد. او می تواند گفته ها و نوشته های آنها را تأیید کند و با در نظر گرفتن موارد ویژه و کلیه دستورها و قوانین آنها را هدایت و راهنمایی کند. او باید قوانین و تصمیمات فینا را با قدرت اجراء نماید.

نظارت مستمر و دقیق داور بر فعالیت های ورزشی یک تکلیف است که می تواند مانع بروز حادثه شود.

وظایف قانونی پلیس جلوگیری از وقوع جرائم است قصور در انجام این وظیفه در ورزش گاهها فاجعه آفرین خواهد بود و برعکس، پلیس مقتدر و وظیفه شناس ضامن امنیت ورزشگاه است.

در سایر رشته های ورزشی نیز داور مسئول اداره امور بر اساس مقررات مربوطه است. اما اختیارات و وظایف داوران دارای ابعاد مختلف و در هر رشته ورزشی متناسب با فعالیت های اختصاصی آن است. نتیجه حاصل از بررسی های انجام شده موارد ذیل است که در تمامی رشته های ورزشی داوران مکلف به انجام آن هستند و تخلف از آنها در صورتی که به نتیجه سوء منتهی شود ممکن است موجب مسئولیت قانونی آنها گردد. قبل از بررسی این موارد تذکر این نکته ضروری است که از نظر حقوقی تفاوتی میان داوری در تمرین یا مسابقه نیست و اهم تکالیف داوران از نظر حقوقی عبارتند از:

۵-۱ بازدید اماکن و تجهیزات

داوران موظفند در فاصله زمانی کوتاه تا شروع فعالیت ورزشی از اماکن و تجهیزات مربوطه بازدید نمایند. این موارد شامل زمین، تشک، پیست، استخر، اسباب و امثال آن است. نحوه بازدید به همان صورتی است که در باب مسئولیت مربیان گفته شد. در صورتی که اماکن و تجهیزات با مقررات مربوط مطابقت نداشته باشد یا متضمن خطر برای بازیکنان باشد داور نباید اجازه فعالیت دهد. از جمله مواردی که اماکن و تجهیزات، خطرناک و وقوع حادثه در اثر استفاده از آن قابل پیش بینی است:

- یخ زدگی یا باطلاقی بودن زمین فوتبال - کدر بودن، آلوده بودن و بوی نامطبوع آب استخر - نازک بودن یا مندرس بودن تشک کشتی با استفاده از قالی بجای تشک - فرسوده بودن بندهای دار حلقه یا چوبهای پارالل - فقدان نور کافی در زمین - لغزنده بودن کف پوشها

. وجود اشیاء خطرناک در نزدیکی محیط زمین مانند نرده های فلزی نوک تیز یا جعبه های فلزی مخصوص نگهداری توپ

- کوتاه بودن فاصله دیوار با خط پایان دو سرعت در سالن - پوشش نداشتن میله های بسکتبال که در فاصله نزدیک زمین نصب شده است به وجود بخاری های گازی در فاصله نزدیک زمین - سیم کشی معلق روی استخر برای روشنایی یا غیر آن

کف پوش های مچاله شده - بی سرپوش بودن حفره های میله والیبال در سالن های چند منظوره

- فقدان ماموران پلیس یا موانع فلزی برای جلوگیری از ورود تماشاگر در بازیهای حساس - ابری و طوفانی بودن هوا در ورزش هایی که در فضای باز انجام می گیرد (امکان صاعقه)

- محصور نبودن فضای پرتاب ها و عدم امکان تردد اشخاص - فقدان علامت های جهت یاب و هشداردهنده در پیست اسکی - غیراستاندارد بودن توپ بازی بنحوی که خطرناک باشد

۵-۲ بازدید از وسایل شخصی ورزشکار

ورزشکاران جوان که بیشتر از آن که عاقل باشند احساسی هستند ممکن است آگاهانه | یا ناآگاهانه از وسایلی استفاده نمایند که با مقررات آن ورزش منطبق نباشد و منجر به صدمه به خود یا حریف شوند. داوران بموجب مقررات کلیه ورزشها باید قبل از شروع فعالیت اقدام به بازدید دقیق و سایل شخصی نموده و از استفاده از وسایل شخصی غیر مجاز جلوگیری نمایند. استفاده از چنین وسایلی نه فقط موجب مسئولیت بازیکن خاطی است بلکه داور را نیز در معرض پی آمدهای قانونی قرار میدهد. داوران نباید هیچگاه امکان سوءنیت را منتفی بدانند. وسایل شخصی شامل دستکش، کفش، وسایل ایمنی، و غیره است. بازدید از وسایل باید بر حسب نوع وسیله انجام شود مثلا بازدید دستکش بوکس باید با لمس آنها صورت گیرد تا چنانچه اشیاء فلزی جاسازی شده و یا از گچ مخصوص شکسته بندی به جای پودر تالک استفاده شده است قابل کشف باشد. در مورد کفش فوتبال موضوع متفاوت است و باید با مشاهده دقیق از استفاده از کفشهایی که استوک های فلزی غیرمجاز با ارتفاع بیشتر از حد و قطر کمتر دارند جلوگیری کند.

در ورزشهایی مانند بوکس آماتور که استفاده از کلاه ایمنی ضروری است یا تکواندو که بکارگیری کلاه ایمنی، هوگو، ساعدبند، کاپ و ساق بند در مسابقه الزامی است امتناع ورزشکار از استفاده از آنها محملی برای رفع مسئولیت داور نخواهد بود.

استفاده ورزشکاران از وسایلی مانند ساعت، انگشتر، و امثال آنها در ورزشهای درگیر ممنوع است و این بر عهده داور است که قبل از شروع اقدام لازم را معمول دارد.

۵-۳ جلوگیری از اجرای حرکات یا فنون خطا

خطاهای فنی هر ورزش بطور دقیق در آئین نامه ها و مقررات مربوطه مورد به مورد مشخص گردیده است البته در اکثر موارد داوران پس از حرکت، اعلام خطا می کنند زیرا حرکات به قدری سریع انجام می شود که عملاً فرصتی برای جلوگیری از اجرای آنها نیست و لذا در این موارد که حرکت یا فن منجر به حادثه می شود مسئولیتی متوجه داور نخواهد بود ولی گاهی اوقات و در بعضی رشته ها ممکن است بین در اختیار گرفتن حریف با فن خطا و اجرای آن فاصله زمانی باشد مثلاً در کشتی بلند کردن کشتی گیری که به پل رفته و پرتاب مجدد وی بر روی تشک و یا گرفتن فن اوج بند کامل ممنوع است. حال اگر کشتی گیری مایه این فنون را در اختیار داشته باشد و قصد اجرای آن کند داور باید قبل از اجراء، اعلام خطا کند و لذا چنانچه بعلمت بی توجهی یا بی اطلاعی اقدام لازم را بعمل نیورد باتفاق ورزشکار خاطی در صورت وقوع حادثه تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. در یک پرونده داور کشتی به علت مسامحه در نظارت شایسته بر مسابقه محکوم گردید زیرا در لحظه ای که یکی از رقبا مبادرت به گرفتن فن اوج بند کامل می کرد توجه داور به جای دیگر معطوف بود. متعاقب اجرای آن فن کشتی گیر دیگر از ناحیه گردن مصدوم و دچار فلج دائم گردید. این صدمه در نتیجه تقصیر داور به وقوع پیوست

نباید از نظر دور داشت که داوران فقط در قبال خطرهایی که بخشی از فعالیت ورزشی محسوب می شوند ممکن است مسئولیت داشته باشند و به عبارت دیگر صدمات ناشی از عملیات ورزشی که برابر مقررات انجام گرفته و یا اقدامات ورزشکاران که از مقوله عملیات ورزشی خارج و منجر به حادثه شود هیچگونه مسئولیتی متوجه داوران نخواهد کرد. مشروط بر این که اقدامات احتیاطی بازدارنده را اعمال نموده باشد. اگر قصد تخلف یا ایراد صدمه از سوی ورزشکار تجلی خارجی پیدا کند بدون این که هنوز به نتیجه منجر شده باشد وظیفه مراقبتی داور اقتضا دارد که اقدامات مقتضی بر حسب مورد اعمال کند. این اقدامات ممکن است تذکر، اخطار و یا حتی اخراج باشد. بی توجهی به چنین مواردی که از مصادیق بارز غفلت است زمینه ساز مسئولیت داوران خواهد بود.

۵-۴ اقدامات نسبت به ورزشکاران مصدوم

مسئولیت داوران در مورد ورزشکاران مصدوم علی الأصول محدوده به مکان فعالیت ورزشی است. هرگاه ورزشکاری به هر علتی در این محدوده مصدوم شود داور موظف است که اقدامات فوری در جهت کمک های اولیه بمنظور جلوگیری از وخامت حال وی را به انجام برساند. این وظیفه لزوماً بمعنای مباشرت داور در اعمال این کمکها به ورزشکار نیست بلکه او باید تسهیلات کافی برای انجام کمکهای اولیه را فراهم نماید. این تسهیلات شامل قطع بازی، اجازه ورود پزشک یا پزشک یار به زمین و بالاخره انتقال مصدوم به خارج از زمین است و هرگاه جابجائی مصدوم بدون ترتیبات خاص میسر نباشد داور مجاز به الزام اشخاص به | انتقال مصدوم به

خارج از زمین به هر نحو نخواهد بود. هدف اساسی ورزش تامین سلامتی، نشاط و توانمندی است و هیچ هدف دیگری در جامعه ایران با توجه به قوانین موجود نمی تواند بر آن رجحان داشته باشد. تقلید از دیگران، اعمال قاطعیت های بی خردانه و بی توجهی به این که همه قوانین و مقررات در کشور باید بر اساس موازین اسلامی و قانونی باشد می تواند داوران ما را مسئول در برابر صدمات وارده نماید. توصیه های ذیل از موجداتی است که مانع مسئولیت داوران خواهد بود.

- به مجرد مصدومیت ورزشکار بازی را قطع و اقدام لازم را معمول دارید.

. هرگز با توجه به زمینه های قبلی، تمارض را مفروض ندانید - مقابله با بازیکن ظاهره متمارض نباید از طریق بی توجهی به او و ادامه بازی صورت گیرد بلکه داور می تواند با اختیارات مقرر در آئین نامه اقدام مقتضی بعمل آورد.

- اگر پزشک در محل فعالیت ورزشی حاضر نباشد اجازه بازگشت به بازیکن مصدوم در صورتی مجاز است که حداقل، ظواهر امر دلالت بر امکان آن داشته باشد.

- به بازیکنی که از ناحیه سر صدمه خورده است بدون اجازه پزشک اجازه ادامه بازی را ندهید.

- ادعای بازیکن مصدوم به توانائی به ادامه بازی به ویژه اگر طفل باشد هرگز رافع مسئولیت داور نخواهد بود.

- در ورزش های مانند بوکس که مفهوم Knock out یا Knock Down زمین افتادن بر اثر ضربه حریف یا عمل بیرون انداختن حریف در اثر ضربه مشت است و در این حالت احتمال کشیدگی و پارگی عروق خونی مغز وجود دارد. بازگشت باید پس از گذشت مدت مقرر با اجازه کتبی پزشک معتمد باشد

- در تعطیل رقابت های نامتعادل که امکان حادثه قابل پیش بینی است تردید به خود راه ندهید.

- هرگاه در جریان فعالیت ورزشی شرایط جوی نامساعد شود و بروز سانحه قابل انتظار باشد بازی را خاتمه دهید.

- اگر ادامه بازی احتمال شورش و بلوا را قابل تصور کرده است به فوریت باید تعطیل شود زیرا مصلحت جامعه و نظم عمومی بر انجام یک فعالیت ورزشی مرجح است .

- اجازه ادامه بازی بازیکنی که سوء نیت و قصد مجرمانه خود را عملاً نشان داده است را ندهید . در غیر این صورت ممکن است به عنوان معاونت در ارتکاب جرم از سوی بازیکن مسئول شناخته شوید .

فصل چهارم
مسئولیت های مدیران در غیر
عملیات ورزشی

۱ مسئولیت های حقوقی مدیران

- ۱-۱ ورزشگاه معبد وبه مثابه خانه دوم
- ۱-۲ مدیر ورزشگاه و کارکنان
- ۱-۳ مدیر ورزشگاه اماکن و تجهیزات
- ۱-۴ تعامل مدیر ورزشگاه با ورزشکاران، مربیان و غیره

۲ مسئولیت های حقوقی مدیران تیم

- ۲-۱ در اعزام جمعی ورزشکاران جوان چه تدابیری باید اتخاذ شود؟
 - ۲-۲ تدابیر احتیاطی در اجرای مسابقات
- مهم

فصل چهارم

مسئولیت های مدیران در غیر عملیات ورزشی

مسئولیت های حقوقی مدیران ورزشگاه ها

قبل از بررسی حقوقی مسئولیت مدیران ورزشگاهها تذکر دو نکته ضروری است. اول این که در این بحث منظور از ورزشگاه هر محلی است که صرفنظر از وسعت و امکانات آن معد برای فعالیت های ورزشی است. بنابراین ورزشگاه آزادی از نظر حقوقی تفاوتی با یک سالن چند منظوره در یک مدرسه ندارد. نکته دوم توجه به معنای مدیر در این راستا است. مسئولیت ناظر بر واژه «مدیر» نیست بلکه هر کس که وظیفه اداره امور آن ورزشگاه را به عهده دارد در صورت تخلف مسئولیت خواهد داشت صرف نظر از دولتی یا خصوصی بودن، سوابق مدیریتی و یا سایر ویژگی ها و لذا واژه های سرپرست، مسئول، رئیس و غیره با کلمه «مدیر» مترادف هستند. مدیران ورزشگاههای مسئولیت اداره فعالیت های ورزشی و غیر ورزشی مرتبط را بر عهده دارند و موظف هستند بدون دخالت در امور فنی ورزشها، ایمنی همه کسانی را که تحت هر عنوان از قبیل مربی، ورزشکار، تماشاگر، کارکنان در ورزشگاه حاضر می شوند حتی همسایگان مجاور را در چارچوب وظایف خود تأمین می نمایند. بدون تردید و به استناد اصول کلی حقوقی اگر صدمه وارده به اشخاص یا اموال ناشی از تقصیر آنها باشد ملزم به پاسخگویی خواهند بود.

۱- ورزشگاه معبد و به مثابه خانه دوم

با توجه به شرح کاملی که در مباحث قبلی داده شد و هدف از ورزش در قانون اساسی روشن گردید و نیز با عنایت به آیات و روایات و از جمله این روایت «قو علی خدمتک جوارحی و اشدد علی العزیمه جوانحی» پروردگارا اعضاء و اندام مرا در طریق خدمت به خود نیرومند گردان و اعصاب و افکارم را بر عزم و استواری محکم فرما تردیدی در قداست آن نیست و لذا مظلوف آن که ورزشگاه است الزاما باید تابعی از همین وصف باشد. از نظر افکار عمومی، ورزشگاه مکان امنی است که ملت فرزندان عزیز خود را با اطمینان کامل برای تعالی و تکامل، نشاط و سلامتی و برومندی به آنجا گسیل می دارند. این اوصاف نشان می دهد که مدیر ورزشگاه امانت دار جامعه است و باید با تمام توان از امانات مردم یعنی کودکان، نوجوانان، جوانان و سایرین که به انگیزه های شرافتمندانه آنجا وارد و منزل دوم خود تلقی می کنند حمایت و حفاظت نماید. فقدان مسئولیت قانونی مدیران ورزشگاهها یک تصور بی اساس است. یکی از اوصاف قواعد حقوقی کلی و عام بودن است و همه آحاد مردم از یکسو دارای حقوق و از سوی دیگر وظایفی بر عهده دارند و در صورت اثبات تقصیر بی گمان ضامن خواهند بود. مدیر ورزشگاه باید همواره به تقدس ورزشگاهها و تعهد خود نسبت به آن عنایت داشته باشد و حساسیت مسئولیت های خود را درک کند.

۱-۲ مدیر ورزشگاه و کارکنان

مهمترین عامل موفقیت یا شکست یک مدیر ورزشگاه، عامل نیروی انسانی همکار است. ورزشگاهها عموماً به علت مساحت زیاد و تردد انبوه مردم در آن، نیاز به نظارت بیشتر دارد. عدم توجه به این دو موضوع می تواند زمینه ساز وقوع تخلفات مختلف در یک مجموعه ورزشی باشد و از آنجا که مدیر ورزشگاه به تنهایی قادر به نظارت مستمر نیست لزوم وجود یک ترکیب مطلوب از همکاران ضرورتی اجتناب ناپذیر است. جرائم ارتكابی در ورزشگاهها از سرقت، تخریب شروع و به اعمال منافعی عفت و صدمات بدنی و حتی مرگ خاتمه می یابد. گاهی این جرائم نه فقط از سوی مراجعین به وقوع می پیوندد بلکه تبانی، معاونت و یا مشارکت بعضی از کارکنان با آنان هرگز منتفی نیست و در صورتی که ارتكاب چنین جرائمی شایع شود بی گمان حمل بر بی کفایتی مدیر خواهد بود و این حداقل خسارتی است که بر حیثیت مدیر وارد می شود. اتخاذ تدابیر ذیل از سوی مدیر ورزشگاه اقداماتی است احتیاطی که می تواند عامل بازدارنده مهمی در جلوگیری از بروز ناهنجاری شود.

۱. مطالعه دقیق پرونده های پرسنلی کارکنان و جمع آوری اطلاعات در مورد کلیه کارکنان.

۲. اتخاذ تصمیم قاطع در مورد کسانی که ادامه کار آنها در مجموعه به مصلحت نیست. ۳. بازدیدهای ناگهانی از ورزشگاه در تمامی ساعات و کنترل نحوه انجام وظیفه کارکنان.

۴. بررسی صلاحیت فنی و اخلاقی مربیانی که از مجموعه استفاده می کنند و جلوگیری از شروع یا ادامه کار اشخاص فاقد صلاحیت

به خاطر داشته باشیم که هر اعضاء نامتعارفی در این مورد به معنای قربانی کردن | نوجوانان و جوانان به پای دوستی ها و یا سهل انگاری هاست ضمن این که مدیر نیز قربانی دیگر آن خواهد بود.

۱-۳ مدیر ورزشگاه اماکن و تجهیزات

مدیر ورزشگاه مسئول مراقبت از کلیه اشخاص اعم از ورزشکار، تماشاگر، کارکنان و غیره در محدوده ورزشگاه در رابطه با تمامی اماکن، اسباب، وسایل و تجهیزات ورزشگاه است. این وظیفه حتی در بعضی موارد به همسایگان ورزشگاه نیز قابل تسری است. بنابراین مدیر مجموعه باید در آستانه شروع به تصدی این سمت از کلیه موارد فوق به طور دقیق بازدید و اشکالات موجود را به مقامات مسئول گزارش و تصریح نماید که استفاده از آنها متضمن وقوع حوادث ناگوار خواهد بود.

اعم از این که ورزشگاه دولتی باشد یا نباشد اگر خسارت ناشی از تقصیر مدیر باشد مسئول خواهد بود. به موجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی: «کارمندان دولت و شهرداری و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمد یا در نتیجه بی احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات

مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است.» بنابراین گزارش نواقص می تواند رافع مسئولیت مدیر ورزشگاه باشد. صدمات و خسارات ناشی از معیوب بودن وسائل و تأسیسات گاهی به قدری دلخراش است که با هیچ قیمتی قابل جبران نیست و ندامت و پشیمانی مدیران سهل انگار پس از این که خانواده ای متلاشی و ملتی را از داشتن جوان برومندی محروم نمود چه سودی در پی خواهد داشت. به عین گزارش کارشناس حادثه پیست دیزین که منجر به قطع پای نفر اول تیم اسکی جوانان گردید توجه نمائید: در تاریخ ۱۳۷۵/۱۲/۲۶ آقای صادق کلهر نفر اول تیم ملی اسکی جوانان ایران پس از پایان تمرین به سرعت به پایین پیست اسکی می‌کند وی پس از عبور از معبر باریک سعی میکند مماس با انتهای قابل رویت کابل شمالی از کنار کابل عبور کند ولی غافل از آنکه قسمتی از کابل در زیر برف پنهان است و این قسمت پنهان همان قسمتی از کابل بوده که کفش صادق به آن گیر میکند شدت شوک حاصل از در تله افتادن پا و سرعت نسبتاً زیاد باعث می شود تمامی بدن به استثنای پا و کفش را به چندین متر جلوتر پرتاب شود. بدین ترتیب صادق کلهر نفر اول تیم اسکی جوانان ایران پای راست خود را از ناحیه زانو از دست می دهد علت اصلی حادثه نامناسب و ناکافی بودن حصار محوطه وزنه توازن بوده است که در درجه اول حصار می بایستی با فاصله کافی از کابل نصب می شد. کابل می بایستی حداقل با دو متر فاصله در داخل محوطه محصور قرار می داشت. علاوه بر آن حصار می بایستی دوبله و از جنس تورپهای ایمنی باشد و حتماً نقاط اتصال کابل به زمین در داخل حصار قرار بگیرد. البته لازم به ذکر است که موارد خطرناک در پیست دیزین فراوان است که بیان یکایک آنها خارج از موضوع این گزارش است لیکن مانع آن نیست که در آینده اسکی بازان دیگری دچار سانحه نشوند.)

در رابطه با وظایف مدیران ورزشگاهها با اماکن، اسباب، وسایل و تجهیزات به توصیه های زیر توجه نمائید.

۱. بازدید زمان بندی شده را در صدر وظایف خود قرار دهید. ۲. نسبت به پیگیری رفع اشکالات تا حصول نتیجه ادامه دهید.

۳. اشکالات و معایب هر چند جزئی باشد اگر وقوع سانحه قابل پیش بینی است نادیده گرفته نشود. .

۴. بی توجهی به سقف ورزشگاه، حمام، توالت ها که بر اثر رطوبت جدا شده در هر لحظه ممکن است بر اثر ریزش ضایعه جبران ناپذیری ایجاد نماید تقصیر محسوب می شود. .

۵. اگر ورزشگاه مجاور منازل و یا اماکن دیگران است استفاده از تورهای فلزی برای جلوگیری از اصابت توپ یک الزام حقوقی است.

۶. لغزنده بودن کف حمام ها، دستشوئی ها، کنار استخر از عوامل خطرناک است. رفع اشکالات الزامی است. در کنار هر شیر آب که برای آبیاری استفاده می شود نصب یک تابلو که غیربهداشتی بودن آن را مشخص می کند ضرورت دارد. در عین حال از نظر فنی باید به گونه ای باشد که اشخاص عادی نتوانند از آنها استفاده کنند.

۷. مسمومیت حاصل از شرب چنین آبی اگر منجر به مرگ شود قتل غیر عمدی محسوب و مسبب مجازات خواهد شد. در
- ۸ جایگاه تماشاگران باید توسط کارشناسان مربوطه در مقاطع مشخص زمانی بازدید و اجازه ادامه استفاده کتبا ابلاغ گردد. مدیر ورزشگاه مسئول جلب نظر کارشناسان است. . ۹. اطاق تاسیسات ورزشگاه شامل برق، دستگاههای حرارتی و برودتی باید همیشه قفل بوده و کلید آن منحصر در اختیار مامور فنی باشد. استاد
۱۰. از قرار دادن وسایل خطرناک مانند دروازه هندبال، جعبه فلزی مخصوص نگهداری توپ، بخاری گازی، نردبان های فلزی و امثال آن در کنار زمین های ورزشی به شدت جلوگیری نماید. ۱
۱۱. کلید و پریزهای ورزشگاه باید در محل محفوظ قرار داشته باشد بنحوی که امکان دستیابی اشخاص متفرقه به آن ممکن نباشد.
۱۲. نصب تابلوهای هشدار دهنده یا نوشتن هشدارها در محل مناسب از اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه است.
۱۳. از خرید اسباب، لوازم و تجهیزات نامرغوب خودداری نمایند.
۱۴. امکانات لازم برای کمک های اولیه همیشه باید در دسترس باشد.
۱۵. اطلاع از محل نزدیک ترین مراکز درمانی به ورزشگاه از تدابیر یک مدیر معقول است.
۱۶. درج تلفن های ضروری مانند اورژانس، پلیس، آتش نشانی، برق، گاز، و آب در محل قابل رویت موید تدبیر مدیر ورزشگاه است.
۱۷. ایجاد ارتباط نزدیک با مسؤولان پلیس محل، بیمارستانها، اورژانس و غیره نشان دهنده شایستگی و آینده نگر بودن مدیر است.
۱۸. تردد اشخاص مشکوک در ورزشگاه به ویژه در زمان فعالیت ورزشی دانش آموزان باید به دقت تحت نظر قرار گیرد.
۱۹. در مسابقات حساس که حتی احتمال ضعیفی برای درگیری وجود داشته باشد ورزشگاه باید بطور کامل عاری از مصالح ساختمانی مانند آجر، سنگ و غیره باشد.
۲۰. موانع فیزیکی برای جلوگیری از ورود تماشاگران به زمین های ورزشی از تدابیر الزامی است
۲۱. در صورت وقوع حادثه گزارش کاملی از آن تهیه و در صورت لزوم در همان زمان به امضای شهود برسانید. نحوه تنظیم این گزارش در مباحث بعدی شرح داده خواهد شد.

خلاصه این که مدیر ورزشگاه در محدوده مدیریتی خود وظیفه دارد که از وقوع حوادث با اتخاذ تدابیر لازم جلوگیری نماید. در چنین صورتی و حتی به رغم تحقق هر حادثه - هیچگونه مسئولیتی نخواهد داشت و در غیر اینصورت اگر در وقوع حادثه مرتکب بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم رعایت مقررات و یا غفلت شده باشد بر حسب نتیجه حاصله مسئولیت خواهد داشت.

۱-۴ تعامل مدیر ورزشگاه با ورزشکاران، مربیان و غیره

مدیران ورزشگاهها نه وظیفه ای در باب امور فنی فعالیت ورزشی دارند و نه اصولاً مجاز به دخالت در آن هستند. اما نظارت بر آنها در حدودی که مربوط به اختیارات و وظایف آنها از تکالیف مدیران است. این محدوده چندان وسیع و پراز ابهام است که نمی توان خطوط دقیقی برای مرزبندی آنها ترسیم کرد ولی تجارب ورزشی توصیه های ذیل را در این باب کارساز می داند:

۱. انجام هر فعالیتی در ورزشگاه باید با اخذ مجوز از مدیریت انجام گیرد. از ۲. در خواست استفاده و یا دستور مقامات مافوق به استفاده باید مکتوب و متضمن نکاتی از قبیل زمان، نوع فعالیت، جنسیت ورزشکاران، مشخصات کامل مربی و سرپرست، تعداد ورزشکاران و غیره باشد. لا

۳. مربی یا سرپرست باید در درخواست خود مسئولیت کامل نظارت بر ورزشکاران خود در جریان فعالیت های ورزشی را بپذیرد.

۴. مربی و یا سرپرست متقاضی باید صلاحیت کافی برای این سمت را داشته باشد.

۵. هزینه استفاده باید به حساب بانکی ورزشگاه یا مدرسه، اداره تربیت بدنی واریز شود و از دریافت وجه قویا خودداری گردد.

۶. از انعقاد قرارداد بدون رعایت اصول حقوقی خودداری شود

۸ بدون حضور مربی هیچ ورزشکاری مجاز به شروع به فعالیت ورزشی نخواهد بود و ادامه فعالیت بدون حضور وی مطلقاً ممنوع است. مدیر ورزشگاه مسئول اجرای این شرط است.

۹. مدیران ورزشگاهها باید از انجام فعالیت های نامتجانس جداً جلوگیری نمایند. به عنوان مثال اجازه به استفاده از نیمه زمین برای پرتاب ها و همزمان بازی فوتبال در نیمه دیگر اقدامی خطرناک است و خلاف احتیاط و با اجازه استفاده از نیزه در یک سالن ورزشی که انبوهی از جوانان مشغول تمرین هستند حتی برای اصلاح روش پرتاب غیرعقلانی است و به همین ترتیب است اجازه شیرجه در استخرهایی که ویژه شناسست و گروهی به شنا مشغول هستند.

۱۰. استفاده از اسباب ژیمناستیک با وزنه برداری و یا هریک از ورزشهای خطرناک حتی بصورت موردی باید ممنوع اعلام شود مگر با رعایت شرایط مقرر.

۱۱. اگر مربی به هر دلیلی زمین ورزش را قبل از موعد مقرر ترک کند مدیر ورزشگاه موظف به تعطیل آن فعالیت خواهد بود در غیر اینصورت بطور ضمنی مسئولیت حوادث ناشی از فعالیت را پذیرفته است.
۱۲. در قرارداد استفاده از ورزشگاه باید این نکته قید شود که مدیر ورزشگاه در صورت مشاهده تخلف اخلاقی یا قراردادی می تواند بطور یک جانبه نسبت به فسخ آن اقدام نماید.
۱۳. ارتکاب اعمال منافی عفت و حتی هتک ناموس در ورزشگاه ها را نباید مطلقاً منتفی دانست ورزشگاه ها به علت وسعت زیاد و تردد فراوان و آزادی رفت و آمد ممکن است زمینه مناسبی برای انجام چنین اعمال خلافی باشد. مدیر عاقل، مدبر و وظیفه شناس که خود را در مقابل فرزندان این ملت مسئول می داند و مصمم به حفاظت از حیثیت ورزش است باید با توجه به توصیه های زیر از بروز هرگونه تخلفی در این زمینه جلوگیری نماید: -
- الف. تردد اشخاص مشکوک را شخصا یا توسط عوامل خود تحت نظر قرار دهید. بیماران یا منحرفین جنسی ورزشگاهها را به ویژه در زمان فعالیت نوجوانان و جوانان کانون توجه خود قرار می دهند
- ب. در ورزشهایی که به لحاظ مقتضای آن ورزشکاران از پوشش های کمتری استفاده می کنند مانند شنا اعمال نظارت بیشتر ضروری است.
- ج. تناسب سنی در فعالیتهای ورزشی باید رعایت شود اجازه استفاده همگانی از استخر بدون رعایت شرایط سنی اقدام معقولی بنظر نمی رسد.
- د. دوش های ورزشگاه باید بدون حد فاصل و عمومی باشد.
- ها رعایت همه جوانب در ساختمان توالت ها الزامی است. | اور صلاحیت اخلاقی مربی، سرپرست، ناجی غریق و غیره مهمترین شرط برای تصدی چنین مسئولیت هائی است
- ز. استفاده از لباس های ورزشی که به طور بین و آشکار با اخلاق حسنه جامعه ناسازگار است. نباید اجازه داده شود.
- ح. شوخی های نامربوط و مبتذل زمینه ساز پیشروی های بعدی است. جلوگیری از آن باید با تدبیر کامل انجام گیرد.
۱۳. حفاظت از تماشاگران باید با تامین جایگاههای مناسب تامین شود. جایگاه باید از زمین بازی یا محل فعالیت ورزشی فاصله متعارف را داشته باشد و در صورت لزوم استفاده از توریهای محافظ برای جلوگیری از برخورد توپ ضروری است. تناسب فاصله و ایمنی در هر رشته ورزشی و با توجه به این که جایگاه در عرض زمین باشد یا در طول آن متفاوت است. در چنین صورتی اگر بر اثر برخورد توپ با تماشاگر صدمه ای حاصل شود مدیر ورزشگاه مسئولیتی نخواهد داشت مضافا به این که تماشاگر با خرید بلیط و یا ورود آگاهانه به

ورزشگاه خطرات احتمالی آن ورزش را پذیرفته است اما در غیر این صورت یعنی اگر صدمه ناشی از مجهز نبودن جایگاه باشد و یا فقدان حفاظ های لازم موجب صدمه شده باشد و یا اگر بر اثر فروش بلیط بیش از ظرفیت ازدحامی به وجود آید و منجر به حادثه شود مدیر ورزشگاه که سبب حادثه بوده است ضامن خواهد بود زیرا این موارد مصادیق بارز بی احتیاطی در مراقبت محسوب می شود.

اما اگر تماشاگران از جایگاه های اختصاصی خارج شوند و یا از ابتداء برای تماشای بهتر فعالیت ورزشی در کنار زمین مستقر شوند مانند این که در کنار دروازه فوتبال بایستند یا در فاصله نزدیکی از پرتاب کننده وزنه قرار گیرد و یا در کنار تخته وزنه برداری بنشینند و در اثر اصابت توپ یا وزنه صدمه ای ببینند علی الاصول مسئولیتی متوجه مدیر ورزشگاه نخواهد بود مگر این که تماشاگران صغیر بوده و ورزشگاه نیز رعایت احتیاط های لازم را نکرده باشد.

۲ مسئولیت های حقوقی مدیران تیم های اعزامی

اعزام دستجات ورزشی جهت شرکت در مسابقات مختلف، المپیادها دانش آموزی یا دانشجویی و غیره از امور متداول در ورزش است. در مورد ورزشکاران بزرگسال بحث مسئولیت مدیریت کمتر مطرح است زیرا این گروه از ورزشکاران بالغ، عاقل و مختار بوده و شخصاً مسئول حفاظت از خود خواهند بود. اما موضوع مهم در مورد اعزام دانش آموزان در قالب تیم های ورزشی است یعنی ورزشکارانی که بموجب قانون مراقبت و حفاظت از آنها در تمامی مدت بر عهده سرپرستان آنهاست. دانش آموز یا هر ورزشکار صغیری که به منظور شرکت در مسابقات ورزشی در خارج از مدرسه به سرپرستی سپرده می شود بمنزله امانتی است که والدین طفل، امانتگذار، طفل، امانت و سرپرست او امین بحساب می آیند. ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مقرر می دارد: «کسی نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد بعهدده او میباشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد».

البته مسئولیت قانونی متخلف همیشه منحصر به جبران خسارت نیست چه بسا مواردی که سرپرست به علت تقصیر و مسئولیت کیفری نیز داشته باشد. اما موضوع مهم در این بحث صرفاً جلب توجه سرپرستان تیم های اعزامی به ضمانت اجرای قانونی نیست بلکه سرپرستان این دستجات باید به اهداف اعزام اطفال به مسابقات و از جمله مهمترین آن المپیادهای دانش آموزی و رسالت خود در تحقق این اهداف عنایت بیشتری داشته باشند. بنظر می رسد هدف نهایی از این گونه اقدامات آشنائی اطفال با زندگی دسته جمعی، یافتن تجربه زندگی در خارج از خانواده، آموزش نحوه زندگی با دیگران و بالاخره آماده سازی وی برای ورود موفقیت آمیز به جامعه در آینده است.

۱-۲ در اعزام جمعی ورزشکاران جوان چه تدابیری باید اتخاذ شود؟

سرپرست در این مسئولیت با مخاطرات بزرگی مواجه است. از یک سو کثرت تعداد و از سوی دیگر صغر سن ورزشکاران و فقدان تجربه کافی و غلبه احساسات کار را تا به آنجا حساس و دشوار می کند که کوچکترین اشتباهی ممکن است منجر به حادثه غیر قابل جبرانی شود. کشته شدن ۲۳ دانش آموز دختر در تصادف مینی

بوس آنها در ولنجک تهران، کشته شدن دانشجویان نمونه در واژگونی اتوبوس آنها در بازگشت از خوزستان که هر دو طی سالهای اخیر اتفاق افتاد این پیام را بهمراه داشت که حادثه در کمین است بی تدبیری، ناشایستگی و فقدان آگاهی های لازم مدیران بزرگترین سرمایه های ملت را در لحظه ای به فنا می دهد و جبران این ضایعه با هیچ واکنشی علیه مدیر متخلف میسر نخواهد بود و در عین حال واقعی بودن این حوادث ما را ملزم میکند که وقوع حوادث از این دست را امور واهی و صرفا مضبوط در کتابها ندانیم. به منظور رعایت اختصار فرض می کنیم که اداره آموزش و پرورش استان کرمان به موجب حکمی یکی از معلمین ورزش استان را به عنوان سرپرست تیم های ورزشی اعزامی به المپیاد دانش آموزان کشور که در شهرستان زنجان برگزار خواهد شد انتخاب می نماید. آنچه می توان از نظر حقوقی از این حکم استنباط کرد این است که سرپرست هیأت اعزامی از لحظه تحویل دانش آموز تا زمان مراجعت و تحویل وی به خانواده مسئولیت مراقبت از تمامیت جسمانی، روانی و حیثیتی طفل را بعهدده خواهد داشت و بنابراین موفقیت در چنین ماموریت بسیار حساس و خطرناکی موکول به درایت، آگاهی، تدبیر و عشق و علاقه سرپرست به وظیفه ای است که به وی محول گردیده است. توجه به نکات ذیل الزاماتی غیر قابل احتراز است که نحوه اجرای آن بستگی به شایستگی های سرپرست خواهد بود

۱. اخذ اجازه کتبی از ولی دانش آموز (جزئیاتی که باید در این اجازه نامه ذکر شود در فرم شماره ۱ آمده است. به خاطر داشته باشیم که هیچکس اجازه بردن دانش آموز به خارج از مدرسه بدون اجازه ولی را ندارد.

۲. تعیین شخص مورد وثوق از همکاران در مرکز استان و تحویل تصاویر کلیه اجازه نامه های موضوع بند ۱ بمنظور رفع مشکلات پس از اعزام

۳. تعیین مربیان واجد صلاحیت های اخلاقی و فنی برای هر یک از رشته های ورزشی و اطمینان از هماهنگ بودن وی با سرپرست

۴. نظارت مستقیم در انتخاب وسائط نقلیه و رانندگان واجد شرایط با توجه به وضعیت دانش آموزان را دارد

۵. تعیین و انتخاب مستخدمین به تعداد کافی و با توجه به احتمال بیماری، تصادف و سایر صدمات دانش آموزان

۶. انتخاب سرپرست از میان مربیان برای هر وسیله نقلیه و صدور حکم کتبی برای آنها و تفهیم وظایف آنها در این موارد .

۷. مشخص کردن وسیله نقلیه هر یک از دانش آموزان قبل از تجمع آنها در محل عزیمت و

نصب صورت اسامی روی شیشه اتوبوس و جلوگیری اکید از تخلف از این ترتیب و ۸ تشکیل جلسه هماهنگی با رانندگان جهت تعیین نقاط توقف و ترتیب حرکت وسائط نقلیه

۹. تقسیم مربیان و سایر مسئولین به نسبت مساوی در وسائط نقلیه و جلوگیری از تجمع آنها در یک وسیله

- ۱۰- نظارت بر دانش آموزان در محل های توقف بین راه از سوی سرپرستان هر وسیله نقلیه در صرف غذا و غیره و الزام سرپرستان به حضور و غیاب آنها قبل از حرکت.
- ۱۱- توزیع دانش آموزان در اطاقهای اختصاص داده شده به استان بر اساس رشته ورزشی، سن و سایر شرایط روحی و جسمی
- ۱۲- جلوگیری از تردهای انفرادی دانش آموزان به خارج از محل اردو
- ۱۳- موافقت با عزیمت دانش آموزان به منزل اقوام در صورت رضایت قبلی ولی. در این مورد اقوام باید در محل اردو حاضر شده و پس از احراز هویت اقدام شود.
- ۱۴- تعیین مراقب واجد صلاحیت در محل اردو برای دانش آموز بیمار یا مصدوم .
- ۱۵- اجازه خرید سوغات به دانش آموزان تحت سرپرستی مربیان مربوطه و در دستجات کم تعداد به صورت نوبهای.
- ۱۶- اعلام مراتب بیماری یا مصدومیت دانش آموز به والدین در صورت وخامت حال از طریق بند ۲.
- ۱۷- اگر بازگرداندن دانش آموزی که ادامه اقامت او در اردو به هر علتی مصلحت نباشد ضروری تشخیص داده شود باید با همراه صورت گیرد... .
- ۱۸- در صورت تاخیر در مراجعت مراتب باید به شخص موضوع بند ۲ اعلام گردد. | مشارالیه موظف است تاریخ و ساعت دقیق مراجعت را به کلیه والدین اطلاع دهد. ۱۹- ثبت وقایع به طور تفصیلی از وقایع روزانه در مدت توقف در المپیاد.
- ۲۰- اخذ وجوه دانش آوزان توسط یکی از مسئولیت و تحویل مجدد بر حسب نیاز در مدت مسافرت.
- ۲۱- پس از مراجعت سرپرست موظف است که هر دانش آموز را در همان محل تحویل والدین نماید و در صورت عدم مراجعه آنها باید تا محل منزل همراهی شود مگر این که با توجه به سن دانش آموز ضرورتی به آن نباشد.
- ۲۲- تنظیم گزارش جامع از مأموریت و ارسال آن برای مقام مسئول در خاتمه کار.
- به کار بستن نکات فوق اگر همراه با تلاش خستگی ناپذیر باشد نتیجه جز توفیق نخواهد داشت و چنانچه بی توجهی شود احتمال وقوع حوادث بسیار زیاد است. به عنوان مثال عدم کسب موافقت ولی برای اعزام خلاف قانون است، مشخص نبودن وسیله نقلیه هر دانش آموز ممکن است در همان لحظه سوار شد منجر به درگیری آنها برای انتخاب و یا مصدوم شدن در اثر ازدحام گردد، عدم نظارت در انتخاب وسیله نقلیه و راننده واجد شرایط گاهی مصیبت زا خواهد بود. عدم نظارت دانش آموزان در ایستگاههای بین راهی و حضور و غیاب

نکردن آنها در هر مورد می تواند منجر به جا گذاشتن آنها شود، گسیل یک گروه صد نفری برای خرید سوغات پی آمدهای ناراحت کننده ای خواهد داشت، طرح بعضی مسائل که ناشی از بی توجهی سرپرستان باشد در کتاب مصلحت نیست ولی می توان با لحظه ای تفکر پیش بینی کرد.

وقوع حوادثی از این دست علاوه بر مسئولیت قانونی سرپرست، شایستگی مدیریتی او را | نزد مسئولین و جامعه ورزش به زیر سوال می برد و بعید به نظر می رسد بتوان به چنین مدیری برای مأموریت های مهم اعتماد نمود. جلب اعتماد، اثبات شایستگی و مبری بودن از تقصیر تنها در سایه تعهد، تلاش صادقانه و آگاهیهای مدیریتی و حقوقی میسر است.

۲-۲ تدابیر احتیاطی در اجرای مسابقات مهم

ورزش فعالیتی است که همیشه با هیجان همراه است و نمی توان به طور قاطع نتایج اجتماعی آن را پیش بینی کرد. حضور هزاران جوان پراحساس در ورزشگاه همراه با تعصبات زمینه مساعدی است که حتی به بلوا و شورش می انجامد کما این که چنین بوده است و چنین نیز خواهد بود. اما پیش بینی وقوع حوادث یک هنر و یک تکلیف برای مدیران است. مدیرانی که از تجارب و اطلاعات کافی برخوردارند در انجام این وظیفه توفیق خواهند داشت و با اتخاذ تدابیر لازم از وقوع حادثه با گسترش ابعاد آن جلوگیری خواهند کرد.

فرم شماره ۱ (رضایت نامه ورزشکار)

آقای.....ولی محترم خانه دانش آموز کلاس..... مدرسه..... شهرستان.....

. اداره کل آموزش و پرورش استان..... در نظر دارد فرزند جنابعالی را که به عضویت تیم..... استان انتخاب گردیده است ساعت..... روز..... با اتوبوس از محل اداره کل آموزش و پرورش استان جهت شرکت در المپیاد دانش آموزان سراسر کشور به شهرستان زنجان اعزام دارد و در خاتمه ساعت..... روز..... به محل اداره کل مراجعت خواهد نمود. چنانچه با اعزام وی موافقت دارید به پرسشهای ذیل نیز پاسخ داده و با ذکر مشخصات خود این اجازه نامه را امضاء نمایند.

۱- شماره تلفن منزل و محل کار حداقل یکی از آشنایان خود را با نام و فامیل وی بنویسید.

۲- آیا در مراجعت شخصا برای تحویل فرزندانتان مراجعه خواهید کرد آری

۳- آیا در شهر سان زنجان اقوامی دارید؟ در صورت مثبت بودن پاسخ مشخصات و رابطه خویشی با آنها را بنویسید.

۴- آیا با رفتن فرزندتان به منزل آنها موافقت دارید؟

اینجانب.....ولی دانش آموز..... با اعزام فرزندم به شهرستان زنجان بشرح فوق موافقم ضمنا مسئولیت کلیه خسارات وارده از طرف در این مدت را می پذیرم

نام و نام خانوادگی

حوادث مسابقات مهم به علت کثرت تماشاگران می تواند به بلوا، تخریب، آتش سوزی، غارت، ضرب و جرح و حتی قتل منجر شود. مدیران ورزشی از امکانات کافی برای مهار چنین نتایجی برخوردار نیستند و اصولاً مقابله با این حوادث از وظایف آنها نیست ولی پیش بینی آن در حدود متعارف تکلیف آنهاست و قصور در همین امر ممکن است آنها را در مقابل نتایج هولناک مسئول به حساب آورد.

اگر مدیران ورزشی با توجه به اطلاعات مکتسبه پیش بینی چنین وقایعی را بنمایند باید با استفاده از تمامی امکانات و اختیارات خود و با استمداد از سایر نیروها اقدامات احتیاطی ذیل را به انجام برسانند.

.. اعلام کتبی مراتب به شورای تأمین شهرستان یا استان با ذکر مستندات و درخواست تشکیل این شورا. شورای تأمین با حضور استاندار، فرماندار، رئیس اداره اطلاعات فرمانده نیروی انتظامی رئیس دادگستری و اشخاص دیگری است که حضور آنها ضروری است مانند رئیس اداره تربیت بدنی، تشکیل و تصمیمات مقتضی اتخاذ خواهد کرد.

۲. در صورتی که وقوع حوادث مهم قابل پیش بینی نباشد اعلام مراتب به نیروی انتظامی کافی است. -

۳. در چنین شرایطی هرگز نباید بیش از ۹۰٪ ظرفیت جایگاهها بلیط فروشی شود زیرا تراکم غیر مجاز تماشاگران زمینه ساز مشکلات است

۴. ورزشگاه باید قبل از ورود تماشاگران از وجود هرگونه وسیله ای که بتواند موجب صدمه به دیگران شود پاکسازی شود. این وسایل شامل مصالح ساختمانی مانند آجر، شن و میوه درخت کاج و یا مرکباتی است که بر درختان ورزشگاه یا درختان همسایگان که از ورزشگاه قابل دسترسی می شود.

۵. از توقف وسایط نقلیه در ورزشگاه باید جلوگیری شود.

۶. از ورود شیشه های نوشابه و اشیائی از این قبیل از طریق فروشگاههای ورزشگاه و غیره باید ممانعت به عمل آید.

۷. موانع فیزیکی قبل از روز مسابقه بازدید و از آنها رفع اشکال شود. ۸- تردد اشخاص به محوطه اطراف زمین تحت نظارت شدید قرار گیرد. ۹. جایگاه مربیان و بازیکنان ذخیره با امکانات فیزیکی مورد حفاظت قرار گیرد. ۱۰. کلیه راههای خروج پس از پایان مسابقه باید باز باشد تا تخلیه به سرعت انجام شود.

۱۱. مدیریت های ورزشی در این موارد باید از هرگونه دخالت در وظایف پلیس و سایر عوامل خودداری نمایند.

۱۲. امکان جعل بلیط و یا استفاده از بلیط های فاقد مهر را منتفی ندانید در غیر این صورت ممکن است با جمعیتی به مراتب بیشتر از ظرفیت ورزشگاه مواجه شوید که این آغاز فاجعه خواهد بود. هرچندگاهی به رغم رعایت کلیه جوانب باز هم وقایع تأسف آوری در ورزشگاهها به وقوع می پیوندد ولی از نظر حقوقی، مسئولیتی

متوجه مدیران ورزشی نخواهد بود زیرا آنان به تکالیف خود عمل کرده اند و تقصیری متوجه آنها نیست. باید همیشه به یاد داشته باشیم که مسئولیت مبتنی بر تقصیر است و نتیجه حاصله هر چند وخیم باشد به خودی خود موجب مسئولیت نخواهد بود.

عدم توجه به هر یک از نکات فوق الذکر نوعی تقصیر برای مدیران ورزشی به حساب می آید و بر حسب نتیجه زیان بار باید پاسخگو باشد که گاهی آنچنان گران تمام می شود که زندگی خدمتی و خانوادگی مدیر را دچار صدمات غیرقابل جبران خواهد کرد.

علم پایان ندارد



ورزش علم است

دانشگاه علمی کاربردی شهربابک و دانشگاه اختصاصی سبک کانگ فوتوآ-۲۱ در سال ۱۳۸۷ تاسیس شد. دغدغه اصلی هیات موسس این مرکز همواره خدمت صادقانه و تربیت نیروی انسانی متخصص بوده است از همین رو شیوه ی تدریس نوین یاران که برگرفته از ۱۷ نوع روش تدریس می باشد را جایگزین روش های سنتی نمود . این مرکز تنها دانشگاه تقاضا محور در کشور است که توسعه، خلاقیت، مهارت اموزی و کارآفرینی را رسالت خود می داند. این مرکز با دارا بودن پتانسیل های فراوان و بالقوه همواره در جهت تغییرات مثبت و جهانی شدن گام برداشته و قادر به خروج از دانشگاه های نسل چهارم و ورود به دانشگاه های نسل پنجم می باشد.

